

نظری بایران

و

خلیج فارس

نگارش

اسمعیل نوری زاده بوشهری

٢٩٧٣٢

آلاء الفنون - لغتي

ش

DS 255

• N8

c.3

فهرست مندرجات

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
	سمنان		بغداد
۲۹	آثار باستان و معدن نفت خوربان دامغان		منافع انگلیسها در بین النهرین و عملیات نظامی آنها - نامه اداره سیاسی بنایب السلطنه هندوستان و جواب سرلشکر «بارون»
۳۰	اوضاع اقتصادی و آثار باستانی شاهرود	۲	خاندقین
۳۱	اوضاع اقتصادی و آثار تاریخی سبزوار		تساریخچه شرکت نفت انگلیس و ایران
۳۲	اوضاع اقتصادی و آثار باستانی نیشابور	۴	خسروی بکرمانشاه
۳۳	اوضاع اقتصادی و ابنیه تاریخی مشهد		یاسادداشت ژنرال «دسترویل» انگلیسی
	اوضاع اقتصادی و آثار تاریخی و تاریخچه آستان حضرت رضا ۴ تهران	۶	کرمانشاه
۳۴	مجلس شورای ملی - تاریخچه پارلمان انگلیس و فرانسه و شرح جنگ های ژنرال موند و ژنرال رابرت انگلیسی و تاریخچه کابوتولاسیون در ترکیه و مصر و ایران		اوضاع اقتصادی و آثار تاریخی طاقستان و بیستون و نفت شاه اسدآباد
۳۸	قم	۷	حالات سید جمال الدین اسدآبادی معروف باقانی همدان
	آثار تاریخی و تاریخچه میرزا علی اصغر خان امین السلطان صدراعظم اصفهان	۱۰	اوضاع اقتصادی و آثار تاریخی و تاریخچه استر و مردخای قزوین
۴۷	اوضاع اقتصادی و ابنیه باستانی و تاریخچه کارخانه وطن تخت جمشید	۱۲	اوضاع اقتصادی آثار باستانی و تاریخچه «شرلی» در حضور شاه عباس تهران
۴۹	آثار باستانی استخر و نقش رستم و یادداشت «سرجان ملکم» شیراز	۱۷	ابنیه قاجاریه و تاریخچه امیرکبیر و یادداشت «لرد کوزن» راه بوشهر بشیر از طریق فیروزآباد جنگ بین ایران و انگلیس در تل توپخانه و در بندر بوشهر
۵۹	اوضاع اقتصادی و ابنیه تاریخی	۲۰	
۶۴		۲۵	

صفحه	موضوع
	بندر لنگه
۹۱	اوضاع اقتصادی و معاملات مروارید و جنگک باغشدار آنجا
۹۳	جزایر بحرین اوضاع سیاسی و معاملات مروارید جزیره قشم
۹۶	از زمان قدیم جزیره هنگام
۹۷	اوضاع سیاسی و فرار بخشدار آنجا به عمان
۹۸	جزیره گیس از زمان قدیم و معاملات مروارید
۱۰۱	جزیره هرمز اوضاع سیاسی و اقتصادی آنجا
۱۰۳	جزیره خارک اوضاع سیاسی و معاملات مروارید و یادداشت سرچشمه اترام
۱۱۱	اوضاع بندر و جزایر خلیج فارس و بلوک دشتستان و تنگستان و مکران چگونگی صید مروارید
۱۱۴	خلیج فارس و اهمیت سیاسی و تاریخی نیروی دریائی
۱۱۸	راه آهن ایران و تاریخچه سیاسی آن
۱۲۴	خانه در خصوص تعلیم و تربیت

صفحه	موضوع
	کازرون
۶۷	آثار باستانی در تنک چوکان و جنگ بین عشایر ایران و قشون انگلیس
۷۰	برازجان حالات و اسموس آلمانی و تاریخچه جنگ بین انگلیس و تنگستانها
۷۴	بندر بوشهر اوضاع اقتصادی و ابنیه قدیم و تاریخچه ریشهر
۷۷	بندر عباس اوضاع اقتصادی و تاریخچه بندر کامبرون
۸۱	کرمان اوضاع اقتصادی و ابنیه قدیم و تاریخ آنجا
۸۴	رفسنجان اوضاع اقتصادی و صادرات آنجا
۸۵	یزد اوضاع اقتصادی و آثار باستانی و کارخانه های بافندگی آنجا
۸۹	بندر جاسک تاریخچه قدیم و جنگ بین انگلیسها و پرتغالی ها و تاریخچه سیم تلگراف زیر دریائی
۹۰	بندر چابهار اوضاع اقتصادی و هجوم اعراب مسقط و یادداشت «لرد کرزن»



دریاچه

این کتاب که بنظر خوانندگان محترم میرسد یکرشته از شواهدات آمیخته بمطالعات و حاصل چندین ساله زحمات این نویسنده میباشد که در طی مسافرت و سیاحت خود از دیدن شهرها و آثار تاریخی و باستانی ایران یادداشت نموده و اینک باتکمیل و تدوین آن بصورت کتاب تحت عنوان «نظری بایران و خلیج فارس» تقدیم هم میهنان گرام مینماید - منظور نویسنده از نگارش این کتاب نه فقط عبارت از این بود که «غرض نقشی است کز ما باز مانده» بلکه بدین امید که شاید مطالعه آن برای خوانندگان گرامی مخصوصاً در قسمت وقایع مهم سیاسی و تاریخی حالات اوضاع مردمان بزرگ برای خوانندگان خالی از فایده نباشد و از آنجائیکه هیچ کاری بدون نقص نیست حتی الامکان جانب اختصار را نگاهداشته امیدوار است که خردمندان نقائص و مختصر بودن این کتاب را بدیده اغماض نگرسته و بمصدق «که خالی نباشد بشر از خطا» رفتار نمایند .

اسماعیل نورزاده بوشهری

نظری بایران و خلیج فارس

پس از بازگشت از عراق عرب در سال ۱۳۰۷ خورشیدی از بغداد با راه آهن عازم خانقین شدم مسافت بین بغداد تا خانقین در حدود ۱۸۶ کیلومتر است دهستانهای بین راه عبارتند از یعقوبیه - شهر بان - قزل رباط و قره خان است لو کوموتیو نیرومند غرش کنان قطار کوه پیکر را میکشید و ما را از مقابل آبادیها عبور میداد تاریکی اطراف را فرا گرفته روشنائی برق واگونها نور خود را در اطراف پراکنده مینمود گهی بتاریکی و سیاهی دشت و هامون نظری میافکندم که روزگار مگر نقاش است که از دو رنگ لیل و نهار نقش و نگار می بندد ستاره های درخشان سحری با انوار گلفام خویش از پشت افق سر بدر آورده و طلوعه صبا را اعلام میداشت قطار از مقابل دهستانها سرعت میگذشت و با عبور آن منظره حیات چون يك فیلمی دفیله وار از مد نظر میگذشت و سرعت زمان را که چه زود در گذر است در خاطر مجسم میساخت در اینموقع در باره فواید راه آهن از نظر اهمیت بین المللی و همچنین از لحاظ سیاسی و اقتصادی آن فکر میکردم که پس از اختراع آن راه آهن سرعت فوق العاده در کلیه ممالک راقیه بسط و توسعه یافته و هر کشوری بنا با استعداد خود از آن بهره مند شده بطوریکه در مدت یکقرن از تاریخ اختراع آن در حدود یک میلیون پانصد هزار کیلومتر در جهان دایر گردیده و کمک بزرگ و مؤثری به تقویت بنیه اقتصادی و احیای صنایع نموده و در زندگانی بشر انقلابی تولید کرد و نیز بیاد میآوردم که چطور «لرد کرزن» معروف موفق گردید که نقشه راه آهن کوئته و نوشکی را تا میرجاوه و زاهدان عملی نماید و در نظر داشت که آنرا از راه بلوچستان و کرمان از راه کنار جنوب ایران تا بصره امتداد دهد

و تصمیم با بعلی در سال ۱۸۹۹ میلادی در دادن امتیاز ساختن راه آهن به آلمان از اناطولی به بغداد ضمناً انگلیسها حاضر شدند که آلمانها را در آسیای صغیر تا قسمت شمال بغداد آزادی عمل داشته باشند بشرطی که نظیر این امتیاز را خود در ناحیه جنوب بین النهرین دارا باشند که بتوانند سدی پر لادین در جلوی پشرویهای آلمان و روسیه برای ممانعت از رسیدن بدریای آزاد کشیده باشند.

یکی از رجال سیاسی انگلیس در موقعیت بصره و بغداد میگوید که نظیر بنادر خلیج فارس میباشند و میبایست جزء منطقه قرار گیرد که تفوق نفوذ ما در آنجا غیر قابل مقاومت باشد و منافع سیاسی ما در خلیج فارس نباید محدود باشد بلکه تا بغداد امتداد یابد بنابراین هر تغییری در وضعیت بین النهرین پیدا شود مانند تحولاتی در اوضاع خلیج فارس خواهد بود و نفوذ سایر دول در بغداد بهمان اندازه که نفوذ آن در جنوب ایران باشد ناگوار می باشد چندی پیش از جنگ عالمگیر گذشته دولت انگلیس اعزام عده قشون به آبادان برای حفاظت مؤسسات و منابع نفت آنجا لازم دانست اداره سیاسی هندوستان در نامه خود بنایب السلطنه هند پس از صادر شدن حکم فرستادن قشون مینویسد « از منظور مختلفی که برای بدست آوردن آنها اکنون سپاهیان بخلیج فارس فرستاده میشود تأثر روحی که در رؤسای عرب مقیم خلیج فارس پیدا میشود در درجه اول قرار میگیرد و حمایت مؤسسات و بالشکاه نفت آبادان را درجه دوم حکومت هندوستان عقیده مند بود که ارزش نفت آنجا انقدر نیست که بالنتیجه حمله بخاک ایران بشود مقابله نمود»

سر لشکر «بارون» در پاسخ این نامه جواب میدهد که « در صورت حدوث جنگ با ترکیه منافع امپراطوری انگلیس در بین النهرین از بین میرود و مشایخ خر مشهر و بندر کویت که متحدین ما هستند تحت تهدید قرار گرفته ممکن است از طرف ترکیه مورد حمله واقع شوند و در نتیجه تمام حیثیات

و کوشش ما بهدر خواهد رفت و نیز موقعیت ما در خلیج فارس متزلزل خواهد شد».

از ششم نوامبر ۱۹۱۴ میلادی کشتی های جنگی انگلیس قلعه ترکیه را در دهانه شط العرب بامباران کردند فاو و بصره را تصرف نمودند و عملیات نظامی برای پیشرفت بطرف بغداد شروع گردید باین طریق از تمام خطر احتمالی جلوگیری بعمل آمد و دست ترکیه از بغداد و شامات قطع شد و اشغال نظامی آنجا را موجب در دید که هرگاه در مدیترانه اختلافی بین دول اروپا خاصه ایتالیا ظهور نماید از راه خلیج فارس و بین النهرین تمام حرکات استراتژی خود را بدون خطر بتواند انجام بدهد و دفاع مصر و بانال سوئز را با در دست داشتن این راه ارتباط نظامی کاملاً محفوظ گردید و نیز از گشودن راه عبور سایر دول در خلیج فارس و دریای هند جلوگیری شد و بنام اجرای وظیفه حفظ هندوستان اقتدار خود را در خلیج فارس تأمین نمود .

بامداد روز جمعه وارد خانقین شدم هوا بسیار گرم و بازار و کوچه های این شهر کیف بنظر میرسید اهالی آنجا بیشتر از نژاد کرد هستند اولین ساختمانی که جلب نظر میکرد بنای شرکت نفت ایران و انگلیس بود که برای تصفیه نفت ساخته شده است و نفت سیاه از نفت خانه در چند کیلومتری وارد خانقین میگردد: مقدار نفت خانقین آنقدر نیست که بخارج فرستاده شود ولی تا حدی احتیاجات محلی را تأمین مینماید - امتیاز معدن نفت در ناحیه نفت خانه «خانقین» و در قسمت جنوبی آن جزء همان امتیاز معروف «داری» است که اکنون شرکت نفت ایران و انگلیس بدست آورده است .

شرکت نام برده علاوه از معادن نفت سرشار میدان نفتون و مسجد سلیمان در اطراف کوه موند در ناحیه دشتی و در گچ ساران - در هفت گل - در آقا جری و در چاه سرخ بعملیات حفاری برای استخراج نفت پرداخته

و در بعضی نقاط نفت پیدا نمود ولی تا کنون استفاده کاملی نکرده است
(۱) «داری نیوزلندی» در سال ۱۲۷۸ خورشیدی در دوره مظفرالدین
شاه امتیاز نفت و موم معدنی را برای مدت شصت سال در جنوب ایران
بدست آورد و با کمک مالی «شرکت برمه اویل کمپانی» در نقاط چاه سرخ در
ناحیه کرمانشاه و در حوالی دهلوران و دلپری در پشت کوه مشغول کار شد
بعنوان حق الامتیاز بیست هزار لیره نقد و بیست هزار لیره سهام بدولت
ایران داد بعلاوه تعهد کرد که صدی ۱۶ از منافع خالص را همه ساله بدولت
ایران بپردازد و با سرمایه ۶۰۰ هزار لیره بنام شرکت استخراج اولیه مشغول
عملیات حفاری گردید چون سرمایه شرکت مزبور بمصرف رسید مجدداً
از شرکت «برمه اویل کمپانی» تقاضای مساعدت مالی نمود در سال ۱۲۸۵
خورشیدی شرکت نامبرده در میدان نفتون و مسجد سلیمان مشغول حفاری
شد و برای تسهیل کار خود شرکتی دیگر بنام «بختیاری اویل کمپانی» با
سرمایه ۴۰۰ هزار لیره تأسیس نمود و سپس دازسی بدون مراجعه بدولت
ایران حق امتیاز خود را بشرکت نفت انگلیس و ایران فروخت و از
ایران رفت.

اکنون در مسجد سلیمان از چندین حلقه چاه نفت استخراج میگردد
و برخی چاه ها هنوز دست نخورده است و مشهورترین آنها چاه اف نمره ۱۷ است
که سرشارترین نفت را داراست پیش از جنگ بین الملل گذشته دولت
انگلیس برای تأمین سوخت کشتی های خود قراردادی با شرکت نفت منعقد
نمود و عمده سهام شرکت را بالغ بر دو میلیون و دو بیست هزار لیره بود
خریداری کرد و بعد ها مقداری سهام از خوانین بختیاری خرید نمود و
معادن نفت مسجد سلیمان را زیر نظر خود قرار داد اکنون مقدار زیادی
نفت سیاه بوسیله کشتی ها از آبادان برای تصفیه خانه در شهر سونیزی حمل
و در کارخانه های آنجا تصفیه میگردد و بقیه در آبادان تصفیه میشود - نفت
سیاه از مسجد سلیمان بوسیله چند رشته لوله های بزرگ از راه در خرینه

به آبادان وارد میشود در خسرو آباد نزدیک آبادان اخیراً بندری برای صادرات نفت در سال ۱۳۱۵ خورشیدی ساخته شده که دارای چند انبار مخزن نفت و چند اسکله برای کشتی های نفت کش میباشد. صادرات نفت اکنون در سال بالغ بر دوازده ملیون تن میشود.

عقیده پروفیسور بوخ، اطریشی که از مهندسین عالی رتبه طبقات الارضی میباشد این بود که معادن نفت مسجد سلیمان در حدود پنجهزار پا نسبت به معادن نفت شمال ایران پائین تر قرار دارد ورشته هائی از چشمه های نفت شمال بطرف جنوب ایران جاری است. با در نظر گرفتن اهمیت نفت در زندگانی بشر و کم شدن این ماده حیاتی در جهان بعدها معادن نفت ایران از نقطه نظر سیاسی و اقتصادی در آتیه سرلوحه سیاست کشور های ذینفع خواهد گردید.

ظهر روز جمعه از خانقین حرکت کرده بسرحد ایران و عراق عرب در نقطه موسوم بکوچل کوچل رسیدم در این محل برج و قلعه کوچکی روی تپه قرار دارد و مامورین مرزی عراق در آنجا نگهبانی میکنند از اینجا وارد خسروی شدم در این محل اداره گمرک و پست امنیه ایران واقع شده و از مرز عراق عرب تا قصر شیرین در حدود ۳۶ کیلومتر است قصر شیرین در دامنه کوه واقع شده و آثار يك قلعه ویرانه موسوم بقلعه داریوش در آنجا وجود دارد و رودخانه کوچکی نزدیک بشهر میگردد که مزارع آنجا را مشروب میکند و محصول آن گندم و جو میباشد در قصر شیرین تا کرمانشاه در حدود ۱۷۷ کیلومتر است و دهستانهای بین راه عبارتند از پل ذهاب - سرپل - پاطاق - کردند - حسن آباد - شاه آباد و ماهی دشت و محصول آنجا گندم و جو و خشکبار است در پل ذهاب نقش یکی از شاهان اشکانی دیده میشود که بر اسب سوار میباشد و یک نفر دسته گلی را پادشاه تقدیم میکند و نیز در سرپل يك دخمه دیده شد که موسوم بدکان داود میباشد و در آنجا نقشی در سنگ کنده شده و تصویر مردی را در لباس مادهای قدیم

نشان میدهد.

در فصل زمستان قسمت بیشتر جاده مستور از یخ و عبور مسافرین دشوار میباشد در گردنه پاتاق که طاق ویرانه وجود دارد يك لوح سنگی بنظر رسید که نوشته بود «فوج پنجابی نمره ۲۸۹ در ۱۹۲۰ میلادی وتاج سلطنتی انگلیس نیز بر آن سنک کنده شده گویا در جنگ بین الملل گذشته که زد و خورد هائی بین روسها و سپاهیان ایران و عثمانی در این ناحیه واقع شده و بعد سپاهیان انگلیسی بسر داری ژنرال «دنسترویل» نیز از این محل عبور کرده آنرا حک نموده اند ژنرال «دنسترویل» راجع بعاموریت خود کتابی انتشار داده مینویسد «با اینکه ایران اعلان بیطرفی داده بود ولی اراضی آن از همان ابتدای جنگ عمومی مبدل بعرصه کشمکش و محاربات قوای ترک و روس گردید و در تمام نواحی بین کرمانشاه و تزوین شروع بزد و خورد نمودند و این وضع تا موقعی ادامه داشت که ما بغداد را بتصرف در آورديم و کفه ترازوی روسها بدون تزلزل سنگین تر گردید» در بین راه کرمانشاه چند برج و باروی مخروبه دیده شد که مرکز دزدها و راه زنهای عشایر باجیلانی بود که خود را تابع دولت عراق میدانند و به تحریک دیگران در صدد خرابی جاده و نا امنی میباشند جعفر سلطان معروف و محمد رشید بانه از این قسم اشخاص هستند.

اطراف جاده و دهستانها همه سبز و خرم بود خاصه در قصبه ماهی دشت که منظره باصفائی دارا میباشد و محل قشلاق عشایر کلهر و سنجابی است پس از طی مسافت ۳۱۲ کیلومتر از خا تقین وارد کرمانشاه شدیم .

کرمانشاه

کرمانشاه شهر است خوش آب و هوا آب فراوان در اطراف شهر جاری است و نهری از چشمه سفید در میان شهر میگذرد و رودخانه قره سو نزدیک شهر عبور مینماید و زراعت آنجا را مشروب میسازد اطراف شهر

را درخت ها و باغهای زیاد احاطه نموده است و محصول آن گندم - جو - حبوبات و تریاک است - اهالی این شهر اکثر از عشاير کلهر و سنجاپی و اغلب خوش اخلاق و مهمان نواز میباشند - عمده صادرات کرمانشاه گندم روغن - کتیرا و تریاک و پشم است که مقدار زیادی برای بافتن قالی باراک میبرند - خوار بار و آذوقه شهر فراوان میباشد - تجارت و داد و ستد این شهر در دست بازرگانان یهود بغدادی است طبق صورت آمار گمرک در سال ۱۳۰۷ خورشیدی مقدار ۲۳۷۲۵۰ عدل قماش و سایر کالای دیگر از طریق بغداد وارد کرمانشاه شد، و نیز مقدار زیادی قند و قماش و نفت و بنزین از روسیه وارد این شهر گردیده است - اداره دارائی و خوار بار این شهر زیر نظر مسیوه دانوی، امریکائی است در ملاقات و مذاکرات که با او نمودم از اوضاع ایران بسیار افسرده بود بعدها شنیدم که استعفا داده و با امریکا مراجعت کرده است .

روز دیگر بملاقات آقای حسین شکیبا مدیر روزنامه رهبر رفتم و سپس آقای سلطانی رئیس فرهنگ کرمانشاه را ملاقات نمودم این شهر دارای ۱۵ دبستان پسران و ۱۵۵۸ دانش آموز و دودبستان دختران و ۳۹۳ دانش جو میباشد جمعیت کنونی کرمانشاه را در حدود ۵۵۰۰۰ نفر میگویند و با این عده نفوس تعداد دانش آموزان آنجا بسیار کم است .

طاق بستان نزدیک کرمانشاه واقع است این محل در قدیم یکی از باغهای شاهی دوره ساسانی بوده و نقوش و تصاویر بسیاری دارد از جمله نقش دو نفر است که روی جسد شخصی که بر زمین افتاده ایستاده اند و یکی از این دو نفر تاج گلی بدیگری میدهد و نیز نقش شخص دیگری است که عصائی در دست دارد و تصویر خسرو پرویز مشاهده میشود که در قایقی نشسته و در جای دیگر در شکارگاه مشغول شکار است و در جای دیگر نقش شاپور دیده میشود که بر بدن شخصی ایستاده و نیز تصویر «والرین» امپراطور روم مشاهده میشود که تاج خود را تسلیم شاپور میکند و یکنفر نظامی پشت

سر والرین قرار دارد و باز نقش خسرو پرویز است بایکی از سران لشکر
 خود ایستاده و در تصویر دیگر همین پادشاه دیده میشود که با یکی از
 درباریان خود و ملکه اناهیدها است و ملکه پیراهن ساری که هم اکنون
 زنان زردشتی هندوستان میپوشند در بردارد و نیز نقش خسرو پرویز مشاهده
 میشود که بر اسب سوار و زره پوشیده و تیر و کمان و سپر در دست دارد
 ولی قسمتی از چهره او و یکطرف صورت اسب خراب و از بین رفته است
 از تماشای این نقوش و تصاویر بیاد روزهای عظمت و اقتدار ایران باستان
 و مقایسه با اوضاع اسف آندین کنونی افتاده افسرده شدم - در طاق بستان
 علاوه بر آثار قدیم يك ساختمان دو اشکوبی وجود دارد که از بنای محمد
 علی میرزا اعتماد الدوله دولت شاهی میباشد آبی از کوه جاری و از زیر این
 بنا میگذرد و در حوض میریزد ضمناً تصویر اعتماد الدوله در آنجا ترسیم شده که
 روی صندلی نشسته و یک نفر در عقب سر او و دو نفر خدمتگذار جلو او ایستاده اند.
 نفت شاه در ناحیه سومار نزدیک قریه طروق در ۷۲ کیلومتری
 قصر شیرین واقع شده و لوله های نفت از این محل بمسافت ۲۷۰ کیلومتر
 بکرمانشاه کشیده شده و تصفیه خانه آن در کنار رودخانه قره سودرشش
 کیلومتری کرمانشاه ساخته شده که در آنجا نفت را تصفیه و در داخله کشور
 مصرف میگردد و نفت ناحیه هفت گل نزدیک رامهرمز و نفت ناحیه
 گچساران در دشت میشان بین تنک قرغلی واقع گردیده و بمصرف داخله میرسد.
 پس از سه روز اقامت در کرمانشاه عازم همدان شدم در بین راه کوه
 بیستون واقع است در آنجا نیز نقوش و تصاویر بنظر رسید از جمله تصویر
 داریوش بزرگ بود که پشت سر او دو نفر ایستاده و زیر پای او یک نفر
 بزمین افتاده است و در جلو داریوش نه نفر از اسیران که دست آنها از پشت
 یکدیگر بسته شده ایستاده اند و در بالای سر پادشاه نقش اهورامزدا و تصاویر
 فرشته هادیده شد و پنج سطر بخط میخی در سنگ کنده شده و در طی آن داریوش
 نام خود و نیاکان خویش را نوشته و این نقوش در سال ششم پادشاهی او
 در اینجا ترسیم شده در بین راه قصبه صحنه واقع است که محل باصفائی است

و نزدیک آن دخمه است که نقش فروهر در سنك كنده شده که از آثار دولت ماد میباشد و نیز چند لوحه بخط میخی دیده شد. دهستانهای عمدۀ بین راه عبارتند از گنگاور - نهاوند - اسدآباد و اطراف همه سبز و خرم و محصول آنجا گندم - جو - حبوب و تریاک و خشکبار است راه شوسه خط سیر ما است که در جنگ بین الملل گذشته ابتدا روسها و بعد انگلیسها آنرا تعمیر و مرمت کردند و جاده صاف و همواری است در فصل زمستان اکثر یخ پندان و صعب العبور میباشد خاصه گردنه اسدآباد که در زمستان خطرناک است - اسدآباد آب فراوان و اشجار زیاد دارا است محصول آنجا گندم - جو - حبوبات و تریاک است اکنون یک دبستان و ۶۰ دانش آموز دارد اهالی آنجا اکثر کشاورزند. اسدآباد مقسط الراس مرحوم سید جمال الدین که یکی از اشخاص برجسته و نابغه بزرگ ایران بوده است .

(۲) تاریخ حالات زندگانی سید جمال الدین اسدآبادی را پروفیسور «آرنست رنان» فرانسوی و نیز پروفیسور «ادوارد برون» انگلیسی و سایر مورخین به تفصیل نوشته اند تولد آن مرحوم در اسدآباد همدان در کوی سیدان در سال ۱۲۵۴ هجری قمری بوده و پس از چند سال توقف در عراق عرب و خاتمه تحصیلات خود به ایران آمد و چون دستگاه شرب الیهود ناصر الدین شاه را ملاحظه نمود صلاح خود را در اقامت ندانسته به افغانستان و از آنجا به هندوستان عزیمت نمود و چندی در حیدرآباد دکن ماند و با مرحوم سر سید احمد خان فقید قائد بزرگ اسلامی هند و مؤسس کالج مدرسه العلوم علیکده ملاقات نمود (نویسنده از سال ۱۹۰۴-۱۹۱۰ میلادی خود یکی از دانش آموزان کالج بوده) .

سید جمال الدین دو سفر بمصر رفت و در سفر دویم ده سال در قاهره توقف کرد و در جامع الازهر مشغول تعلیم و تدریس علوم عالیه بود و در آنجا انجمنی بنام حزب الوطنی تشکیل داد و جریده ضیاء الخافقین را انتشار نمود و اشخاصی مانند شیخ امام عبده مفتی قاهره و اعرابی پاشا

وسعد زغلول پاشا و سایر رجال بزرگ مصری فریفته معلومات و نگارشات او شدند بالاخره به تحریک دیگران در سال ۱۲۹۶ هجری از مصر تبعید و بفرانسهرفت و در آنجا با پروفسور «آرنست رنان» مباحثات زیاد در موضوع توافق تمدن جدید اروپا با مذهب اسلام نمود و در پاریس روزنامه عروءه - الوثقی را منتشر کرد - در سال ۱۳۰۰ هجری در برخی از معالک اروپا و امریکا مسافرت نمود و در سال ۱۳۰۲ هجری به لندن رفت و با «لرد کلاستون» معروف نخست وزیر انگلیس ملاقات نمود در نظر داشت نقشه اتحاد اسلام را عملی نماید «لرد کلاستون» با تشکیل اتحاد اسلام موافقت کرد ولی وزیر خارجه انگلیس در آن موقع مانع این اقدام شد - مرحوم سید از نو جریده ضیاء الخاقین را در لندن منتشر و به تبلیغات اسلامی مشغول گردید - در سال ۱۳۰۳ هجری ناصرالدین شاه بوسیله میرزا حسن خان صنیع الدوله مرحوم سید را به تهران دعوت نمود و چون درباریان ناصری مانع پیشرفت و اصلاحات او بودند سید جمال الدین ناچار در سال ۱۳۰۴ هجری از ایران از راه روسیه به اروپا مراجعت نمود ناصرالدین شاه در مسافرت به اروپا در شهر وین آن مرحوم را ملاقات و خواهش نمود که به ایران بازگشت نماید - در سال ۱۳۰۷ هجری از راه بندر بوشهر مجدداً به تهران آمد و امین السلطان صدر اعظم از طرف شاه او را خیر مقدم گفت و یک انگشتر الماس و بعضی تحف دیگر به سید عطا گردید - پس از چندی توقف در تهران باز مفسدین و معاندین ذهن شاه را در باره سید مشوب نمودند و بالاخره در سال ۱۳۰۸ هجری مرحوم سید در حضرت عبدالعظیم تحصن اختیار نمود و به امر ناصر الدین شاه از ایران تبعید شد و به بصره رفت و مراسلاتی چند به علمای بزرگ از جمله مرحوم حاج میرزا حسن شیرازی که از حجج بزرگ اسلام بود نگاشت و از مظالم و استبداد دربار ناصرالدین شاه شکایت نمود و از بصره عازم لندن گردید .

در سال ۱۳۱۰ هجری بنا بدعوت دولت عثمانی به اسلامبول رفت

و مورد احترام سلطان عبدالحمید واقع گردید و طرح نقشه اتحاد عالم اسلام را ریخت و سلطان فقید نیز موافقت نمود ولی مقتی بزرگ اسلامبول موافق این امر نبود و بامر حوم سید ضدیدت و سعایت مینمود عاقبت سید جمال الدین در اثر صدمات روحی مریض شد و در یکی از بیمارستان های اسلامبول بستری گردید و بدستور سری سلطان عبدالحمید در زیر عمل جراحی مسموم و شهید شد و فاتش در سال ۱۳۱۴ هجری است و آرامگاه آن مرحوم در گورستان شیختر مزارقی میباشد .

از شاگردان و پیروان مرحوم سید جمال الدین یکی برهان الدین بلخی صاحب کتاب ینابیع الموده - و میرزا رضای کرمانی قاتل ناصر الدین شاه - و شیخ احمد روحی - و میرزا آقای کرمانی - و محسن خان خبیر الملک بودند این سه نفر اخیر محمود خان علاء الملک سفیر ایران در اسلامبول آنها را بوسیله مأمورین عثمانی گرفتار و به تبریز روانه نمود و در آنجا به امر محمد علی شاه مخلوع کشته شدند .

اینکه برادران افغانی مامدعی هستند که سید جمال الدین اصلا افغانی است مدرک صحیحی در دست ندارند و گویا اشتباه آنها ناشی از این شده که در افغانستان نیز قصبه بنام اسدآباد وجود دارد و ممکن است افغانها تصور کرده باشند که مرحوم سید در اسدآباد افغانستان متولد شده است دیگر آنکه سید تخلص افغانی داشته و نیز شرحیکه سید عیسی خان در سال ۱۲۹۴ هجری در اسلامبول تحت عنوان «یک مجاهد بزرگ» انتشار داده و سید جمال الدین افغانی معرفی کرده است .

اکنون که این سطور را می نویسم اسکلت مرحوم سید را پس از پنجاه سال افغانها از اسلامبول به افغانستان انتقال دادند سیاست این قضیه بر نویسنده روشن نیست .

همدان

از کرمانشاه به همدان ۱۸۷ کیلومتر است اطراف این شهر همه سبز

و خرم دارای باغها و آب فراوان است همدان شهر بست حاصل خیز و از حیث زراعت و فراوانی میوه و خوبی آب و هوا از بهترین شهرهای ایران است اهالی آنجا برخلاف مردم کرمانشاه باعاطفه و مهربان نمیباشند کوه الوند در چند کیلومتری همدان است و در آنجا مقبره امام زاده کوه واقع شده که محل بسیار با صفائی است - دره مرادبک و عباس آباد از بهترین مناظر فرح انگیز همدان میباشد - جمعیت این شهر را در حدود ۷۵۰۰ نفر میگویند و دارای ۱۷ دبستان و ۲۶۵۳ دانش آموز است - دبستان آلیانس و مدرسه و مریضخانه امریکائی نیز در همدان تأسیس شده - تجارت و بازرگانی این شهر بیشتر در دست بازرگانان یهودی بغداد است صادرات عمده آنجا خشکبار - پشم - قالی - پوست دباغی شده - کتیرا - تریاک - حبوبات - روغن و ظروف - سفالی بسیار ممتاز که در قصبه لالیچن که یکی از املاک امیرانخم همدانی بود از صادرات مهم همدان است - اهالی اکثر زحمت کش و غالب کشاورزند - و در امور مذهب ثابت قدم و با ایمان هستند همدان همان شهر تاریخی و قدیم هکباتان است چندین موقع مورد تهاجم مغول و اعراب واقع شده است و پایتخت پادشاهان اشکانی و هخامنشی بوده هم اکنون در برخی از نقاط بیرون این شهر ظروف سفالی و سکه های قدیم یافت میشود - یکی از آثار قدیم همدان سنگ شیر میباشد که از آثار دوره مادها بوده و نقش و مجسمه شیری است که در قدیم در سر درب قلعه قرار داشته و قلعه هکباتان دارای هفت حصار بزرگ و دیوارهای آن مشرف بر یکدیگر بوده و هر حصاری رنگ خاصی داشته است که بنای آن را دیو کوس از شاهان اولیه هخامنشی نموده است اکنون مجسمه شیر سنگی در بیرون شهر خراب و اثر کمی از آن باقیمانده است از آثار قدیم دیگر همدان دولوچه سنگی است که بخط میخی نوشته شده و موسوم بچنگ نامه میباشد و داریوش تاریخ جنگها و فتوحات خود را در آنها نقر کرده است و در بیرون شهر واقع است .

در زمان قزل ارسلان در همدان قلعه و نقاره خانه ساخته که دیوارهای آن تا چند سال پیش وجود داشته و سعدی نیز اشاره در موضوع این قلعه نموده است.

آرامگاه حکیم دانشمند شیخ ابوعلی سینا وزیر مجدالدوله دیلمی و مقبره باباطاهر عریان که از فقها و مرناضین بوده در این شهر واقع شده و نیز آرامگاه استر و مرد خای که اکنون زیارتگاه یهودیان در همدان میباشد استر ملکه یهودیه همسر کورش پادشاه هخامنشی بوده و در تورات راجع به ملکه استر چنین مینویسند :

(۳) اخشورش که از هند تاحبشه بر ۱۲۷ ایالات حکمرانی داشته و دارالسلطنه او در شوشن بوده در سال سوم سلطنت خود ضیافتی باقتخار سرداران و امرای فارس و ماد داد و نیز ضیافت مجالی کرد که مدت هفت روز دوام داشت و عموم سکنه دارالسلطنه شوشن از آن ضیافت برخوردار شدند در این موقع نیز ملکه دشنی زنان بزرگان درباری و سرداران را بهمانی دعوت نمود و چون اخشورش سرگرم باده نوشی شد امر نمود که ملکه دشنی را با تاج ملوکانه بحضور شاه بیاورند تازیانی او را ب مردم نشان دهد ولی ملکه دشنی مایل نبود با آن صورت بحضور عموم بیاید و فرمانی که پادشاه بوسیله خواجه سرا یان در احضار او داده بود اجابت نکرد - اخشورش از این نافرمانی ملکه دشنی در خشم گردید و بامقربان و ندیمان خود در موضوع نافرمانی ملکه مشورت نمود اطرافیانش عرضه داشتند چون عدم اطاعت دشنی را زندهای بزرگان فارس و ماد که در مهمانی حضور داشتند شنیده اند ممکن است به سرداران و والیان مملکت خبر دهند و این موضوع شایسته مقام پادشاه نباشد و بهتر است دیگر ملکه را بحضور بار نهد این سخن در نظر اخشورش پسند آمد و دیگر باملکه دشنی مر او ده نداشت - بعد از این قضیه پادشاه بتمام ولایات دستور داد که هر جادختران نیکو منظر و زیبایی را پیدا نمایند بدارالسلطنه شوشن روانه دارند که بجای

ملکه دشنی بعقد پادشاه درآمد - در آن زمان شخصی یهودی بنام مردخای در شوش اقامت داشت و او از جمله اسیرانی بود که بخت النصر او را از بیت المقدس همراه بلنیا پادشاه یهودیان آنها را به اسارت آورده بود و او استر دختر عموی خود را که دوشیزه بسیار وجیهه و خوشگلی بود نزد خود نگاهداری مینمود و چون فرمان پادشاه در گرد آوری دخترای نیکو منظر صادر گردید عده زیادی از دوشیزگان به دار السلطنه شوشن فرستاده شدند و تحت نظر خواجه سرایان موسوم به هیجان و شعثعان قرار گرفتند که یکی از آن دختران استر بود و بنا بدستور مردخای یهودی بودن خود را پنهان کرد و چون نوبت شرفیابی بهر دوشیزه میرسید با تشریفات خاصی او را بحضور اخشورش میآوردند و هر کدام از آنها که مورد پسند بود پادشاه باعصای مرصع بطرف آن دختر اشاره میکرد و آن دوشیزه را بنام خود میخواند تا آنکه نوبت به استر دختر اسحاقیل که عموی مردخای بود رسید و پادشاه از حسن و جمال استر زیاده از حد خوشش آمد و تاج ملکه را بر سر او گذارد و او را بجای ملکه دشنی به همسری خود قبول نمود و مجلس جشن و سرور برپا کرد در روزهای جشن مردخای عموی استر در بیرون قصر شاهی گردش میکرد و ناظر این جشن و سرور بود در این بین مشاهده نمود که دو نفر از ملازمان اخشورش سوء قصدی نسبت پادشاه دارند مردخای بلافاصله استر را مطلع کرد و او از طرف مردخای این قضیه را به پادشاه اطلاع داد و پس از بازجوئی صحت این سوء تصدرا معلوم و پادشاه امر به کشتن آن دو نفر میدهد .

در این موقع نخست وزیر کشور هانان بن همدانای آجاجی بود که پادشاه او را بسیار احترام مینمود و بواسطه احترامی که در نظر شاه داشت هنگام خروج او از قصر شاهی عموم درباریان و ملازمان نخست وزیر را تعظیم و تکریم مینمودند ولی مردخای احترامی نسبت به هانان بجانمیاورد و ضمناً یهودی بودن او را هم به نخست وزیر گفته بودند و او از این

بی اعتنائی مردخای بسیار عصبانی بود و در پی فرصتی می گشت که انتقام بکشد در سال ۱۲ سلطنت اخشورش روزی هانان نخست وزیر حضور پادشاه عرضه داشت که قومی در این مملکت هستند که آئین و مذهب آنها برخلاف دین و مذهب پادشاه است هرگاه آنها بهمین رویه آزادگذارند موجب فساد و هرج و مرج در مملکت میگردد و این موضوع بصلاح سلطنت و مملکت نیست و چنانچه پادشاه قبول نماید آن قوم را بقتل رسانند و ضمناً تعهد نمود که ده هزار نقره برای اجرای این امر بخرینه پادشاه پردازد اخشورش گفت هر چه در نظر تو پسند آید عدل کن بنا بر این حکم قتل عام یهودیان صادر گشت و مردخای در شهر پنهان شد و سپاهیان شاه عده زیادی از یهودیان را کشته و اموال آنها را غارت نمودند .

استر ملکه یهودی که از این قضیه افسرده بود در قصر بحضور اخشورش رسید و خواهش نمود که پادشاه بدفتر یادداشت های روزانه خود مراجعه نماید و به بیند که آنجا نوشته شده که مردخای موضوع سوء قصد نسبت به پادشاه را اطلاع داده و جان شاه را خریده است اخشورش پس از مطالعه دفتر یادداشت خود به استر گفت که در عوض این حسن خدمت مردخای را بخشیدم و فرمان داد که او را با عزت و تشریفات مخصوص بحضور آوردند در این موقع استر و مردخای حضور پادشاه استدعا کردند که پادشاه حیات و هستی قوم یهود را نیز به بخشد و ضمناً اظهار نمودند این مصیبت و کشتار یهودیان بدست کسی انجام یافته که دشمن مملکت پادشاه است و آن شخص هانان نخست وزیر است آنگاه اخشورش امر نمود که هانان و پسرانش را بدار زدند و از آن بعد قتل یهودیان را ممنوع نمود و مردخای را نخست وزیر خود کرد بعد از این واقعه یهودیان به امر مردخای در مقابل این کشتار در حدود ۷۷۰۰۰ نفر از اهالی شوشن و سایر ولایات را کشتند از آن پس همه ساله کلیمیان روز منع قتل یهودیان را جشن میگیرند و آنرا عید فور فوریم مینامند و بواسطه خدمت بزرگی که استر و مردخای به قوم یهود کردند

این دونفر را از مقدسین میدانند و قبر آنها زیارتگاه یهودیان میباشد .
 بعد از دو روز توقف در همدان عازم قزوین شدم از بلوک خرقان و
 دهستان سلطان بلاق گذشته وارد قصبه آوج شدم با وجود فصل تابستان
 هوای آوج سرد بود در اینجا شنیدم که بیماری حصه و آبله در این قصبه شیوع
 یافته و هیچگونه وسیله بهداشت و دگر و دوا در اینجا وجود نداشت بسیار
 افسرده بودم که چگونه هر روز يك عده مردم و اطفال بیگناه بواسطه عدم
 توجه دولت بیدار عدم رهسپار میگردند و از شماره جمعیت قلیل کشور
 کاسته میشود . در نزدیک آوج چند چشمه آب گوگرد وجود دارد که مبتلایان
 به پا درد برای معالجه در آن استحمام میکنند پس از تماشای چشمه ها حرکت
 نمودم جاده خرقان در زمستان عموماً یخ‌بندان میشود و مسافرت در زمستان
 بسیار مشکل میباشد از همدان به قزوین ۲۴۳ کیلومتر است .

قزوین

این شهر دارای بازار بزرگ و باغ ملی و چند خیابان وسیع با اشجار
 کهن سال است با اینکه در چهارراه و مرکز ارتباط کشور واقع شده ترقی
 محسوسی نکرده است و بحال قدیم و کم آبی باقیمانده - جمعیت قزوین
 در حدود ۴۹۰۰۰ نفر میگویند دارای ۱۴ دبستان و ۱۴۵۰ دانش آموز است
 و با این عده نفوس تعداد دانش آموزان آن بسیار کم است و این نقصان
 بواسطه عدم تکافوی بودجه فرهنگی آنجا است . اهالی قزوین اکثر کوتاه
 قد هستند و اخلاق و رفتار آنها مخصوصاً نسبت به اشخاص تازه وارد
 خوب نیست .

محصول آنجا گندم - جو - حبوبات - پسته و کشمش میباشد که
 مقدار زیادی صادر میکنند آب مشروب از قنات بدست میآید ولی
 بعضی از قنات ها اکنون خراب شده و نیز آب برای زراعت بسیار کم
 است و درچندی پیش در صد ساختن سدی بیرون شهر بودند ولی بصورت

عمل در نیامد .

قزوین در آغاز ظهور اسلام بسیار آباد و دارای مساجد و مدارس عالی بوده و مدتی پای تخت پادشاهان صفوی بود و از شهرهای قدیم ایران میباشد . مسجد شاه قزوین در سال ۱۲۲۲ هجری در زمان فتحعلی شاه ساخته شده و مسجد جامع این شهر در زمان هارون الرشید عباسی توسط ذکر یا قاضی و مفتی این شهر بنا گردیده است و بعضی مورخین نوشته اند که قسمتی از این مسجد که شامل گنبد و شبستان است از آثار دوره سلاجقه میباشد و ساختمان این مسجد توسط خمار تاش بن عبدالله عمادی در سال ۵۰۹ هجری پایان رسیده و دارای عالی ترین نمونه از مجموعه خطوط کوفی میباشد اطراف شبستان کتیبه های زیادی بخط نسخ و کوفی است که در میان گل و بوته گچ بری شده و قابل توجه است .

خمار تاش برای مسجد جامع نیز موقوفاتی برقرار نموده است دیگر از آثار قدیم این شهر مدرسه حیدریه است که یادگار دوره سلاجقه میباشد و در عهد فتحعلی شاه تعمیر و مرمت شده است . آرامگاه شاهزاده حسین از بناهای قدیم این شهر است و محل اجتماع اهالی میباشد مقبره حمدالله مستوفی مورخ معروف و صاحب کتاب نزهة القلوب که از ادبا و مشاهیر ایران بود در سمت شرقی قزوین واقع شده و نیز قلعه ویرانه در نزدیک این شهر وجود دارد که در عهد خلفای عباسی ساخته شده است . در سمت جنوب عمارت عالی قاپی بنای مخروبه است بنام عمارت نادری که آثار آن تا کنون باقی مانده .

در سال ۱۰۱۱ هجری به امر شاه عباس بزرگ پای تخت از قزوین به اصفهان انتقال یافت قبل از آن تاریخ شاه طهماسب اول شروع به ساختمان های مجللی در قزوین نموده که یکی از آنها عمارت عالی قاپی میباشد و بعد شاه عباس آنرا به اتمام رسانید .

(۴) در سال ۱۵۹۸ میلادی «اتونو شرلی» و «برادرش» «اربرت شرلی»

که از نجای انگلیسی و شهرت نظامی داشتند با چند نفر دیگر از طرف
 پادشاه انگلیس مأمور دربار شاه عباس شده و در قزوین بحضور آن پادشاه
 بار یافتند شرلی مینویسد مقصود اساسی از مأموریت او این بود که شاه
 عباس را وادار نماید که با دولت انگلیس بر علیه عثمانی ها تشریک مساعی
 کند و نیز باب تجارت و بازرگانی بین ایران و انگلیس باز نماید - شرلی
 برای آموختن فنون جنگ بقشون ایران کوشش زیاد نمود و از طرف شاه
 عباس مأموریت یافت بدربار سلاطین اروپا برود او با داشتن سفارش نامه
 از راه مسکو عازم اروپا گردید پس از مراجعت از پای تخت ممالک اروپا
 بمادرید آمد و در آنجا فوت نمود - در سال ۱۶۰۹ میلادی برادرش رابرت
 شرلی از طرف شاه عباس مجدداً مأمور شد و بدربار سلاطین اروپا رفت و
 به انگلستان آمد و مراسلات شاه عباس را که در آنها نسبت پادشاه انگلیس
 «چارلی» اظهار محبت و مودت شده بود و نیز تجار انگلیسی را دعوت به ایران
 کرده بود تسلیم اولیاء دولت انگلیس نمود «رابرت شرلی» راجع بتمول و منابع
 و ثروت ایران چنان در دربار انگلیس علو و مبالغه نمود که دولت انگلیس
 به طمع استفاده از ثروت سرشار ایران افتاد شرلی پس از اخذ رتبه شوالیه به
 اتفاق «سردورمون کاتون» سفیر انگلیس به ایران مراجعت نمود و با کشتی
 موسوم به «اکسیدشن» وارد بندر گوادر بلوچستان گردید والی کلات
 از ورود عده انگلیسی مطلع میگردد و سواران مسلح خود را مأمور
 گرفتاری یا کشتن آنها مینماید ولی شرلی میگوید که او سفیر فوق العاده
 شاه عباس است که از دربار سلاطین اروپا به ایران باز میگردد بنابراین
 والی کلات جرئت گرفتاری یا ذیت آنها را ننمود و بقزوین وارد شدند .
 «رابرت شرلی» در مراجعت از اروپا بسمت فرمانده کل قشون در
 دربار شاه عباس برقرار گردید و در جنگ های شاه عباس با سلطان عثمانی
 رشادت و دلیری از خود بروز داد و در این جنگ ها زخمی گردید - شاه
 عباس در این زدو خورد ها ممالک ایران از جمله تفریس و تبریز و نهاوند را

از تصرف عثمانی‌ها خارج و آنها را کاملاً شکست داده و قوای عثمانی‌ها را منهزم و پراکنده نمود.
از فزوین به تهران ۱۴۷ کیلومتر است.

تهران

پس از ورود به تهران بزیارت حضرت عبدالعظیم مشرف شدم عبدالعظیم فرزند زید بن امام حسن و امام زاده حمزه فرزند امام موسی کاظم و امام زاده طاهر فرزند امام زین العابدین (ع) نیز در این محل مدفون هستند شرح حالات حضرت عبدالعظیم در کتاب روح ریحان بتفصیل نوشته شده و آرامگاه آنحضرت در گورستان قدیم شهر ری میباشد مقبره ناصرالدین شاه نیز در یکی از زاویه های حرم واقع و دارای بنائی عالی و سنک مرمر سفید بسیار ممتاز میباشد که تصویر آن پادشاه روی آن سنک کنده شده و عکس او نیز در آنجاست - بعضی از علمای بزرگ تهران از جمله مرحوم حاج ملا علی کنی از فقهای بزرگ اسلام بود و مرحوم حاج ابوالحسن میرزا شیخ الرئیس خطیب و شاعر مشهور در آنجا مدفونند - از تهران تا قصبه حضرت عبدالعظیم در حدود ۸ کیلومتر است.

هنگام اقامت در تهران برای تماشای مهمانخانه لقانطه رفتم که ساختمان آنرا مرحوم نظام‌الملک صدراعظم ناصرالدین شاه بنا نموده و دارای عمارت بسیار عالی و مجللی و حوض بزرگی است و اطاق حوضخانه از سنک های مرمر ساخته شده در تالار فوقانی این بنا تصاویر و نقاشی های تاریخی وجود دارد از جمله در بار سلام و تصویر ناصرالدین شاه را نشان میدهد بر تخت طاووس جلوس نموده و فرزندان او مظفرالدین شاه و مسعود میرزا ظل السلطان و سایرین در جلو و در عقب تخت ایستاده اند و نظام‌الملک بالباده ترمه و عصای مرصع و خواجه باشی حرم سرا در حضور شاه ایستاده و امرا و رجال آن عصر همه بالباده ترمه و کلاه بلند و یا شال کلاه که معمول آن زمان بوده در دو صف در پیشگاه ناصرالدین شاه صف کشیده اند

و نیز تصویر وزیر امور خارجه با سفرای روسیه و عثمانی و فرانسه مشاهده میشود
تخت طاووس محمد شاه هندی با بعضی جواهرات نفیس و گران بها از جمله
انفیه دان زمردی و کوه نور و دریای نور به شهریار ایران نادر شاه تقدیم نمود
تخت طاووس مکالم بجواهرات قیمتی است و به این جهت آنرا تخت طاووس
میگویند که دو شکل طاووس در طرفین تخت قرار دارد در تاریخ هند مینویسند
زمانیکه نادر شاه بعد از تصرف دهلی پای تخت هندوستان صورت جواهرات
خزینہ را از محمد شاه هندی خواسته بود او نام الماس های کوه نور
و دریای نور را در صورت جواهرات نوشته بود ولی بعد آنها را تسلیم
پادشاه ایران نمود بعد از فوت نادر شاه کوه نور بدست یکی از امرای و راجه
های پنجاب رسیده بود و آنرا بملکه ویکتوریا جده پادشاه کنونی انگلیس
تقدیم نمود اکنون در موزه لندن وجود دارد ولی دریای نور در خزینہ
ایران است و فتحعلی شاه نام خود را بر آن حک کرده است .

از ابنیه عالی تهران مسجد جامع و مسجد شاه است که در زمان
فتحعلی شاه ساخته و دیگر مسجد سپهسالار است که در سال ۱۲۹۸ هجری
بنا گردیده و دارای حیاط وسیع و سه ایوان کاشی کاری بسیار عالی و
چهار مناره میباشد اکنون محل دانشکده معقول و منقول است تصویر مرحوم
سپهسالار بانی این مسجد در کلاس درس نصب گردیده است از بنای
دیگر آن مرحوم عمارت بهارستان و مجلس شورای ملی است که یادگار او
باقی مانده از دیدن این بنا ها بروح آن مرحوم درود فرستادم - عمارت
مسعودیه وزارت فرهنگ از بنا های مسعود میرزا ظل السلطان
است که رضا شاه پهلوی بمعارف ملت تقدیم کرده در سر در این
ساختمان نوشته شده « هدیه سردار سپه و رئیس کل قوا بمعارف ایران »
این ساختمان دارای چند حیاط بزرگ و اطاق و تالار های زیبا است
و یکی از تالارها آن مخصوص موزه میباشد چندین پرده نقاشی و تصاویر
رجال معروف ایران و تصویر ناصرالدین شاه و دو مجسمه نیم تنه او از
گچ ریخته شده و نیز درهای خاتمکاری و اشیاء عتیقه و ظرف سفالی قدیم

در اینجا مشاهده میشود - اکنون که این سطورا مینویسم عمارات مجلل و آبرومندی برای کتابخانه ملی و موزه باستانی در تهران ساخته شده در این کتابخانه صدها کتاب بزبانهای مختلف بدسترس عموم گذارده شده و در موزه باستانی اشیاء عتیقه و گرانها وجود دارد که قابل توجه است و همه وقت برای عموم مردم باز است - روز دیگر برای دیدن بعضی از وزارتخانهها رفتیم و از جمله وزارت امور خارجه بود که قبلا حرم سرای پادشاهان قاجاریه بوده و پرده نقاشی و تصویر فتحعلی شاه که بر تخت نشسته و فرزندان و رجال در حضور او ایستاده اند .

اکنون ساختمان عالی و مجللی که دارای چند اشکوب است برای وزارت امور خارجه ساخته اند که قابل تمجید است در قصر گلستان در ایوان عمارت تخت مرمر چند پرده نقاشی و تصاویر فتحعلی شاه و محمد شاه و ناصرالدین شاه را مشاهده نمودم تخت مرمر که پایه های آن بردوش چهار مجسمه از سنگ مرمر قرار دارد و نیز ابنیه و عمارات دیگر از جمله قصر ایض و عمارت خورشید و قصر بریلیان و عمارت موزه که تخت طاوس در آنجا گذارده شده بسیار تماشائی است نیز حوض مرمر را که بنام خلوت کریم خان معروف است دیدن نمودم میگویند آقا محمد خان خواجه اسکلت مرحوم کریم خان زند را از شیراز به تهران آورده و در پای پله ایوان حوض مرمر دفن نموده بود و بعد به امر رضا شاه پهلوی بجای دیگر منتقل و دفن شده است - از ابنیه دیگر عهد قاجار شمس العماره در قصر گلستان و قصر بلور است که کف و دیوار های تالارها در زمان مظفرالدین شاه از سنگ های بلور ساخته شده و به قصر بلور در شهر «وین» شباهت داشت اکنون این عمارت خراب شده و در بیرون تهران قصور قاجار و قصر سلطنت آباد مشاهده شد قصر اخیر بنائی است بسیار عالی و دارای تالار بزرگ موسوم بحوض خانه و نقاشی و تصاویر ممتاز از سلاطین خارجه و سفرای دول بیگانه و پادشاهان قاجاریه و رجال نامی میباشد که از

هنر نمائی و شاهکاری نقاش معروف مرحوم کمال‌الملک است و نیز قصر صاحب قرانیه که ناصرالدین شاه ساخته و تالار مزین و آئینه کاری آن معروف بجهان نما است - و قصر دارا آبا کتون معروف است بشاه‌آباد که مظفرالدین شاه ساخته و قصر دوشان تپه در سابق وسط این قصر باغ وحش بوده نیز کاخ فرح آباد که قسمتی از باغ آن میدان اسب دوانی بوده و عمارت بادگیر که در زمان فتحعلی‌شاه ساخته شده و تالار بزرگ شاه نشین دار مزینی که دارای تابلوهای و نقاشی ممتاز است و این قصور از آثار تاریخی بشمار میرود. در تهران اکنون عمارت و آئینه‌های چند اشکوب عالی و خیابانهای وسیع و مهمانخانه‌های مجلل ساخته شده که برابری با شهرهای بزرگ اروپا میکند و نیز وسعت شهر نسبت بزمان قاجاریه چند برابر گردید که درحقیقت قابل تعریف است.

روز دیگر برای دیدن دبیرستان دارالفنون که از آثار نیک مرحوم میرزا تقی‌خان امیر کبیر است رفتیم پس از تماشای آنجا بروان پاک‌آمرحوم درود فرستادم جا دارد که وزارت فرهنگ مجسمه آن مرحوم را ساخته و دردارالفنون نصب نماید یا آنکه یکی از خیابانهای تهران را بنام امیر کبیر نام گذاری کنند - مورخین قتل امیر کبیر را هر یک طوری نوشته‌اند.

لسان‌الملک سپهر مؤلف ناسخ التواریخ مینویسد که امیر کبیر بمرض نفرس فوت نموده ولی اعتمادالسلطنه و سایرین قتل امیر کبیر را تصریح میکنند - دیگری مینویسند :

(۵) سبب قتل امیر کبیر اثر رنجش درباریان و متنفذین و دسیسه کاری میرزا آقاخان نوری و تحریک مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه بود و نیز آتاریک سفیر دولت روسیه تزاری که فهمیده بود امیر کبیر زمینه رافراهم مینماید که باحسن تدبیر و فکر صائب خود شهرهای قفقاز و ترکستان را به ایران برگرداند و مقدمات آنرا باخان خیوه و امیر بخارا در نظر گرفته بود - سفیر روس از مخالفت درباریان با امیر کبیر در موقع استفاده نمود و محرمانه با میرزا آقاخان نوری و مهدعلیا بر علیه امیر کبیر اقداماتی کرد و

همچه وانمود که امیر قصد از بین بردن ناصرالدین شاه را دارد و نیز گفته بود که آن مرحوم بعضی از شب‌ها با وی ملاقات و مذاکره مینماید و برای اثبات این قضیه شبی از امیر کبیر وقت ملاقات می‌خواهد و بمنزل او می‌رود. دی‌باریان به ناصرالدین شاه خبر میدهند و شاه در محلی نزدیک خانه امیر کبیر مخفی شده و آمدن سفیر روس را در خانه امیر کبیر مشاهده میکند و سبب سوء ظن شاه که منجر به کشتن امیر در فین کاشان میگردد.

«لردکزن» مینویسد در میان رجال در ستکار و وطن پرست ایران میرزا تقی خان امیر کبیر و میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی را نام می‌برد که هر دو مصدر صدارت عظمی داشتند و جدیتی برای اصلاح قشون ایران از آن می‌کردند اما امیر کبیر بطور آشکارا و میرزا حسین خان سپهسالار محرمانه در نتیجه سوءسیاست دربار ناصرالدین شاه کشته شدند.

مرحوم میرزا عبدالرحیم طالب اف مشهور در کتاب سیاست طالبی مینویسد در عهد سلطنت قاجاریه در ایران جز امیر کبیر مرد تاریخی ظهور نکرد ناصرالدین شاه از قتل امیر کبیر نادم و پشیمان شد و همیشه نام آن مرحوم را به احترام یاد میکرد و نیکلای اول امپراطور روس از شنیدن خبر قتل امیر کبیر در شهر یالتا از شدت خوشحالی دست شعف زد اما روزی خواهد آمد که اخلاف در آینده مجسمه آن مرحوم را باطلا ساخته روز قتل او را احترام گذارند. اگر سپهر بی‌مهر در تاریخ خود امیر کبیر را هجو نموده است عرض خود را برده و زحمت مورخین را افزوده است» نویسنده گوید خدمات امیر کبیر در زمان تصدی صدارت عظمی در ایران زیاده بوده از جمله تنظیم و اصلاح بودجه ایران و آوردن افسران اطریشی برای تعلیم و فنون جنگ نظام ایران و ترتیب و نظم چاپارخانه‌ها و پست در نقاط کشور و تشویق و ترغیب صنعتگران و امور سرحدی بین ایران و عثمانی و سایر اصلاحات دیگر که در تاریخ ثبت جاوید است.

در تهران بملاقات «مسیو بولن» معاون فنی «پولند امریکائی» متخصص راه آهن در ایران رفتم و رو نوشت گزارش خود را راجع براه آهن از

طریق بندر بوشهر و فیروز آباد بشیراز بایشان ارائه نمودم در آن موقع مسیو «کارل» امریکائی مهندس فنی راه آهن از خوزستان برکنز آمده بود و بوسیله بولن ایشان را نیز ملاقات و مذاکره کرده و گفتم که بسیاری از ایرانیان روشن فکر خاصه بازرگانان بنادر جنوب تقاضا کرده بودند که راه آهن سرتاسر ایران از طریق بندر بوشهر بداخله کشیده شود که باعث عمران و آبادی شهرهای عمده و مهم ایران گردد و برعکس راه آهن از طریق بندر شاپور فقط سه شهر اهواز و اراک - قم در میسر خط آهن واقع میگردد.

بیمناسبت نیست عین رونوشت گزارش نامبرده را برای اطلاع خوانندگان این کتاب را بنویسم

راه بوشهر بشیراز از طریق فیروز آباد

مناسب ترین بندر و ایستگاه راه آهن بندر حلیله است که در چند کیلومتری بوشهر قرار گرفته و در قسمت جنوبی خور حلیله واقع شده و لنگرگاه آن برای کشتی‌هاییکه آبخورشان در حدود هفت متر است میتواند در یک کیلومتر دورتر لنگر اندازند و برای دخول کشتی‌ها بسیار بندر خوب و مناسبی میباشد - از حلیله تا قصبه چاه کوتاه در حدود ۵۴ کیلومتر راه کاملاً صاف و هموار است - از چاه کوتاه تا قریه سمل ۴۲ کیلومتر است و از آنجا تا تل توپخانه ۱۲ کیلومتر فاصله دارد (۶) در تل توپخانه چشمه آب شیرین موسوم به نانیزک وجود دارد و از تل توپخانه تا دشت کنار دروازه ۱۸ کیلومتر است که جاده صاف و هموار است و از کنار دروازه تا چک دربست و چاه گزی راه ناهموار و دارای چند تپه میباشد در این محل نیز چشمه آب مشروب بنام سلطان مهدی وجود دارد از چاه گزی تا قصبه کلمه ۱۲ کیلومتر و جاده صاف و هموار است و از کلمه تا قریه خنیز در حدود شش کیلومتر فاصله میباشد و از این محل از گردنه وتک

زبرو گذشته به قصبه پشگون میرسیم که ۱۸ کیلومتر مسافت دارد و راه آن کاملاً هموار است از پشگون تا قصبه خمیرک در حدود ۴ کیلومتر و جاده صاف میباشد و در این محل نیز چشمه آبی وجود دارد و از آنجا تا گردنه و تنگ پازن راه نیز هموار است و از این گردنه در حدود ۱۸ کیلومتر تا پازنون و سه یخی راه ناهموار و دارای تپه‌های زیاد میباشد در پازنون نیز چشمه آب وجود دارد - از سه یخی تا قصبه دهه نو ۶ کیلومتر است و از آنجا تا فیروزآباد ۱۲ کیلومتر فاصله دارد و جاده کاملاً صاف و هموار میباشد در این محل بواسطه عبور رودخانه نیبایست پل ساخته شود - از فیروزآباد تا شیراز دو راه وجود دارد که یکی بطرف قصبه گیلکی میرود و از میان کوه میگردد و جاده دیگر از طریق کوه پشمی موسوم بدو راه بفاصله ۶ کیلومتر بتنگ هلالو و بلوک خواجه میرسد از این جا تا قصبه زنجیرون ۱۸ کیلومتر مسافت دارد و از زنجیرون تا گردنه پنبه و تنگ موک در حدود ۲۴ کیلومتر است در این محل راه ناهموار و دارای کوه و تپه‌ها میباشد در عمق این تنگ رودخانه کول عبور میکند سپس بقصبه کول میرسد و از کول تا شیراز ۵۴ کیلومتر و جاده‌ها کاملاً صاف و شوسه میباشد دهستانهای بین فیروزآباد و شیراز عبارتند از نوروزان فتحبند - دهک - علی‌آباد و جعفرآباد است و محصول آنجا گندم - جو - برنج - ذرت - پنبه و تریاک است اهالی آنجا اکثر کشاورزند - از بندر بوشهر تا شیراز از طریق فیروزآباد در حدود ۲۸۸ کیلومتر است و کاروان مدت هشت روز این مسافت را طی میکنند (۶) تل توپخانه در سال ۱۲۳۲ خورشیدی نقش مهمی در جنگ بین ایران و انگلیس بازی کرد و دژ محکمی بشمار میرفت چون سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه هرات را فتح کرد دولت انگلیس رابطه سیاسی خود را با ایران قطع نمود بنا برین سرهنک «جانس» کنسول انگلیس در بوشهر مراسم بمیرزا حسین خان دریابدی فرماندار بوشهر نوشت که برحسب امر دولت متبوعه خود از بوشهر میرود

پس از حرکت او ژنرال اترام، با ۲۲۷۰ نفر توپچی و ۷۱۵۰ نفر پیاده نظام هندی و یک عده مهندسین باسی گشتی در بندر حلیله پیاده شده و بطرف قلعه ریشهر و بوشهر پیشروی نمودند در اینموقع پادگان ایران در بوشهر دو فوج سرباز قرچه داغی و یک فوج سرباز نهاوندی بسرمداری سرتیپ محمدعلی خان بدون مهمات و سازیرك بودند و یکعده از این نفرات بقلعه ریشهر که جز دیوارخا کریزو خندقی خشك و ویرانه یش نبود فرستاده شدند این هندام باقرخان تنگستانی باپسرش احمد خان باسیصدنفرچریك تنگستانی برای دفاع قلعه ریشهر وارد گردید - در این بین دریابگی مراتب را بمؤیدالدوله والی فارس اطلاع داد او بیدرنك محمدقلی خان ایلخانی قشقائی و لطفعلی خان سرتیپ فوج قشقائی را با یک فوج سرباز و هزار سوار قشقائی را با چهار عراده توپ از راه فیروزآ باد به تل توپخانه اعزام نمود و از طرف دیگر محمد علی خان نوری شجاع الملك را بایکفوج سرباز خاصه و ۲۵۰ سوار و چهار عراده توپ از شیراز از طریق کازرون ببزارجان فرستاد. ژنرال اترام سردارانگلیسی بدریابگی فرماندار بوشهر ۲۴ ساعت مهلت داد که اهالی غیر نظامی از بوشهر خارج شوند و یا آنکه بیرق ایران را بزیر آ ورده و قشون ایران که ساخلوی بوشهر بودند تسلیم کردند - دریابگی که نه اجازه جنگ و نه دارای استعداد کافی بود حیران و هراسان شده و نمیدانست چه کنند در اینموقع لشکریان انگلیسی باسی عراده توپ به کالری مختلف در سپیده دم بقلعه ریشهر حمله نمود و باقرخان تنگستانی با فرزند خود احمدخان و شیخ حسین خان چاه کوتاهی از قلت عده خود و زیادی نفرات دشمن نهراسیده دلیرانه مشغول جنگ شدند و زدو خورد خونین از بامداد تا ظهر ادامه یافت و کار بجنگ تن بتن رسید و در ضمن جنگ ۷۴۰ نفر سرباز هندی و پنجاه نفر افسران انگلیسی و یک افسر ارشد آنها کشته شدند و از تنگستانیها نیز عده کشته و زخمی گردیدند و از طرف کشتی های جنگی نیز قلعه را بمباران شد و احمد

خان فرزند دلیر باقرخان زخمی کشته شد هنگامیکه او بازخم زیادی بزمین افتاد و تفنگ خود را در دست داشت یکی از افسران انگلیسی بر بالین او میرسد و میگوید که تفنگ خود را تسلیم نماید ولی احمد خان تا آخرین دقیقه زندگانی حاضر بتسلیم سلاح خود نمیگردد - پس از تصرف قلعه ریشهر ژنرال انگلیسی با هشت فوج پیاده نظام ببرج خلعت پوشان نزدیک بوشهر حمله کرد و دو نفر توپچی ایرانی را کشته و توپ و برج را تصرف نمود در این بین محمدخان دشتی و محمدحسن خان برازجانی باعده سر باز برج را تخلیه و فرار میکنند و دریا بگی فرماندار بوشهر چون حال را بدین منوال دید بیرق ایران را بزیر آورده و از راه شیف بطرف بزارجان فرار کرد - سپس قشون انگلیسی از راه شیف بپرازجان رفت و قصبه خوشاب را در بین راه متصرف شدند در اینجا جنگی سخت بین آنها و سپاهیان اعزامی از شیراز در گرفت که عده از طرفین زخمی و کشته شدند عاقبت جنگ در نزدیک برازجان متوقف و دولت ایران حاضر بمتارکه جنگ گردید در سال ۱۸۷۵ میلادی عهدنامه معروف به پیمان پاریس بین ایران و اندلیس بسته شد و ایران هرات را برای همیشه تخلیه نمود و قشون انگلیس بندر بوشهر و خرمشهر و جزیره خارک را نیز تخلیه کردند . فیروز آباد بنام دژ نور معروف بوده بعدها سعدالدوله دیلمی آنجا را آباد نمود و فیروز آباد نام گذارد اکنون از آثار قدیم این شهر یکی قلعه دختران و دیگر نقش و تصاویر اردشیر و هرمز با چند نفر سوار و نیز آتشکده در آنجا وجود دارد بعد از چند روز اقامت از تهران از راه قشلاق بعزم مشهد حرکت کردم از تهران تا مشهد دو راه وجود دارد یکی از طریق قشلاق و ایوانکی که دارای جاده خراب و ناهموار است و دیگر راه فیروز کوه است که از میان جبال شامخ البرز میگذرد - از تهران بفیروز کوه در حدود ۱۴۶ کیلومتر و از آنجا تا سمنان ۸۱ کیلو متر فاصله دارد و بواسطه عبور از پرتگاه تا اندازه خطرناک است غروب آنروز بقصبه ایوانکی رسیده و از

آنجا گذشته و از گردنه تنک دره سرخار که محلی است مخوف و طولانی عبور کردم و این دره در تاریخ مشروطیت ایران شهرتی دارد زیرا در این محل سپاه محمدعلی شاه مخلوع که از عشایر ترکمن تشکیل یافته بود ببرداری ارشدالدوله که در صدد حمله بتهران برآمد و در مقابل قشون دولتی و نفرات بختیارها ببرداری یفرم خان ارمنی و سردار محیی بودند شکست خورده و منزهم شدند. قشون ارشدالدوله از بندر کمش تپه شروع به پیشروی نمود و بالامانع تا ایوانکی آمدند و خود ارشدالدوله در جنگ زخمی و اسیر گردید و در میدان نبرد تیرباران شد دو ساعت از شب گذشته وارد قصبه قشلاق شدم این قصبه بسیار خوش آب و هوا و باصفا است از تهران بقشلاق در حدود ۱۰۲ کیومتر و از آنجا تا سرخه ۹۶ کیلومتر و تا سمنان ۲۴ کیلومتر است.

سمنان

سمنان یکی از شهرهای قدیم می باشد و جمعیت آنجا در حدود دویست هزار نفر میگویند و دارای سه دبستان و عده کمی دانش آموز است و نیز دو مسجد که یکی از آنها امیر بختیار در بین سال ۴۶ ر ۱۷ هجری پایان رسانیده و ایوان بزرگ این مسجد را شاهرخ در سال ۸۸۰ هجری ساخته و بقیه ساختمان آن قدیم تر بوده است و یک قسمت آن مسجد در زمان فتحعلی شاه تعمیر شده و منار آن مربوط بدوره سلاجعه می باشد بنای دیگر در این شهر مسجد سلطانی است که در سال ۱۲۴۲ هجری در عهد فتحعلی شاه ساخته شده دیگر از آثار قدیم سمنان خانقاه شیخ علاءالدوله سمنانی در دوره مغول در صوفی آباد در سه فرسنگی سمنان می باشد و این بنا را منسوب بجمال الدین عبدالوهاب وزیر الجاتیو میداند.

معدن نفت این ناحیه سالها است مورد توجه روسها می باشد و چند سال پیش طبق قراردادی که بین روسیه و دولت ایران منعقد شده بود هرگاه

تأمدت پنج سال نفت خوریان را استخراج نمایند باید قرار داد لغو شود ولی از طرف روسها اقدامی برای استخراج بعمل نیامد - بنابراین درچندی پیش شرکت امریکائی «استاندارد اویل کمپانی» قراردادی با ایران بسته و مهندسین و نمایندگان آنها بایران آمدند و مشغول کار شدند و طبق پیمان دیگر مقرر گردید که لوله های نفت خوریان را تا بندر چابهار امتداد دهند و بالشگاه نفت در آن بندر تأسیس شود ولی طولی نکشید که شرکت نامبرده امتیاز خود را لغو نمود و طبق قرارداد مبلغی بدولت ایران پرداخت معادن دیگر از جمله آهن در نزدیک سمنان وجود دارد تا کنون استخراج نشده و ایرانی از ثروت طبیعی معادن خداداد محروم مانده است محصول سمنان عبارت از گندم - جو - حبوبات و میوه و پنبه میباشد اطراف این شهر باغهای زیاد وجود دارد که از چند قنات مشروب میگردد - اهالی آنجا همه فقیر و بیچاره و اکثر کشاورزند .

صادرات سمنان خشکبار و پنبه است که بروسیه حمل میگردد از سمنان بدامغان در حدود ۱۱۶ کیلو متر فاصله است اخیراً کار خانه ریسمنان بافی در سمنان تأسیس شده و مشغول نخ ریزی میباشد .

دامغان

آثار قدیم و تاریخی در حوالی دامغان محلی است موسوم به صد دروازه «هتکاتوپلیس» که پای تخت قدیم اشکانیان بوده و دیگر مقبره امام زاده جعفر و کتبه بنای این مقبره بامر شاهرخ در عهد سلاجقه نوشته شده و نیز مسجد و منار چهل ستون است که تاریخ بنای آنرا بین قرن سیم هجری باید دانست ولی بنای مناره آن در سده پنجم پایان رسیده است و این منار بنام تاری خانه بوده و مسجدی داشته که اکنون ویران و منهدم شده و مناره فعلی را بختیار بن محمد او بنای مقبره پدرش پیر علمدار نیز ساخته است و دیگر از بناهای دامغان برج معصوم زاده در قصبه مهماندوست

که در عهد سلاجقه بنا شده و تاریخ آن ۴۹۰ هجری است دیگر مناره است که در سال ۵۰۰ هجری ساخته شده و مسجد و مقبره بعد از این مناره بنا گردیده بنای مقبره پیر علمدار طبق کتبه آن در تاریخ ۴۱۷ هجری پایان رسیده و در نزدیکی این مقبره مسجدی است که از زمان سلطان الجاتیو خدا بنده وجود دارد و نیز مقبره چهل دختران است که تاریخ آن در ۴۶۶ هجری است و دارای گنبد و مناری بوده که اکنون مخروبه میباشد و در محلی موسوم به بتو در بار معدن سرب و در طاق آستانه معدن ذغال سنک وجود دارد اکنون آهنگران این شهر از معدن ذغال سنک آنجا برای رفع نیازمندی خود استفاده میکنند - محصول دامغان گندم - جو - حبوبات خشکبار - و پنبه میباشد و مقدار زیادی پنبه و خشکبار بروسیه میفرستند از دامغان تا شاهرود ۷۴ کیلو متر است .

شاهرود

شاهرود جزء توابع بسطام است که اکنون بواسطه راه شوسه و آمدورفت مسافری و کالای نسبتاً آ باد شده و شهر است کم جمعیت محصول این شهر عبارتند از گندم - جو - حبوبات و تمباکو - تریاک - و میوه است که از آب قنات مشروب میگردد صادرات آنجا خشکبار است در بین راه چند برج و بارو دیده شد ولی اثری از مأمورین امنیه در آنجا وجود نداشت . قصبه عباس آباد در این راه واقع شده و این قریه را شاه عباس بزرگ بنا نموده و مردم آنجا از نژاد گرجستانی هستند در نزدیک عباس آباد کوهی واقع است که از سنک آن اهالی تسبیح و سوره دان و سایر اشیاء دیگر میسازند اهالی این قصبه مردمی بدجنس و نیرنگ باز هستند از شاهرود تا سبزوار در حدود ۲۶۶ کیلو متر است و این طولانی ترین راه بین تهران و مشهد است چون باید مسافت زیادی راه طی نمود شب را در قصبه کهک توقف نمودم در این قریه پشه معروف به غریب گز وجود دارد که پس از

فرو بردن نیش خود خون را مسموم میکنند و بلافاصله تب عارض میشود ولی این پشه بخود اهالی قصبه صدمه نمیرساند از قراریکه میگویند پشه غریب گز نسبت به پیش کمتر شده است - اهالی این شهر همه فقیر و اکثر کشاورزند .

در نزدیک شاهرود در محل فرومد خرابه مسجدی بنظر میرسد که در حدود سده هفتم هجری ساخته شده است

سبزوار

سبزوار یکی از شهرهای خوش آب و هوای خراسان است و محصول آنجا گندم - جو - حبوبات - تریاک - پنبه و خشکبار و تمباکو که از آب قنات مشروب میگردد و در سال نزدیک به ۲۳۰۰ خروار پنبه بروسیده حمل میکنند و جمعیت این شهر را در حدود ۲۵۰۰۰ نفر میگویند که اکثر آنها کشاورزند و دارای سه دبستان و ۴۰۰ دانش آموز است .

در قسمت شمالی این شهر مناری است که در سال ۶۰۰ هجری بنا گردیده و نیز بنای میل خسرو کرد است که طبق کتبه آن در سال ۵۰۵ هجری ساخته شده است

از سبزوار تا نیشابور در حدود ۱۱۹ کیلومتر فاصله است پس از چند ساعت توقف در این شهر بطرف نیشابور حرکت نمودم .

نیشاپور

این شهر یکی از بلاد قدیم ایران است در اینجا يك قلعه قدیمی است که تقریباً مخروبه میباشد در حوالی نیشابور خرابه سنک بست واقع است و اکنون آثار ویرانه گنبد و منار آن دیده میشود و معلوم شده که بنای آنرا ارسلان جاذب فرماندار طوس در سال ۳۸۹ هجری در زمان سلطان محمود غزنوی نموده است در دیوار اطاق آن کتبه بخط کوفی بنظر رسید

و دیگر از بناهای نیشابور مسجد جامع است که تاریخ بنای آن در سال ۸۹۹ هجری است و بانی آن پهلوان علی بن ابی‌زید میباشد و مقبره او در همین بنا واقع گردیده و نیز مقبره امام زاده محمد محروق که در دوره شاه طهماسب صفوی بنای آن ساخته شده و تاریخ این بنا را در ۹۷۸ هجری است آرامگاه عمر خیام شاعر مشهور ایران که اشعار او بچند زبان ترجمه شده و نیز مقبره فریدالدین محمد عطار که از عرفای ایران بود در نزدیک این شهر واقع است و تپه الپارسلان و نیز تپه آهنگران و تپه شاد یاخ در شعاع يك کیلومتری نیشابور میباشد و از ابنیه دوره سلاجقه هستند .

جمعیت نیشابور را در حدود ۲۶۰۰۰ نفر میگویند دارای دودستان ۲۵۰ و دانش آموز است و با دارا بودن این عده نفوس محصلین آنجا بسیار کم است . تب مالاریا و امراض دیگر در این شهر زیاد است و بهداشت و دوا کمیاب میباشد .

محصول آنجا عبارتند از گندم - جو - تریاک - و پنبه و خشکبار است که از آب قنات مشروب میگردد و عمده صادرات نیشابور خشکبار و پنبه است که به روسیه فرستاده میشود و کالای دیگر از راه درزآب به هندوستان حمل میگردد - يك نوع قالی در این شهر میافند بسیار خوش رنگ و مرغوب است - محصول تریاک نیشابور در سال در حدود ۱۴۰ خروار تخمین میزنند میوه و خواربار این شهر فراوان است دادستد و معاملات بازرگانی نیشابور بسیار خوب است - پس از چند ساعت توقف بطرف مشهد حرکت نمودم از اینجا تا مشهد ۱۴۳ کیلومتر فاصله است . بین راه قدمگاه واقع شده و بنای بقعه قدمگاه در سال ۱۰۹۱ هجری ساخته شده است - مقبره خواجه ربیع در چهار کیلومتری مشهد بنظر رسید که بنای آن در زمان شاه عباس بزرگ در سال ۱۰۳۱ هجری با تمام رسیده و کتیبه در کاشی‌کاری آن دیده شد که تاریخ ۱۰۲۶ هجری بر آن نوشته شده - در محل گلشن مشهد آرامگاه حسین بن موسی کاظم ۴ واقع است که بنای آن

در سال ۴۴۹ هجری میباید - و در محل مصلی در يك كيلومترى دروازه پائين مشهد آژارد و مقبره وجود دارد كه در كتيبه مقابل درب تاريخ ۱۰۸۷ هجری نوشته شده است .

مشهد

بعد از ظهر وارد مشهد شدم پس از چند ساعت استراحت بزيارت حضرت رضا ؑ مشرف شدم - آستان حضرت رضوى ؑ داراى دو ايوان بزرگ از نقره و طلا است كه يکى در زمان نادر شاه و ديگرى فتحعلى شاه محمد شاه قاجار ساخته شده و بعد ها ناصر الدين شاه هم آنها را تعمير و مرمت کرده است و نيز چهار درب بزرگ از نقره و طلا دارد - گنبد طلا از بناهاى شاه عباس بزرگ و شاه طهماسب است و ساختمان اصلى آرامگاه حضرت رضا ؑ كه بصحن كهنه باز ميشود از زمان تيموريان آغاز شده ولى قسمت مهم آنرا شاه عباس ساخته و كاشى كارى آن چهل سال بطول انجاميده كه در زمان شاه عباس دوم تمام شده است و كتيبه هاى آن بنام علي رضاى عباسى خوشنويس معروف ميباشد و نيز دو گلدسته طلا دارد كه يکى را شاه سليمان صفوى و ديگر را نادر شاه بنا کردند و اکنون بنام نادر معروف است - اطراف مرقد مطهر حضرت رضوى ؑ بهترين نمونه كاشى كارى سه دوره تاريخى وجود دارد كه يکى از آنها مسجد گوهر شاد است و در دوره تيموريان ساخته شده است (گوهر شاد همسر شاهرخ ميرزا و دختر جهانشاه قراقوينلو و پسرش باى سنقر كه خوشنويس مشهورى بوده) كاشى كارى اين مسجد در سال ۸۲۱ هجری بمعمارى قوام الدين شيرازى آغاز و در مدت دوازده سال پايان رسيده است اين مسجد عبارت است از يك ايوان بزرگ و گلدسته و كتيبه ها از كاشى زيباو بسيار عالى بخط باى سنقر كه محاسن و پرهيز كارى مادر خود گوهر شاد را ستوده است و روى گنبد اين مسجد كتيبه هاى سياه رنگ بخط كوفى ديده ميشود .

صحن کهنه در زمان صفوی و صحن نو در عهد قاجاریه ساخته شده - بنا بر عقیده ابن حوقل حرم حضرت رضوی ؑ را در نیمه دوم قرن چهارم هجری يك قلعه محکم احاطه داشته و سلطان محمود غزنوی ضریح آن حضرت و اطراف آنرا بوسیله يك حصار جدیدی توسعه داده - سپس بطوری که در کتیبه نوشته شده بامر سلطان سنجر سلجوقی در سال ۵۱۲ هجری حرم را تعمیر کرده اند و در سال ۶۱۲ هجری سلطان الجاتیو خدا بنده آنرا مرمت نموده است و حرم حضرت رضا ؑ در حال کنونی نتیجه يك سلسله ساختمانها از قرن ۱۲ تا قرن ۱۳ هجری میباشد و گنبد طلا طبق کتیبه در زمان شاه عباس و بموجب کتیبه دیگر قسمتی از آن در دوره شاه سلیمان صفوی ساخته شده است و تاریخ بنای مسجد شاه در ۸۵۵ هجری و تاریخ تعمیر آن بین سال ۱۳۱۸ - ۱۳۱۶ هجری میباشد و مسجد بالا سر در دوره تیموریان بنا شده و در سال ۱۰۹۱ و ۱۲۷۱ هجری تعمیر و مرمت شده است .

رواق های حضرت رضا ؑ یکی دارالسعاده - گنبد الله وردی خان دارالضیافه - توحید خانه - دارالسیاده - دارالحفاظ و کشیک خانه میباشد بر بعضی از آنها کتیبه های بخط کوفی در سال ۱۳ هجری محمد بن طلحه نوشته است عدّه کنونی خدام حرم چهار صد نفر میباشد ولی قبلا یک هزار نفر بودند که هر يك از آنها چهل ریال نقد و سه خروار گندم از موقوفات آنحضرت در سال دریافت میدارند .

و نیز عدّه فراشهای حرم دویست نفرند که هر يك بیست ریال نقد و دو خروار گندم در سال مقرر دارند و عدّه دربانان حرم سیصد نفر هستند که هر يك در سال ۲۵ ریال نقد و يك خروار و نیم گندم میگیرند - یکنفر رئیس و یکنفر ناظر و سر کشیک همه وقت مأمور نظم امور حرم رضوی ؑ هستند و تولیت آستانه از طرف پادشاه وقت بفرماندار مشهد واگذار میگردد موقوفات حضرت رضا (ع) در سال بالغ بر سیصد هزار تومان عایدی دارد

و محصول زراعت آن در حدود دوازده هزار خروار گندم و جو در سال میباشد هر گاه موقوفات حضرت رضا را بخوبی و درستی اداره شود بالغ بر يك مليون تومان عایدی خواهد داشت دو خیابان بنام علیا و دیگری سفلی که دارای دکانها و مغازه ها است جزء موقوفات آنحضرت میباشد آبی که از سر چشمه گیل بوسیله لوله نیرالدوله بحرم حضرت رضا آورده است نیز جزء موقوفات است. چهل هزار تومان از موقوفات قنات و غیره برای هزینه مریضخانه شاه رضا و مهمانخانه حضرت رضاع اختصاص داشته این مریضخانه دارای چهل تخت خواب برای مردان و بیست تخت خواب برای زنان میباشد. ولی مهمانخانه آنحضرت قابل تمجید نیست مباشرین و مأمورین آن بوظایف خود عمل نمیکند.

این مهمانخانه بسیار کثیف و نا منظم میباشد برای شام و نهار خدام حرم و گاهی به بعضی زوارها غذا میدهند در مشهد گدا و فقیر در کوچه ها خاصه در اطراف حرم حضرت رضوی زیاد است. کوچه های مشهد بسیار کثیف و بهداشت این شهر که محل اجتماع صدها هزار مردم است رضایت بخش نیست. این شهر دارای خانه های عالی و خیابانهای وسیع خوب میباشد مریضخانه امریکائی نیز در چند سال پیش از طرف انجمن خیریه امریکا در مشهد تأسیس شده که دارای سی تخت خواب است و ضمناً برای دین مسیح تبلیغ میکنند. رئیس شهرداری مشهد آقای مصطفی خان دفتری اکرم الملك که شخصی متین و درستکاری بنظر آمد در ملاقاتیکه با او نمودم نویسنده را بگرمی پذیرفتند طبق گفته ایشان جمعیت مشهد در حدود ۱۵۰۵۶۰ و تعداد خانه ها نزدیک ۲۱۸۵۰ باب بودجه شهرداری ۴۴۰۰۰ ریال است که مبلغ سه هزار ریال آن هر ماه صرف تعمیر ساختمان آرامگاه نادر شاه میگردد. و نیز دارای ۲۱ دبستان پسران و دختران و در حدود ۲۵۸۰ دانش آموز میباشد برای مشهد تعداد دانش آموز بسیار ناچیز است و قلت دبستان بواسطه کمی بودجه فرهنگی آنجا میباشد.

در مشهد دو قرائت خانه برای عموم و يك انجمن ادبی دایر گردیده و نیز چند روزنامه از جمله صدای شرق، آزادی، مهر منیر، آفتاب شرق و خورشید در این شهر منتشر میشود.

محصول خراسان عبارتند از گندم - جو - حبوبات - خشکبار - پنبه - تریاک - پوست - پشم میباشد تریاک خراسان از حیث جنس بسیار مرغوب و ۱۲ درصد دارای مرفین است و اکثر اهالی از مرد وزن معتاد بکشیدن افیون هستند هر گاه بارندگی خوب باشد محصول تریاک خراسان در سال دو بیست تا سیصد خروار میشود - و عمده صادرات خراسان پنبه - تریاک - پوست - پشم - خشکبار و قالی میباشد که بروسیه یا از طریق زاهدان بممالک خارجه فرستاده میشود - در مشهد چند دستگاه قالی بافی وجود دارد قالیهای خراسان از حیث رنگ و مرغوبی جزء قالیهای درجه دوم ایران محسوب میگردد - دستگاه قالی بافی عموماً در مشهد از حیث بافت و نقشه ممتاز است عده کنونی کارگران آن ۳۰۰ نفر است .

محصول پشم خراسان در این سال در حدود ده هزار خروار تخمین میزنند - برای تماشای ساختمان آرامگاه نادر شاه رستم محلی است بسیار با صفا از قراریکه شنیده شد جسد کلنل محمد تقی خان معروف که جنکهای دلیرانه بر علیه قشون روس در غرب ایران در زمان جنک بین الملل گذشته کرده بود در این محل مدفون بوده ولی بعد بامر احمد قوام السلطنه جسد کلنل نامبرده را بگورستان عمومی انتقال داده اند .

با کسب اجازه از رئیس خدام حرم برای دیدن کتابخانه حضرت رضا رستم اکنون ۳۸۰۰ جلد کتاب مختلف قدیم و گران بها در این کتابخانه وجود دارد از جمله کتاب خواص الشجر والحيوان بود که شاه عباس در سال ۱۰۱۷ هجری آنرا وقف و هدیه نموده است مؤلف این کتاب مهران بن منصور ابن مهران است این کتاب در زمان سلطنت البایناج قتلغ بیگک از زبان سیریانی بعبری ترجمه شده دارای ۲۸۴ صفحه و محتوی اشکال

حیوانات و نیز ۱۱۳۶ اشکال نباتات بود و نیز چند جلد قرآن مجید بخط
 کوفی یکی بخط حضرت سیدسجاد امام زین العابدین و دیگر بخط حضرت
 امام حسن و دیگر بخط حضرت علی؛ که بر پوست نوشته شده و آنهارا
 شاه عباس تقدیم آستانه حضرت رضوی نمود و وقف نامه آنها را مرحوم
 شیخ محمد بهاء الدین در سال ۱۰۰۸ هجری نوشته است و نیز قالیهای بسیار نفیس
 و گران بها و چندین نقاشی و تصاویر حضرت رضا و حضرت امیر و دو
 فرزندان او را در این کتابخانه تماشا نمودم. از ابنیه قدیم خراسان در
 ۳۷ کیلومتری مشهد آثار خرابه گنبد و منار است که بنای آنرا ارسلان
 فرماندار طوس در عهد سلطان محمود غزنوی نموده و بالای دیوار آن
 کتیبه بخط کوفی نوشته شده و دیگر بنای مدرسه پیرزاد در دوره تیموریان
 است و در سال ۱۰۹۱ هجری تعمیر شده و تاریخ ساختمان مدرسه دودر
 نیز در ۸۴۳ هجری است و در سال ۱۳۱۹ هجری مرمت شده است و دیگر
 مسجد و گنبد در محل سنگان پائین میباشد که تاریخ بنای آن در سال
 ۸۳۵ هجری است - در ۲۲ کیلومتری مشهد بنای معروف بمیل اخنجان
 واقع است که مربوط بدوره تیموریان است و در کلات نادری ساختمانی
 بنام خورشید وجود دارد و در قسمت مرکزی آن برجی است که تاریخ
 بنای آنرا در سده هفتم هجری نوشته شده - در طبس مناره و مدرسه میباشد
 که در عهد سلاجقه ساخته شده در اثر زمین زلزله ۱۳۱۸ هجری آسیب
 زیاد بر آن وارد گردیده و نیز در تربت حیدریه که مقبره قطب الدین حیدر واقع
 است که در زمان تیموریان بنا شده و مسجد نزدیک آن را شاه صفی صفوی
 ساخته است - شهر قدیم طوس که در چهار فرسنگی مشهد است و اکنون
 ویرانه میباشد آرامگاه فردوسی شاعر مشهور ایران در آنجا واقع شده است.

تهران - مجلس شورای ملی

پس از مراجعت از مشهد به تهران آمدم در چند جلسه مذاکرات

مجلس حضور یافتم اکنون عده نمایندگان در حدود يك صد و یازده نفر است ولی طبق نظامنامه انتخابات میبایست عده و کلا دوست نفر باشند. در طبقه فوقانی در تالار مذاکرات در طرف راست محلی بنام نوین مخصوص محترمین است و در سمت چپ این تالار محلی است که بمدیران جراید اختصاص دارد و در وسط آن محل جلوس شاه است که در دو طرف آن جای سفرای و نمایندگان خارجه میباشد و پائین تالار جای تماشاچیان اختصاص داده اند. قبلا از رئیس مباشرت مجلس تقاضای عکس برداری از تالار جلسه نمودم اجازه ندادند بعداً بوسیله یکی از نمایندگان فارس موفق بعکس برداری شدم.

رسمیت مجلس با زدن زنگ شروع شد و من بمذاکرات نمایندگان و رطب و یابس آنها گوش میدادم و می شنیدم که مذاکرات روی مسائل فرعی بود و به اصل درد این ملت بیچاره و اوضاع کشور ستم دیده توجه نمی نمودند اختلاف نظر و دویت کاملاً بین آنها حکم فرما بود نزدیک دو ساعت مذاکرات بطول انجامید خسته شدم و بحال ملت و مملکت افسوس خوردم پس از ختم جلسه با برخی از نمایندگان که اقتخار شناسائی آنها را داشتم مشغول صحبت شده و تذکر دادم که نمایندگان مجلس شورای ملی مسئول مقدرات ملت هستند و مذاکراتی که در مجلس میکنند در داخله و خارجه انعکاس مینماید و کلا که بنام ملت در مجلس هستند دولت و وزیرانی بمیل خود انتخابات مینمایند و چون دولت که برگزیده مجلس است و از طرف نمایندگان حقیقی ملت انتخاب نشده نمیتواند مصالح و منافع کشور را حفظ و حراست کنند و تا موقعیکه نظامنامه انتخابات تجدید نظر نشود امید اصلاح در اوضاع ملت نمیرود هر نماینده خیر اندیشی که پیشنهاد تجدید نظامنامه انتخابات را در مجلس بدهد خدمت بزرگی به اصلاح مملکت نموده است. بعد برای دیدن کتابخانه مجلس رقوم رئیس کتابخانه آقای اعتصام الملك بود در این کتابخانه در حدود پنجاهار جلد کتب مختلف از جمله

۱۷۵ جلد کتاب قانون بزبان فرانسه وجود دارد سو نیز ساختمان و عمارت رئیس مجلس و معاونین او که بنام اداره تقنینیه معروف است و عمارت پست تلگراف مجلس و چند ساختمان دیگر تماشاخانه و دم زیبائی این عمارات بر منظره مجلس شورای ملی افزوده است .

اگر برای تقدم اصول پارلمانی فضلی قائل بشویم این فضیلت از آن ملت انگلیس خواهد بود و این ملت حق دارد که سبقت مشروطیت و دموکراسی را افتخار خود بدانند ملت انگلیس در راه چنین منظور عالی شایستگی نشان داده و بادرک معنی آزادی و پرورش صحیح آن موانع و دشواری های سخت را به نیروی کاردانی و اتحاد کامل ازپیش پای خود برداشت مقارن سال ۱۶۸۸ میلادی بود که پارلمان انگلستان پس از سه سال جنگ و کشمکش داخلی قدرت دائمی حاصل نموده و چنان بر پایه استواری قرار گرفت که حوادث زمانه و مخالفت های روزگار نتوانست این بنای آزادی و قدرت پارلمانی را متزلزل سازد افتخار اصول پارلمانی با فضیلت قانون اساسی بریتانیا تنها در سبقت و تقدم آن نیست بلکه در روح و معنویت آن میباشد که از مجموع عادات قدیمی و احترامات آن ملت نسبت بحقوق تولید شده و در مواقع ضروری متفقاً جان و مال خود را برای تأمین سعادت ملك و ملت تثار مینماید این فضیلت اختصاص بملت انگلیس دارد و در سایر ملل کمتر دیده شده قوانین اساسی بریتانیای کبیر مادر قوانین اساسی کشورهای دیگر شناخته شده است. نمایندگان پارلمان انگلیس از هر صد هزار نفر افراد ملت انگلیس یک نفر انتخاب میگردد و منتخبین اقلاً چند ماه در حوزه انتخابیه اقامت داشته و از اوضاع آن محل کاملاً مسبوق و مطلع میباشند ملت انگلیس بدو حزب و فرقه منقسم شده هر يك برای خود عقایدی دارند و رئیسی انتخاب میکنند که تابع رأی و اقدامات او هستند. حزب کونسرواتور و حزب لیبرال که اولی رادرپیش دوک - و دومی را توره می نامیدند کونسرواتور بیشتر مرام آنها جنگ

و غلبه و اقتدار ر توسعه مستعمرات است و برعکس آن لیبرال که مرامش صلح جوئی و مساوات و حافظ حقوق خود و طرفدار حقوق سایر ملل میباشد - حزب کارگر در سالهای اخیر در انگلستان بوجود آمده طرفدار فقرا و رنجبران بوده مرام آنها اصلاح و تسهیل امور زندگانی کارگران و عقاید و آراء احزاب نامبرده از ثمره علم و تجربه آنها پیدا شده است از هر حزب که بیشتر نماینده انتخاب شد همیشه در مجلس شورای ملی اکثریت با آنها است و نخست وزیر از بین همان فرقه اکثریت انتخاب میگردد او باید دارای تحصیلات عالیه و تألیفات کتب مفید بوده باشد از برکت نظم و صحت کار و تقسیم آراء میباشد که ملت انگلیس نمایندگان پارلمان را انتخاب مینماید و پس از اتمام انتخابات اسامی منتخبین هر حزب معلوم میگردد و انتخابات کمتر از يك هفته انجام میگردد منتخبین مبلغی برسم و دیعه در خزانه دولت میگذارند حزب اقلیت در پارلمان دسته مخالف دولت را تشکیل میدهد ولی در مواقع سخت و بحرانی که اهمیت و عظمت میهن خود را در خطر میبینند یا حزب دیگر اتفاق نموده و مانند نفس واحد در رفع خطر میکوشند صحت گفتارم در جنگ کنونی جهانسوز معلوم و مشهور است - پارلمان فرانسه در سال ۱۸۷۵ میلادی بعد از جنگ آلمان و فرانسه و اسارت ناپلئون سوم در قلعه سدان بود و مرکب از مجلس سنا و مجلس شورای ملی تشکیل گردیده نمایندگان مجلس سنا پس از نه سال یکمرتبه انتخاب میشوند و سن آنها از چهل سال کمتر نباید باشد و نمایندگان مجلس عوام پس از چهار سال یکمرتبه انتخاب میگردند و سن آنها کمتر از ۲۵ سال نیست و مردم از سن ۲۱ سالگی حق انتخاب نمایند دارند و احزاب مهم پارلمان فرانسه نیز عبارت از حزب دست راست و حزب دست چپ میباشد.

نویسنده حیرانم روزگار چگونه ملتی چنین موفق و مسعود و دیگری چنان منکوب و مطرود یکی به تمدن و تعالی و دیگری در چاله وحشت

و بیچارگی سرنگون میکنند چرا روزگار ملتی را می نوازد و دیگری را مبتذل میدارد.

روز دیگر بملاقات بعضی از نمایندگان از جمله جناب آقای دکتر مصدق السلطنه و جناب آقای سیدحسن تقی زاده رفته و از اوضاع بنادر جنوب و نقصان بهداشت آنجا را بایشان تذکر دادم.

چون شنیده بودم مجسمه فلزی ناصرالدین شاه در باغشاه نصب شده با اجازه برای دیدن آن رفته ولی اثری از آن مجسمه نیافتم معلوم شد که به امر رضا شاه پهلوی آن مجسمه را از بین برده اند اکنون که این سطور را مینویسم چند مجسمه پهلوی را ساخته و در چند خیابانهای تهران و نیز در میدان ایستگاه راه آهن نصب نموده اند اگر چه این رسم و تقلید از اروپا بایران رسیده ولی در اروپا هر زمان مرد بزرگ یا پیشوائی خدمات بزرگ بملت خود کرده باشد پس از مرگ بمنظور قدر دانی مجسمه اش را ساخته و در میدان های عمومی نصب مینمایند همانطور که مجسمه ناپلئون اول پادشاه دانا و توانای فرانسه را بعد از مرگش ساخته اند میگویند در زمان حیات او مجسمه او در پاریس ساخته و نصب گردید و بی از دیدن مجسمه خود در خشم و غضب شد و گفت «در وقتیکه ما نمیتوانیم یک قایق ماهیگیری را بساحل انگلستان بفرستیم چگونه شما عقاب فرانسه را جلوه گر میسازید آنچه را ساخته اید بشکستید و مانند آن دیگر بهن نشان ندهید».

و یا مردی مانند ژنرال «موند» فاتح بین النهرین در جنگ بین الملل گذشته که اکنون در کنار رود دجله مجسمه او نصب شده است برای معرفی این ژنرال نامی مینویسیم که در هنگامیکه ژنرال «تونشن» سردار انگلیسی با ۱۲ هزار نفر از سپاهیان خود بعد از چندین روز محاصره در کوت العماره اسیر سردار ترک گردید و به اسلامبول برده شد ژنرال «موند» با جنگ های سخت و پیشرفت سریع کوت العماره و بغداد را تصرف نمود

و ترك‌ها را شكست داد بواسطه گرمی هوا و زحمات طاقت فرسا مریض شد
 و در بغداد فوت نمود ولی بواسطه فتح بغداد اكنسون آرامگاه او و
 مجسمه اش در نزدیک پل موند که بنام او معروف است و در بغداد می باشد
 و یا آنکه سرداری مانند ژنرال «رابرت» فاتح برمه و افغانستان که مجسمه
 او ساخته اند ژنرال نامبرده در سال ۱۸۷۹ میلادی بر افغانستان حمله نمود
 و سپاهیان امیر شیر علی خان افغانی را در معبر خیبر و کتل پیوار شکست داد
 امیر شیر علی خان بطرف بلخ فرار کرد و به ژنرال «قاوخمان» روسی
 کاغذی نوشت و خواستگار کمک و مساعدت نمود ولی جواب مساعد نشنید
 و در همان سال امیر شیر علی در بلخ قوت نمود و پسرش یعقوب خان پادشاهی
 افغانستان منصوب شد ولی ملت افغانستان پادشاهی او راضی نبودند در
 این موقع بتحریر مفسدین و فتنه جویان افغانی وزیر مختار انگلیس موسوم
 به «کوانیاک» بدست داودخان سردار درکابل کشته گردید و مجدداً لشکریان
 انگلیس سرداری ژنرال «رابرت» در ماه سپتامبر ۱۸۷۹ میلادی کابل را
 متصرف شدند و یعقوب خان را دستگیر و به هندوستان فرستادند و تا آخر
 عمرش در شهر لاهور تحت نظر بود هنگامیکه رضا شاه پهلوی وزیر جنگ
 و نخست وزیر بود مردم نسبت به او ایمان و عقیده داشتند او هم کارهای
 نیک و مفیدی برای مملکت انجام داد از جمله دانشگاه - کارخانه های قند
 سازی و پارچه بافی احداث نظام وظیفه - تأسیس بانک ملی ایران که اکنون
 بمدیریت شخص فعال و کار آزموده جناب ابوالحسن ابتهاج اداره
 میشود و تشکیل نیروئی دریائی در خلیج فارس و لغو کاپتولاسیون یا حق
 قضاوت کنسولات و سایر اصلاحات دیگر از کارهای او میباشد اما همینکه
 براریکه سلطنت و پادشاهی جلوس نمود اطرافیانش پرده سیاهی بین او
 و ملت کشیدند و او نیز مجذوب و مغرور مال و جلال و املاک و قصور
 عالی گردید بعدها تاریخ اعمال او را قضاوت خواهد کرد و او را چنانکه
 بوده معرفی خواهد نمود .

چون نام کاپتولاسیون درین آمد لازم است بطور مختصر تاریخ
و چگونگی آنرا برای اطلاع خوانندگان محترم بنویسم .

کاپتولاسیون یا حق قضاوت کنسولات عهد نامه است که بین دول
برای حفظ منافع اتباع خود بسته میشود چنانکه در سال ۱۵۳۵ میلادی
در زمان سلطان سلیمان اول پادشاه عثمانی با فرانسوی اول امپراطور
فرانسه قرار دادی منعقد گردید که اتباع فرانسه در خاک عثمانی وارد شده
و تجارت نمایند و تابع احکام کنسول دولت متبوعه خود باشند همچنین در
سال ۱۷۴۰ میلادی عهد نامه دیگری میان سلطان محمد اول و لوئی پانزدهم
بسته شد که رعایای فرانسه حق اقامت در خاک عثمانی و آزادی مذهب داشته
بعلاوه دارای حق برقراری سفرا و کنسولات فرانسه در قلمرو خاک عثمانی
بود در سال ۱۸۲۰ میلادی هم دولت اطریش و روس نیز حق قضاوت
کنسولات در خاک عثمانی برای اتباع خود قائل شدند و از اینرو در سال ۱۸۴۶
میلادی محکمه هائی در اسلامبول و سایر شهرستانهای عمده ترکیه مرکب
از دو نفر قاضی دائمی و چهار قاضی علی البدل که دو نفر آنها تبعه عثمانی و
دو نفر دیگر از اتباع خارجه با حضور نماینده سفارت یا کنسولگری آن دولت
برای این منظور تشکیل گردید .

دولت عثمانی و سایر دول دیگر راضی نشدند محاکم کنسولگری
ایران چنین حقی را دارا باشند و اعتراض داشتند که در ایران اصول محاکمات
صحیح نیست لذا در زمان سفارت مرحوم شیخ محسن خان مشیرالدوله
دولت ایران قبول نمود که اصول محاکمات عثمانی را در محاکم کنسولی
ایران اجرا نماید تا اگر تبعه ایران مدعی الیه باشد محاکم کنسولگری
ایران بتواند رسیدگی نماید - در عهد نامه ترکمن چای سال ۱۲۴۳ هجری
قمری که با مضای عباس میرزا نایب السلطنه و ژنرال «پاسکویچ» رسیده
دولت روسیه تزاری قانون حق قضاوت کنسولات را برای اتباع خود
در ایران قائل شد و طبق ماده هشتم این عهد نامه دولت روس حق آنرا داشت

که هرگاه اتباع روسیه مجرم بقتل باشند مقصر را باید بدولت روس تسلیم و بروسیه اعزام و در آنجا موافق مقررات محاکم روسیه تعقیب گردد. در عهد نامه پاریس بعد از جنگ بین ایران و انگلیس که در سال ۱۲۷۳ هجری قمری بین انگلیس و ایران منعقد گردید دولت انگلیس نیز حق قضاوت کنسولات برای اتباع خود در ایران دارا گردید و بنام عهدنامه کامله الوداد معروف بود در فصل نهم این عهدنامه چنین قید شده بود که طرفین تعهد میکنند که در نصب و استقرار کنسولات در خاک یکدیگر حالت دول کامله الوداد داشته نسبت باتابع و تجارت دول کامله الوداد منظور و رفتار نمایند. در سال ۱۸۹۲ میلادی دولت ترکیه هنگام تجدید عهدنامه تجارتي با آلمان لغو حق قضاوت کنسولات را خواستگار گردید و همچنین در سال ۱۹۱۲ میلادی که عهد نامه لوزان بین ترکیه و ایتالیا منعقد شد پیشنهاد لغو این قانون کرده بود و در ماه اکتوبر ۱۹۱۴ میلادی دولت عثمانی کلیه امتیازات که اتباع خارجه در ترکیه دارا بودند همه را نسخ نمود. در مصر نیز سه محکمه ابتدائی در قاهره و اسکندریه و منصوریه برای این منظور وجود داشت و هر یک از محاکم مرکب از هفت نفر قاضی بود که چهار نفر آن از طرف دول اروپائی و سه نفر از قضات مصری بودند در این اواخر دولت انگلیس دو نفر انگلیسی را بعنوان قضات مصری وارد این محاکم نمود و محکمه استیناف در اسکندریه با حضور هشت نفر قضات دول اروپائی و چهار نفر مصری تشکیل میگردد رئیس این محکمه به رأی اکثریت از قضات خارجی منسوب میگردد.

این محکمه صلاحیت هر گونه رسیدگی در مسائل حقوقی و جزائی بین اتباع خارجه و مصری را داشت مسائل جزائی آنچه راجع به تقصیرات غیر مهم بود یکی از قضات اروپائی حکم مینمود ولی برای جنحه و جنایت اتباع خارجه مطیع محاکم کنسولات خود بودند ممالکی که قانون کاپتولاسیون در آنجا اجرا میگردد ترکیه و مصر و ایران و چین بودند که

بالاخره از زیر بارگران این قانون نجات یافتند

دانشگاه تهران

دانشگاه اخیراً در تهران تأسیس شده و شامل شش دانشکده و دو بنیاد آموزشی ضمیمه می‌باشد که عبارتند از دانشکده ادبیات، دانشکده پزشکی، باسبب آن، دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی و دانشکده علوم - دانشکده فنی و دانشکده معقول و منقول که دورشته را تشکیل می‌دهد.

دانشکده پزشکی مشتمل بر مدرسه عالی دندانسازی و مدرسه عالی دارو سازی و آموزشگاه پرستاری و مامائی نیز می‌باشد و بیمارستان های تهران ضمیمه آن می‌باشد - دانشکده فنی دارای چهار شعبه است.

برق و مکانیک - راه و ساختمان - معدن شناسی و شیمی - دانشکده علوم نیز دارای سه شعبه است ریاضیات - طبیعیات - فیزیک و شیمی و ضمناً دانش سرای عالی و هنر کده عبارتند از معماری - هنر های زیبا که ضمیمه دانشگاه است دانشکده ادبیات دارای پنج رشته است و دانشکده حقوق سه رشته دارد - دانشکده دامپزشکی نیز قرار شده ضمیمه دانشگاه شود - اکنون عده دانشجویان دانشگاه ۳۰۸۷ نفر می‌باشد - سایر مدارس عالی تهران یکی دانشکده کشاورزی در کرج است و آن نیز دارای چند شعبه است - آبیاری و سد سازی جنگلها - دفع آفات نباتی - شعبه ماشین های کشاورزی و شیار - بنگاه سرم سازی - اصلاح نباتات و مطالعات دامپزشکی هستند - و نیز هنر سرای عالی تهران که دارای دو شعبه نجاری و درودگری و مکانیکی و آهنگری می‌باشد اخیراً چندین دبستان و دبیرستان های دیگر در تهران دایر و افتتاح گردیده است کارخانهای که اخیراً در کشور تأسیس شده یکی کارخانه سیمان سازی و کارخانه گلسیرین و صابون سازی و دیگر کارخانه گوگرد و جوهر نمک - کارخانه کنسرو سازی در شاهی کارخانه کنسرو ماهی در بندر عباس - کارخانه روغن کشی در ورامین کارخانه

حریر بافی در چالوس - کارخانه چیت سازی در بهشهر - کارخانه نساجی و گونی ،
 بافی در شاهی - کارخانه اسلحه و مسلسل سازی در تهران - کارخانه قند و شکر
 در کرج - کارخانه قند در کهریزک - کارخانه قند مرو دشت فارس - کارخانه
 قند آبکوه مشهد - کارخانه قند شاه آباد غرب - کارخانه قند میان دو آب
 آذربایجان و کارخانه قند سازند در ارک میاشد و بهره برداری قند و شکر
 این کارخانها بواسطه کمی محصول چغندر در سال فقط سه ماه است. اکنون
 که این سطور را مینویسم جمعیت تهران طبق آخرین امار سرشماری
 هشتصد هزار نفر است .

در تهران کاخهای قدیمی تاریخی و تازه ساز زیاد وجود دارد که
 ساختمان آنها با اسلوب شایسته معماری انجام شده .

قم

پس از چند روز توقف در تهران عازم قم شدم از تهران بقم ۱۴۷
 کیلومتر است - در کهریزک ۲۰ کیلومتری تهران کارخانه قند سازی واقع
 شده و اولین بانای این کارخانه مرحوم علی خان امین الدوله بود که بنای
 کارخانه قند و شکر را در این محل نمود ولی روسیه تزاری بوسیله متنفذین
 تهران مانع اقدام نیک او شدند و عاقبت بدست مفسدین دیک بزرگ و سایر
 لوازم اساسی این کارخانه را عمدتاً خراب کرده و کارخانه را از بین بردند
 اکنون چندیست این کارخانه مجدداً مشغول کار شده است .

دهستانهای بین راه قم عبارتند از حسن ، باد - علی آباد - عسکر آباد
 محصول آنجا گندم - جو است و بقیه زمین های بین راه همه بدون کشت
 و اکثر شوره زار میاشد - شب هنگام وارد قم شده و بامداد بزیارت
 حضرت معصومه مشرف شدم بعد برای دیدن قبور بعضی از سلاطین صفوی
 از جمله شاه عباس ثانی - شاه سلیمان - شاه سلطان حسین و شاه صفی الدین و نیز
 آرامگاه فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار رفتم - در مقبره فتحعلی شاه یک لوحه

سنگی بنظر رسید که تاریخ شرح زندگانی و کارهای خود بر آن نوشته و تصویر او را بر سنک مرمر سفید نقش کرده اند برخی از شاهزاده گان از جمله کامران میرزا نایب السلطنه در این آرامگاه مدفون هستند. در مقبره محمد شاه چند پرده نقاشی ممتاز و يك صندلی منبت کاری دیده شد تصویر او نیز روی سنک مرمر نقش شده است مهد علیا مادر ناصرالدین شاه در اینجا مدفون است. نیز مقبره میرزا علی اصغر خان امین السلطان در قم میباشد چون امین السلطان بامر ناصرالدین شاه مأموریت تعمیر و مرمت حرم حضرت معصومه را داشته دست خط و فرمان شاه در خصوص تعمیر بارگاه اکنون در مقبره امین السلطان وجود دارد و تصویر او بر سنک مرمر عالی کننده شده است امین السلطان در دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه چند مرتبه بصدارت عظمی منصوب شد و در مسافرت های اروپا همراه آنها بود و سپس عزل گردید و بخارجه رفت در عهد زمامداری کوتاه محمد علی شاه مخلوع او را مجدداً به ایران احضار نمودند در ورود برشت مشروطه خواهان او را توقیف کردند ولی به امر و اجازه نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی از توقیف خارج و به تهران آمد و برئیس الوزرائی منصوب گردید روزی هندام خروج از مجلس بدست عباس نام صراف تبریزی کشته شد تاریخ بنای حرم حضرت معصومه در عهد صفویه بوده و مسجد جامع قم در دوره سلاجقه ساخته شده و تاریخ بنای مسجد در سال ۵۲۵ هجری است و در ۱۲۴۶ هجری تعمیر شده است. مقبره امام زاده علی بن جعفر که از کاشی کاریهای برجسته زیبا است در تاریخ ۷۴۰ هجری بنا گردیده و دیگر از بناهای قدیم در قم سه مقبره است که در سال ۷۶۱ هجری و مقبره شاهزاده ابراهیم در سال ۷۲۰ هجری در دوره صفوی ساخته شده. هوای قم بسیار گرم و آب مشروب آنجا قدری شور است رودخانه نزدیک قم عبور میکنند که آب آن در فصل تابستان بسیار کم و باعث کشمکش کشاورزان است و بعضی اوقات در زمستان سیلابی میگردد و این سیلاب بخانه های

اطراف سرایت کرده و باعث خرابی میشود .

محصول آنجا . گندم - جو ، حبوبات است اکثر اهالی قم فقیر و بیچاره و برخی نیز کشاورزند - شهر و خانه های قم هنوز بطرز قدیم باقی مانده ولی اخیراً در خیابان جدیدی در آنجا احداث شده است - گاراژ - دارهای قمی اغلب بیعاطفه و غارت گردند و غیر از بهای بلیط از مسافرن خواه نخواه و وجه علاوه دریافت میکنند و اکثر در موقع حرکت اتومبیلها دروغ میگویند و مسافرن را معطل مینمایند .

پس از دو روز اقامت در قم بطرف اصفهان حرکت کرده بقصبه دلیرجان که تا قم ۹۰ کیلومتر است رسیدم از آنجا تا قصبه میمه در حدود ۷۸ کیلومتر و از میمه تا قریه مورچه خورت ۴۷ کیلومتر و از مورچه خورت به اصفهان ۵۳ کیلومتر فاصله دارد محصول این دهستانها گندم - جو - حبوبات و میوه میباشد و آب فراوان دارند اکثر اهالی آنجا کشاورزند - قصبه مورچه خورت همان محلی است که در نزدیک آن جنگی بین نادرشاه و اشرف افغانی واقع شده و افغانها شکست خوردند - مسافت بین قم و اصفهان ۲۶۸ کیلومتر است و جاده صاف و هموار است ولی در بعضی جا دست انداز زیاد دارد که مرمت نشده است .

اصفهان

اصفهان از شهرهای قدیم و خوش آب و هوای ایران است پس از ورود به اصفهان برای تماشای میدان شاه یا نقش جهان که بهترین میدان های ایران است رفتم طول این میدان در حدود ۵۱۲ متر و مسجد شاه و مسجد شیخ لطف الله که آثار تاریخی و از بناهای شاه عباس بزرگ است در این میدان واقع شده - مسجد شاه در سال ۱۲۰۸ هجری بمعماری محمد رضا ابن حسین هشت سال بعد از فوت شاه عباس به اتمام رسیده و دارای منبری ۱۴ پله از سنگ مرمر است که از معدن اردستان آورده شده و در محراب این مسجد قرار دارد درب بزرگ آن نقره کوب است و در دالان مسجد

سنگ آب بزرگی یا خطوط خوب بر آن نقاشی شده و در بعضی از رواق های این مسجد شکاف هائی اکنون ایجاد شده که اینک مشغول تعمیر آنها هستند محمد شاه قاجار در سال ۱۲۰۹ هجری این مسجد را تعمیر نموده و ساختمانی برای طلاب علوم دینی در این مسجد بنا کرده است کاشی کاری مسجد شاه خصوصاً در سردرب بزرگ جلب نظر میکند و در زمره آثار تاریخی بسیار مهم ایران است و ساختمان این مسجد ۲۶ سال طول کشیده. مسجد شیخ لطف الله نیز در دوره شاه عباس بنای آن آغاز گردیده و کتیبه هائی بخط و نقاشی علی رضا عباسی خوشنویس معروف در آن دیده میشود و معماری محمد رضا ابن حسین بوده که از سال ۱۰۲۲ شروع بساختن آن کرده و در سال ۱۰۳۸ هجری خاتمه یافته است و کاشی کاری که در این مسجد بکار رفته در ایران نظیر ندارد. مسجد جامع اصفهان نیز از بنای قدیم است و در قسمت شمالی این مسجد صفا ایست مشهور بصفه صاحب که بصاحب ابن عباد نسبت میدهند و میگویند که در این صفا تدریس میکرده مسجد جامع در سال ۱۹۳ هجری در دوره منصور عباسی بنا گردیده و کاشی کاری محراب آن در زمان پادشاهی الجایتو خدا بنده در سال ۷۱۰ هجری ساخته شده نقشه و شکل دو طاوس کاشی کاری در ایوان سر در این مسجد وجود دارد که از شاهکاری صنایع ایران است مسجد جامع در زمان نظام الملک وزیر سلطان ملک شاه سلجوقی و نیز در دوره سیدالدین ساوجی در عهد سلطان محمد خدا بنده تعمیر و مرمت شده و طبق کتیبه که بخط کوفی در یکی از دهلیزهای این مسجد دیده شد در سال ۵۴۰ هجری قسمتی از ساختمان مسجد آتش گرفته که شاه اسماعیل صفوی آنرا تعمیر نموده است مسجد و مدرسه چهار باغ نیز از آثار باستانی ایران است که در دوره شاه سلطان حسین صفوی بنا شده که محل مدرسه را از باغ هشت بهشت مجزا ساخته و بازارچه و کاروانسرای جنب این مدرسه برای موقوفات مدرسه معین گردیده است بنا و صحن مسجد چهار باغ

در حدود ۸۵۰۰ متر مربع و دارای چهل و چهار حجره برای طلاب علوم دینی از جمله حجره موسوم به اطاق شاه سلطان حسین است در سال ۱۱۱۹ هجری این مسجد تعمیر شده و دارای موقوفات زیادی است دیگر از بناهای قدیم اصفهان مسجد عمر عبدالعزیز در طرف غربی مسجد جامع واقع شده و هنوز آثار آن باقیمانده که از قدیم ترین مساجد ایران است و نیز مسجد علی که در زمان شاه اسماعیل بنا گردیده است .

عمارت عالی قاپی در میدان شاه نیز یکی از آثار تاریخی ایران و دارای هفت طبقه میباشد و در طبقه چهارم حوضی از سنگ مرمر بنظر میرسد که روی آن از مس ساخته شده و در دوره صفویه آب از چشمه جوی سیاه از قریه فرح آباد که محل ییلاق صفویه بوده جریان داشته و از هزار جریب عبور میکرد بوسیله لوله وارد حوض میشده طبقه هفتم این عمارت جای ضیافت و مهمانی پادشاهان صفوی بوده و بسیار بلند است بطوریکه شهر اصفهان و باغهای اطراف از آنجا مشاهده میگردد درب بزرگ این عمارت رامیگویند شاه عباس بزرگ از نجف آورده و تصاویر و نقاشی های ممتاز در این عمارت دیده شد که اکنون بعضی از آنها از بین رفته و هنگام حمله محمود افغان به اصفهان خرابی زیاد بر این ساختمان وارد آمده بود - عمارت چهل ستون نیز که حرم سرای شاهان صفویه بوده یکی از آثار تاریخی است و يك قسمت این بنا در زمان شاه سلطان حسین آتش گرفته و خراب شده بود که به امر او مجدداً تعمیر گردید این عمارت دارای حوض بزرگی است که چهار مجسمه شیر دارد و آب از دهان شیرها خارج و وارد حوض میشود و دارای حیاط وسیع و اشجار کهن سال است دو مجسمه از گچ بنظر رسید که یکی از شاه اسماعیل و تاریخ آن ۹۳۰ هجری و دیگر مجسمه شاه عباس بزرگ و تاریخش در ۱۰۲۸ هجری بود. عمارت چهل ستون دارای بیست ستون میباشد چون این بنا در مقابل حوض بزرگی قرار دارد و عکس این بیست ستون که در آن می افتد

چهل ستون بنظر میرسد از این رو آنرا چهل ستون مینامند .

کاشی کاریهای اصفهان که خود از شاهکارهای صنعت ایران است هنگامیکه در پرتو زرین آفتاب قرار میگیرد درخشندگی و زیبایی نوینی مییابد که بر قشنگی آن می افزاید این شهر هنوز هم از مراکز صنایع ظریفه ایران است .

بنای عمارت چهل ستون در سال ۱۰۴۹ هجری پایان رسیده و دارای اطاقها و تالارهای بزرگ و تصاویر و نقاشی های بسیار عالی است از جمله نقاشی مجلس دربار شاه عباس است که بر تخت نشسته و سران سپاه و رجال در حضور او هستند و این مجلس ضیافت به افتخار عبدالمهین امیر بخارا داده شده است . دیگر نقش شاه عباس ثانی است که با حضور ایلچی و نماینده پادشاه مغولیه هندوستان برداشته شده و مجلس عیش و طرب را نشان میدهد که مطربان و نوازندگان مشغول رقص هستند . دیگر نقش میدان جنگ نادرشاه با محمدشاه هندی است این نبرد در محل موسوم بکرنا واقع شده و محمدشاه بر فیل سوار است و نادرشاه بر اسب و مشغول جنگ هستند این نقش بعد از دوره صفوی در عمارت چهل ستون ترسیم شده چنین بنظر میرسد که این میدان جنگ خیالی است زیرا در تاریخ هند و جنگ های نادری دیده نمیشود که محمدشاه هندی شخصاً بمیدان جنگ حاضر شده باشد و بعد از جنگ هائی در چند میدان و در حومه شهر دهلی که بین سپاه نادری و لشکریان هندی بسر داری سعادت علی خان واقع گردید هندیان شکست خورده و منهزم گردیدند در آن هنگام بنا بصلاح دید سعادت علی خان محمد شاه هندی بحضور نادرشاه آمده و شمشیر خود را تسلیم او نمود نادرشاه با آغوش باز او را پذیرفته و شمشیر را به محمد شاه باز داد و پیمان مودت بین آنها بسته شد و در دربار عام شهر دهلی او امر لازم در اطاعت از محمد شاه به تمام سرداران و بزرگان هند صادر نمود از نقاشی های دیگر عمارت چهل ستون میدان جنگ چالداران است که شاه اسماعیل صفوی

با سلطان سلیم پادشاه عثمانی که مشغول زد و خورد هستند و نقش دیگر تصویر شاه طهماسب اول است که بافتخار همایون شاه هندی مهمانی مجللی برپا نموده و این هنگامی است که همایون شاه برای کمک و مساعدت به شاه طهماسب پناه آورده است و دیگر نقش شاه عباس ثانی که با عبدالعزیز خان پادشاه ازبک در هرات مشغول جنگ میباشد و نیز تصویر ناصرالدین شاه و بعضی از تصاویر سلاطین و سفرای خارجه در ایوان طرف جنوب عمارت چهل ستون مشاهده شد که فوق العاده جالب توجه بود. از بناهای قدیم اصفهان یکی پل ۳۳ چشمه است که الله وردی خان آنرا ساخته و دیگری پل ۲۸ چشمه خواجه است که در دوره شاه عباس ثانی ساخته شده است و هر دو روی رودخانه زاینده رود بنا گردیده و بسیار بلهای مستحکمی میباشد. پادشاهان صفوی بیشتر دارای ذوق و سلیقه صنایع داشته و معماری در دوره آنها بجائی رسیده بود که کمتر در تاریخ ایران سابقه دارد و نیز تزیینات کاشی کاری و مینا کاری و قالی بافی و انواع پارچه هازری و ابریشمی در دوره اکثر آنها بحد کمال رسیده بود و در بین آنها شاه عباس بزرگ بیش از همه مشوق هنر و مروج صنعت بوده و بناهای این پادشاه یکی خیابان چهار باغ و میدان نقش جهان و مسجد با عظمت شاه و مسجد شیخ لطف الله و کاخ های عالی قاپی و چهل ستون و پل ۳۳ چشمه و ساختمانهای عمارات در قزوین و گنبد و بارگاه حضرت رضاع و دیگر از آثار نیک او کاروانسرای بسیار عالی در برخی از نقاط کشور میباشد.

و از بناهایی که شاه اسماعیل صفوی ساخته یکی مسجد جامع در شهر ساوه میباشد که تاریخ بنای آنرا در ۴۰۵ سال هجری بوده اگر چه قسمتی از بنای این مسجد اکنون از بین رفته ولی گنبد زیبای آن که باکاشی های فیروزه رنگ بسیار ممتاز و محراب این مسجد با گچ بری برنگ های مختلف ساخته شده تاکنون باقیمانده است و دیگر مسجد میدان ساوه است که تاریخ آنرا در سال ۴۵۳ هجری بنا گذارده و نیز کاشی کاری

مسجد جامع و مسجد علی در اصفهان میباشد. اگر چه شاه طهماسب صفوی بکتاب و صنعت قالی بافی بیشتر از معماری اهمیت میداد با وجود آن بعضی ساختمان‌هایی در دوره پادشاهی خود انجام داده است کاخ عالی قاپی و مسجد قزوین از بناهای او هنوز بجا مانده و دیگر بناهای او آرامگاه شیخ صفی‌الدین در اردبیل بیش از آنکه شاه عباس آنرا تکمیل نماید. از آثار قدیم و عجیب دیگر در اصفهان منارجنبان در قریه کلادان واقع در شش کیلومتری اصفهان است این ساختمان عبارت از دو ایوان و دو منار میباشد و گویا سیصد سال پیش این دو منار به ایوان‌ها اضافه شده و مقبره عمو عبدالله بن محمود صفلابی که مسلک و مرام صوفی داشته در اینجا واقع است تاریخ وفات او در سال ۷۱۶ هجری بود. بنای منارجنبان از آجر و گچ ساخته شده.

در موقع جنباندن این دو منار مانند آنکه زمین زلزله‌واقع شده باشد بحرکت در می‌آیند. سید جمال متولی این مقبره حرکت منارجنبان را از کرامات عمو عبدالله بن محمود صفلابی میدانند. قریه کلادان محل خوش آب و هواست. در گورستان معروف به تخت فولاد واقع در هزار جریب آرامگاه ابدی خانواده خوانین محترم بختیاری از جمله مرحوم حاج علی قلی خان سردار اسعد فقید فاتح تهران و مرحوم صمصام الدوله و بعضی از خوانین بختیاری واقع شده نیز مقبره عالم فقیه میرزا ابوالقاسم فندرسکی که تاریخ وفاتش در سال ۱۰۵۰ هجری بوده و مقبره مرحوم صاحب‌ابن عباد و خواجه نظام‌الملک که از مشاهیر ایران بودند در تخت فولاد واقع شده است.

روز ۱۳ صفر بر حسب وقتیکه تعیین شده بود برای دیدن آثار باستانی به چهل ستون رفتن اشیاء عتیقه آنجا عبارت بود از سه جلد قرآن مجید یکی بخط حضرت امام حسن ۴ و دیگری بخط حضرت سید سجاده و دیگری بخط شمس‌الدین بن محمد سعید جیلانی است که در سال ۱۱۱۹ هجری

نوشته شده است و دیگر يك نسخه طومار بخط گوفی که در سال ۴ هجری بدست خط هشام بن عطب بن ابی وقاص بود و این طومار صورت قرار دادیست که در دیر حزقیل ذی الکفل بین حضرت علی و با چهل نفر از دعوات و کشیش های مسیحی رومیه بسته شده که مسیحیان هر ساله نفری سی و سه درهم و هیجده نخود جزیه بدهند و در پناه حفاظت و امان هادیان اسلام باشند. میگویند شاه عباس این طومار را از خزینه حضرت امیر و از نجف باصفهان آورده از دیدن این طومار که دال بر عظمت دین اسلام در صدر اسلام بوده نویسنده را بیاد ذلت و بیچارگی کنونی و عقب افتادگی امروزه مسلمانان انداخت. از آثار قدیم دیگر لباده و خرقة شیخ صفی الدین اردبیلی بود بنای آرامگاه شیخ صفی الدین در اردبیل است که در دوره شاه عباس و بعد از او شاه طهماسب آنرا ساخته نیز مقبره شاه اسماعیل در آنجا واقع است و يك بنای قدیم و تاریخی است این ساختمان دارای يك اطاق گنبد مانند است که در دیوارهای اطراف آن گنجه هایی برای نگاهداری اشیاء عتیقه و ظروف چینی و بلور نفیس و گرانها وجود دارد. این آرامگاه گذشته از اینکه یکی از شاهکارهای معماریست مرکز مجموعه از بهترین آثار صنعتی ایران است.

روز دیگر برای تماشای کارخانه پارچه بافی وطن که مرحوم حاج محمد حسین کازرونی در سال ۱۳۰۲ خورشیدی تأسیس نموده رفتیم اکنون مدیر کارخانه آقای محمد جعفر کازرونی فرزند آن مرحوم است این کارخانه چهار نفر مکانیک اروپائی و ۳۰۰ نفر کارگر دارد و روزانه در حدود يك خروار پشم میرسد و همه قسم پارچه های پشم و نخ پشم میافند و سوخت کارخانه از روغن مذذاب میباشد که از خشخاش و گیاه دیگر موسوم به کیسکج بدست می آید و حرارت آن به ۹۰ درجه میرسد ولی اکنون که این سطور را مینویسم کارخانه وطن در تمام شئونات اداری و فنی ترقی نموده بطوریکه نسبت بمشاهدات چند سال پیش قابل مقایسه

نیست. تعداد کنونی کارگران از زن و مرد در حدود ۱۴۰۰ نفر است و تمام قسمت های کارخانه بدست کارگران فنی ایرانی اداره می شود - محصول کارخانه در ۲۴ ساعت در حدود ۳۰۰۰ متر پارچه های پشم نخ می باشد و دستگاه بافندگی این کارخانه ۱۲۰ دستگاه و قوای محرك کارخانه بقوه دو هزار اسب است که همه وقت نصف آن مشغول کار است .

اکنون سوخت کارخانه بانفت سیاه و روغن کازالین تأمین میشود و مقدار مصرف پشم روزانه در حدود ده خروار و مقدار نخ پنبه در روز هفصد کیلو و مقدار سوخت در روز در حدود يك هزار لیتر میباشد رنگ های مصرفی این کارخانه اکنون از سویس وارد میگردد ولی پیش از جنگ رنگ های آلمانی مصرف میشده پارچه های بافت این کارخانه اکنون در داخله کشور بفروش میرسد - در اصفهان کارخانه های بافندگی دیگر از جمله کارخانه ریسباف - کارخانه پشم باف - کارخانه صنایع پشم - کارخانه زاینده رود - کارخانه نخ تاب - کارخانه نخ باف شهرضا - و دیگر کارخانه ریسندگی برق که هم نخ ریزی و پارچه بافی است وجود دارد در حقیقت اصفهان يك شهر صنعتی شده و آرزو مندم روزی این شهر مانند منچستر انگلستان مشهور گردد - در اصفهان قالی های خوب میافند و یکی از صادرات عمده آنجا است - محصول اصفهان گندم - جو - حبوبات - پنبه - تریاک - تنباکو و بادام و خوشکبار میباشد اکثر اهالی این شهر صنعت پیشه و کشاورزند صنایع اصفهان از جمله قلم زنی و مینا کاری در ایران مشهور است جمعیت اصفهان را در حدود یکصد و بیست هزار نفر میگویند و دارای ۴۸ دبستان و ۳۵۴۰ دانش آموز است شماره دانش آموزان نسبت به تعداد نفوس این شهر بسیار کم است - مدرسه مرسلین و مریضخانه مرسلین در سال ۱۲۹۴ خورشیدی از وجوه خیریه انگلستان تأسیس شده این مدرسه اکنون دارای شش نفر آموزگار و ۱۸۰ نفر دانش

آموز است اکثر شاگردان این مدرسه پس از خاتمه تحصیلات خود در شرکت نفت انگلیس و ایران وارد خدمت میشوند و شعبه های مدرسه مرسلین در یزد و کرمان و شیراز نیز دایر گردیده است - اصفهان از حیث ابنیه و خیابانها نسبت به پیش بسیار ترقی نموده و بهترین خیابان آنجا خیابان چهار باغ میباشد که اطراف آن درختهای کهن سال تاهزار جریب امتداد دارد - اکنون روزنامه اخگر و روزنامه عرفان در اصفهان منتشر میگردد مدیر جریده عرفان که جوانی است دانشمند و مین پرست نسبت بنویسنده کمال مرحمت ابراز داشتند. ۱۴ روز در اصفهان توقف نمودم سپس بعزم شیراز حرکت کردم مسافت از اصفهان به شاه رضا در حدود ۸۱ کیلومتر میباشد شاه رضا همان قمشه سابق است که اکنون نسبتاً آباد شده و اخیراً کارخانه نخ تابی در آنجا تأسیس گردیده از شاه رضا گذشته وارد ایزد خواست شدم این قصبه در دره روی صخره بزرگی بطول چند کیلومتر قرار گرفته و خانه های گلی روی این صخره ساخته شده که بوسیله يك پل و يك دروازه بداخل قریه راه دارد و شبها این درب بسته میشود و سکنه آنجا از دستبرد دزد ها ایمن هستند این قصبه دارای يك گردنه تنك خطرناکی است. اکنون که این سطور را مینویسم خانه های قصبه ایزد خواست در جلگه مسطح نزدیک دره بتازگی ساخته اند و خانه های گلی روی صخره خالی از سکنه میباشد - در حقیقت قریه ایزد خواست در پیش و ضعیف شگفت آوری داشته و نظیر آن در ایران کمتر دیده شده .

از شاه رضا تا ایزد خواست ۶۰ کیلومتر است و از آنجا تا آباده در حدود ۶۳ کیلومتر مسافت دارد. دهستانهای بین راه عبارتند از جعفر آباد مقصود بك - امین آباد از این دهستانها گذشته بعد از ظهر وارد آباده شدم مسافت از اصفهان تا آباده ۲۰۴ کیلومتر میباشد و جاده کاملاً صاف و هموار است .

آباده

شهر آباده اول خاك فارس از طرف شمال است این شهر از حیث خوبی آب و هوا و زراعت قابل تمجید میباشد اشجار و میوه فراوان دارد که از آب قنات مشروب میشود - مهمانخانه نوین آباده محل باصفائی است این شهر اکنون دارای يك دبستان و عده کمی دانش آموز است محصول آباده گندم - جو - ذرت - حبوبات - پنبه و تریاک و خشکبار است و اهالی اکثر کشاورزان صنعت‌مینا کاری و گیوه سازی در آباده مشهور است - از آباده به سورمق ۲۲ کیلومتر و از آنجا تا قریه خان خره ۳۶ کیلومتر مسافت دارد خان خره محل بسیار بدی است و جمعیت کمی دارا میباشد اهالی همه فقیر و بیچاره هستند چشمه آب گوارائی دارد پس از ساعتی توقف از این قریه حرکت کرده وارد ده بید شدم مسافت بین خان خره و ده بید در حدود ۲۸ کیلومتر میباشد راه خراب مخصوصاً در گردنه کولی کش بسیار ناهموار است در فصل زمستان اکثر این راه یخ بندان میشود که در بعضی مواقع برای اتو بیلها خطرناک است قصبه ده بید روی تپه واقع است و ارتفاع زیاد دارد بهمین سبب در فصل زمستان در اینجا یخ بندان و بسیار سرد میشود این قصبه دارای يك کاروانسرای بزرگ و چشمه آب شیرین است عمده محصول آنجا گندم و جو است اهالی همه کشاورزان - از ده بید حرکت کرده به قادر آباد رسیدم و از آنجا گذشته وارد قصبه سعادت آباد شدم محصول قادر آباد گندم - جو - حبوبات و تریاک است که از آب رودخانه مشهد مرغات مشروب میگردد تنگ و گردنه قادر آباد و سعادت آباد در تاریخ فارس معروف است و از نقاط مخوف و خطرناک میباشد اکثر دزدیها و راه زنیها بین اصفهان و شیراز مخصوصاً در محل آب باریک نزدیک قادر آباد واقع میگردد و بین پست های امنیه فاصله زیادی وجود دارد و عده نفرات امنیه مأمور این دو گردنه بسیار کم هستند و در سال اغلب مسافرن

درین این دوگرتنه خطرناك بوسیله راهزنها از هستی ساقط میشوند خوب است اداره كل امنیه كشور باین قسمت راه توجه مخصوص نماید .

مسافت بین ده بید تا قادرآباد ۵۰ کیلومتر و از قادرآباد تا قصبه سعادت آباد ۲۹ کیلومتر است - در سعادت آباد چند ساعت توقف کردم و از آنجا بطرف قریه - میوند حرکت نمودم این قصبه آب و میوه فراوان دارد و محصول آن گندم - جو و حبوبات است از سیوند گذشته وارد قریه رزقان شدم و ۵۶ کیلومتر راه براحت طی نمودم - رزقان در دامنه کوه واقع شده اهالی این قصبه اکثر کشاورزند و برخی پله ورنند از رزقان تا شیراز ۳۰ کیلومتر است - مسافت بین اصفهان و شیراز ۴۸۰ کیلومتر میشود - و راه صاف و هموار ولی در بعضی جاها دست انداز زیاد وجود دارد که تعمیر نشده است .

تخت جمشید

از رزقان گذشته وارد استخر شدم از پله های پرس پلیس بالا رفته وارد محوطه تخت جمشید شدم در چند سال پیش هیئت انجمن باستان شناسی امریکائی مشغول کشفیات و حفاری در تخت جمشید بودند و اشیاء فلزی و سفالی زیاد و چند مجسمه کوچک سنگی و کوزه های بزرگ محتوی اسكلت های قدیم مخصوصاً چند لوحه های نقره و طلا که با سه خط داریوش نام خود و پدرش کشتاسب را در آنها نوشته است اکنون آنها را بموزه ایران باستان بتهران انتقال داده اند و در چند محل دیوارهایی را که منقوش با تصاویر و اشکال مختلف است از زیر خاک بیرون آورده اند. فرهاد میرزا معتمدالدوله والی فارس نیز در سال ۱۲۵۴ خورشیدی برای دیدن تخت جمشید آمده و بدستور او بعضی از آثار قدیم را از زیر خاک بیرون آورده اند و شرح حفاری خود را روی سنگی کنده و بیادگار گذارده است - دیواری که در قدیم اطراف عمارات پرس پلیس کشیده بودند در حدود يك کیلومتر

طول و ۱۳ متر ارتفاع داشته و در سر در بزرگ عمارت مجسمه چهار حیوان بالدار و لوحه بخط میخی در اینجا است که این عبارت روی آن نوشته شده است «خشیار بزرگ شاه شاهان کشور های ملل مختلف و شاه این سرزمین پهناور بیاری اهورا مزدا من که نماینده تمام کشور های او هستم ساخته و چیز های دیگر نیز من و پدرم بنا کردیم و هر ساختمانی که دارای منظره زیبا است اثر بیاری اهورا مزدا ساخته ایم.»

در جنوب شرقی این سردر تالار بزرگی که گویا در بار عام بوده و در دوره باستانی بنام آبا دانا موسوم بود و تالار چهار گوشه دار بوده که هر ضلع آن به شصت متر میرسیده و سقف آن بر پایهای ۳۶-۳۷ تون که هر يك ۱۸ متر بلندی داشته بنا شده بود و اطراف این تالار اطاق های کوچکی وجود داشته که طبق کتیبه های موجوده خشیارشا و اردشیر سوم آنها را مرمت و بر وسعت آن افزوده اند - تصویر داریوش بزرگ که روی تخت نشسته و ملازمان پایه های تخت را نگاه داشته اند نیز جای دیگر او بر روی صندلی نشسته و پاسبانی چتر بر سرش نگاه داشته دیگر تصویر داریوش است که بر اسب سوار است و ملازمان در جلو و عقب او در حرکت میباشند و خواجه سرایان کاسه هائی در دست دارند - علاوه بر صور انسانی و حیوانی اشکال و اشیاء مختلف در استخر بنظر میرسد از جمله کالسکه است که اسب باو بسته شده و نیز اقسام آلات و ادوات جنگ روی سنگها منقوش است و دیگر تصویر حیوانی است عجیب الخلقه که سری مانند شیر و دم و پائی چون جنگال عقاب دارد و انسانی خنجر بی شکم این حیوان فرو کرده است مرحوم فرصت الدوله مؤلف کتاب اثار عجم مینویسد چنین حیوانی در جهان وجود نداشته و این حیوان را تشبیه به نفس اماره و سرکش انسان نموده و انسانی که خنجر بشکم این حیوان فرو برده تشبیه به عقل سلیم انسان نموده است دیگر از اثار و بنا های پارس پاپس که اکنون باقیمانده یکی سردر بزرگ خشیارشا و دیگر تالار صد ستون و قصر

داریوش «عمارت آئینه» و بعضی بناهای دیگر که بعد از داریوش ساخته شده - در محوطه تخت جمشید ۱۵ ستون بنظر رسید که هر يك از نه پارچه سنك است که بر روی هر ستونی کله گاوی از سنك ساخته شده ولی اکنون خراب و از بین رفته است. در دامنه کوه در محوطه استخر دو دخمه دیده شد در دخمه اول دو تابوت از سنك بود و در دخمه دوم شش تابوت که همه آنها خالی بودند در بالای سر این دخمه‌ها تصویر داریوش بنظر میرسد که بر تخت نشسته و تیر و کمانی در دست دارد و آتشکده مقدس در جلو او و نقش ملك فروهر بالای سرش می‌باشد و در پائین تخت تصاویر غلامان و ملازمان است که پایه های تخت را بدست گرفته اند و زیر این تصاویر نقش سپاهیان و شیر هائی وجود دارد. در تخت جمشید چند لوحه های سنگی بخطه یخی دیده شد که بنای استخر را داریوش و پسرش خشایارشا نموده است. عمارت تالار آینه و کاخ صد ستون در حمله اسکندر رومی آتش گرفته و ویران شده ولی آثار آنها اکنون باقیمانده است.

از سیاحان و نمایندگان خارجه که به استخر آمده اند یکی «سرجان ملكم» سفیر انگلیس که از طرف حکومت هندوستان در سال ۱۸۰۰ میلادی بدر بار فتحعلی شاه آمده نام خود را در آنجا نوشته است.

«سرجان ملكم» برای مرتبه دوم در سال ۱۸۱۰ میلادی بدر بار فتحعلی شاه آمد و قرار داد بر آنکه «هارد فورد بریج» وزیر مختار دولت انگلیس منعقد نموده بود با امضاء فتحعلی شاه رسانید در خصوص مأموریت خود به ایران مینویسد:

«ده سال از تاریخ اولین مسافرت من بایران میگذرد در این مدت در حوادث ایران تغییرات کلی پیدا شده روسها از شمال قفقاز بکرانه رود ارس پیش آمده اند - ناپلئون نقشه کشیده بود که خرس روسیه و شیر ایران را زنجیر کرده آنها را بارابہ جنگی خود ببندد و در جلگه های حاصلخیز هندوستان به ترک تازی مشغول شود» سرجان ملكم پس از انجام

مأموریت خود در ایران از شغل خود استعفا نمود و بجای او «سر ویلیام کور او زلی» بسمت نمایندگی سیاسی انگلیس در ایران منصوب گشت. و دیگر «هرمن ناردن» امریکائی صاحب کتاب زیر آسمان ایران و پروفوسور «مکسی مولن» آلمانی در ۱۹۲۵ میلادی برای تماشای این آثار باستانی آمده اند.

پروفوسور نامبرده نیز بجزیره خارک رفته بود و دخمه هائی در کوه خارک دیده است نویسنده او را در بندر گناوه ملاقات کردم او عقیده داشت در هفتصد سال پیش عیسویانی در جزیره خارک اقامت داشتند و میگفت که علامات و آثاری از جمله صلیبی از زیر خاک در آن جزیره بدست آورده بود نویسنده گمان دارد منظور او پرتقالیا و هلندیها باشند که در چند قرن پیش برای تجارت بخلیج فارس آمده بودند و چندی در جزیره خارک سکونت داشته اند. در شمال غربی تخت جمشید نقش رستم واقع شده قسمت پائین بشکل مربع مستطیل عاری از نقش و نگار است ولی در قسمت میانه نقوش و تصاویر بسیاری است از جمله نقش داریوش که بر تخت نشسته و دست راست خود را بطرف آتشکده دراز نموده است و نقش ملک فر و هر بالای سر او و در کنار آن نقش خورشید نمایان است و تخت داریوش را ۲۸ نفر بر دوش گرفته اند و کتیبه بخط میخی دارد که داریوش شرح زندگانی و پیروزیهای خود را نگاشته است و نیز نقش شاپور اول که «والرین» امپراطور روم را اسیر نموده و او زانو بزمین زده است و نیز نقش اردشیر و اهورا مزدا که هر یک سوار اسب هستند و رو بروی یکدیگر قرار دارند و اهورا مزدا عصائی در دست دارد و تاج شاهی به اردشیر عطا میکند و زیر پای اسب اردشیر تصویر اردوان پنجم اشکانی و نقش دو نفر که مشغول جنگ هستند مشاهده میشود در حقیقت این نقوش عظمت پادشاهان هخامنشی را بیاد هر مسافر می آورد - نقش رستم در شش کیلومتری تخت جمشید واقع است.

سپس برای دیدن بند امیر که از بناهای تاریخی امیر عضدالدوله
دیلمی میباشد رفته در اینجا عضدالدوله سدی روی رودخانه کر بنا کرده
که دارای چند چشمه است و چهار چشمه آن با درب های آهنی بسته شده
و اکنون زیر آب پنهان است این سد جریان آب را از مجرای خود منحرف
میسازد و برای کشاورزی بکار میرفته هرگاه وزارت کشاورزی توجه بسد
نامبرده نموده و آنرا از نو تعمیر و مرمت کند چندین فرسنگ اراضی مرو
دشت را قابل استفاده هر قسم زراعت خاصه چغندر کاری خواهد نمود و
مردم فارس را از قحط و غلا و بیچارگی نجات خواهند داد .

از بند امیر گذشته وارد مرو دشت شدم و کارخانه قند سازی را
تماشا نمودم و از پل سنگی رودخانه پل خان عبور کرده وارد دره الله اکبر
شدم و لحظه زیر طاق قران توقف کردم در اینجا بنائی است موسوم بزیر
قران و روی این طاق کوچکی است که در آن دو جلد قران بزرگ در
صندوق گذارده بودند و مسافرین زیر آن عبور میکردند .

روزهای اول هر ماه رسم بود که اهالی شیراز ازدحام نموده از
زیر قران عبور میکردند ولی اکنون که این سطور را مینویسم این بنا را
خراب کردند و دو جلد قران مجید را در موزه ملی شیراز گذارده اند .
در نزدیک طاق قران محلی است موسوم بمشرقین که دارای چشمه آب
گوارا است و تصویر رستم زال بنظر میرسد که با تیر و کمان شیری را
کشته است و نیز نقش فتحعلی شاه که بر تخت نشسته و یکی از شاهزادگان
در عقب سراو و خواجه سرائی در جلو او ایستاده اند اکنون این تصاویر خراب
و از بین رفته است .

در دشت مرغاب آثار قدیم شهر بازار گاد پای تخت پادشاهان هخامنشی
وجود دارد و محل آرامگاه کورش بزرگ است این آرامگاه عبارت از دخمه
است که با سنگهای تراش و نقش کورش روی آن کنده شده و بخط میخی
نوشته شده « کورش پادشاه بزرگ هخامنشی »

شیراز

از دره الله اکبر دورنمای شیراز باشکوه و جالب نظر میباشد شهر شیراز در دشت و جلگه قرار گرفته و سبدهای سید میراحمد شاه چراغ و امام زاده میرمحمد و امامزاده سید علاءالدین حسین که هر سه از فرزندان امام موسی کاظم هستند بر جلوه و صفای شهر افزوده است. از آثار و بناهای قدیم شیراز یکی قصر ابوالنصر میباشد که در دوره سامانیان بنا شده و دارای چند ستون و چهار طاق میباشد که هر یک از سه پارچه سنگ ساخته شده و تصاویر و نقوش زیادی در آنجا بنظر میرسد در دو فرسنگی شیراز نیز نقش بهرام گور واقع شده که براسب سوار میباشد و حلقه در دست دارد که آنرا تسلیم سوار دیگر میکند و نیز بنای قدیم تخت ضرابی است که اکنون خراب و ویرانه است - دیگر از بناهای قدیم شیراز مسجد جامع است در وسط این مسجد ساختمان کوچکی بطرز مسجد الحرام ساخته اند و سنگ سیاهی در وسط آن قرار دارد این بنا موسوم بخدای خانه و در دوره شاه شیخ ابوالحق اینجو ساخته شده و خود ساختمان مسجد در زمان عمرولیت صفاری در سال ۲۸۱ هجری بنا گردیده و در عهد صفوی چند بار تعمیر شده اکنون این مسجد خراب شده و مشغول تعمیر و مرمت آن میباشد - از آثار قدیم و تاریخی در شیراز مسجد و حمام و بازار وکیل است که هر سه از بناهای کریم خان زند شهریار دادگستر ایران میباشد - مسجد وکیل دارای ۴۸ ستون هر یک از دو پارچه سنگ و در آنجا منبر ۱۳ پله از سنگ مرمر و نیز کاشی کاری بسیار عالی در آنجا بکاررفته است مسجد نونیز از مساجد قدیم است که بنای آنرا ابو بکر سعد زنگی معاصر شیخ سعدی گذارده و دارای آب جاری و درخت های کهن سال میباشد اکنون این مسجد رو بنخرابی است - چاه مرتاض علی و گهواره دیو و مقبره بابا کوهی عارف مشهور نیز از آثار قدیم است لوحه تاریخ وفات او بخط کوفی نوشته شده

این مقبره در وسط کوه در شمال شیراز واقع است و چشمه آب گوارائی در اینجا وجود دارد و محل باصفائی است - مقبره شاه داعی الله که از فقها بوده و معاصر خواجه حافظ میباشد و نیز آرامگاه سید ابوالوفا و قطب راوندی و ملا صدرا که از مشاهیر عرفا و فضلاء ایران بودند در شیراز واقع است. آرامگاه خواجه حافظ شمس الدین محمد معاصر با آل مظفر امیر تیه و رگور کانی در سال ۱۱۸۰ هجری کریم خان زند ساخته و سنگ مرمر روی آن قرار دارد اکنون تعمیر شده دارای صحن وسیع و درختان نارنج و گلکاری و مانند قلب آن شاعر نامی باصفا است اهالی شهر روزهای جمعه برای زیارت بحافظیه میآیند تاریخ وفات حافظ اینست.

چو در خاک مصلی یافت منزل بجزو تاریخش از خاک مصلی بحساب ابجد سال ۷۹۱ هجری میشود - آرامگاه شیخ مشرف الدین سعدی در يك فرسنگی شیراز است بنای ساختمان آن قدیمی و اکنون رو بخرابی گذارده و دارای قنات آب و چند درخت های سرو کهن سال میباشد. طبق کتیبه سنگی که بخط کوفی است و نیمی از آن از بین رفته وفات سعدی در شب جمعه ماه شوال در سال ۶۹۱ هجری بوده بسیار جای تأسف است که فرهنگ فارس در تعمیر ساختمان سعدی تا کنون توجهی نکرده و بحفظ آثار ملی اقدام ننموده است پروفوسور «ادوارد برون» مستشرق مشهور انگلیسی عکس شیخ سعدی را که دارای کلاه تاتاری است و نسخه اصلی این عکس در موزه کتابخانه لندن است با آرامگاه سعدی فرستاده - از بناهای قدیم دیگر در شیراز هفت تن و چهل تن معروف است و میگویند که در هفت تن هفت نفر و در چهل تن چهل نفر از درویشان و مرتاضین مدفونند بنای این ساختمانها در دوره صفوی بوده و بعد کریم خان زند آنها را تعمیر نموده است و سنگهای مرمر در آنجا بکار رفته است چند تصاویر و نقاشی دارد از جمله يك تصویر منسوب بخواجه حافظ و دیگر منسوب بشیخ سعدی و دیگر تصویر حضرت ابراهیم خلیل و فرزند

او اسماعیل است و تصویر حضرت موسی با چند گوسفند و نیز تصویر شیخ
صنعان بامریدان و دختر مسیحی، مشوقه او میباشد این تصاویر در هفت
تن وجود دارد ولی در ساختمان چهل تن تصاویر و نقاشیهای آنجا همه
محو و از بین رفته و بنای آن مخروبه و دارای چند درخت سرو کهن سال
میباشد قلعه ارک از بناهای کریم خان زند است و در درون آن چند عمارت
وجود دارد و تالار بزرگی با کاشی کاری بسیار زیبا بکار رفته و از ابنیه
تاریخی شیراز بشمار میرود نیز بازار و کیل نه فقط یکی از بهترین
بازارهای ایران است بلکه میتوان گفت از حیث ارتفاع و استحکام بنا در
ایران نظیر ندارد نیز خیابان وسیع زند و میدان فلکه بر صفا و طراوت این
شهر افزوده است. - موزه ملی در باغ کریم خان زند حاوی اشیاء عتیقه
و ظروف مسی و سفالی عهد قدیم است چند تصویر و نقاشی های ممتاز از
جمله تصویر کریم خان زند بالباس قدیم در حالیکه روی زمین نشسته قلیان
میکشد و چند نفر از نزدیکان او اطرافش ایستاده اند و چند جلد قرآن مجید
بخط کوفی و کتب خطی قدیم و مرفعات بخط خوشنویس های فارس
و قلمدان های طلا کوب نفیس و نیز شمشیر کریم خان زند در این موزه بنظر
رسید. شهر شیراز نسبت به چند سال پیش آباد شده دو مریضخانه عمومی که
دارای چند تخت خواب و بارخانه نساجی در اینجا وجود دارد. - جمعیت شیراز
در حدود صد هزار نفر میگویند و دارای ۲۵ دبستان و ۲۹۳۰ نفر دانش
آموز که نسبت به نفوس این شهر بسیار کم است. - محصول فارس گندم -
جو - حبوبات - برنج - پنبه - تنباکو - تریاک و چغندر میباشد آب برای
کشاورزی کمیاب است. اهالی شیراز عموماً زود آشنا و مهمان نواز هستند
هوای شیراز لطیف و معتدل و آب مشروب آن از قنات ولی کشیف است
اطراف شهر باغهای زیاد احاطه نموده و بسیار باصفا است. این شهر بواسطه
مناظر طبیعی و باصفا در ایران بی مانند است عمده صادرات فارس تریاک
قالی - کتیرا - صمغ عربی و خشکبار و پشم و پوست است که از راه بندر بوشهر

بخارجه فرستاده میشود .

هر گاه قنات های قدیم خارج از شهر پاك و تعمیر شود آب فراوان برای کشاورزی بدست میآید - و این وظیفه شهرداری است که اعتبار آن را در نظر گرفته و بمرکز پیشنهاد نماید - اکثر مردمان این شهر بیکار و برای امور معاش خود سرگردانند .

از شیراز بعزم کازرون حرکت کردم و از قریه خانه زنیان عبور نموده وارد قصبه دشت ارزن شدم این قصبه در جلگه صاف و مسطحی واقع است و اطراف آن کوه های مرتفع از جمله کتل پیرزن که در حدود ۷۴۰۰ پا ارتفاع دارد احاطه کرده و چند چشمه آب از کوه جاری شده و وارد جلگه دشت ارزن میگردد که بدون فایده میماند و به باتلاقها میریزد - از کتل های پیرزن و ملو (ملعون) که صعب العبور و خطرناک است گذشته وارد دشت کازرون شدم دریاچه پریشان در این دشت نزدیک قریه پل آبگینه واقع شده مسافت از شیراز تا کازرون ۱۱۹ کیلومتر میباشد و جاده کوهستانی و ناهموار است و اکثر دزدیها و راه زنی ها در این محل واقع میگردد - پست ارتباط امنیه در فاصله زیادی قرار دارد نقاطیکه بین شیراز و بوشهر خطرناک و دزدکاه است در سینه سفید بین شیراز و خانه زنیان و در پل آبگینه نزدیک کازرون و در گردنه رودك نزدیک کمارچ و در سرپل دالکی و نیز در تپه های نمازگاه بین دالکی و برازجان میباشد .

کازرون

کازرون در پیش بسیار آباد بوده ولی اکنون ویرانه ییش نیست شهر است کثیف و اکثر خانه های آن مخروبه میباشد مردم این شهرداری هوش سرشار میباشد و با اینکه در تنقیه و اصلاح قنات مهارت دارند با این وصف آب این شهر بسیار کم و اکنون آب مشروب کازرون از قنات خیر آباد است محصول آنجا گندم - جو - حبوبات - برنج - - تریاک

وتنبا گو است خرما و مرکبات از جمله نارنج و لیمو فراوان دارد. معاملات داد و ستد بوسیله پیله‌ورها انجام می‌گیرد و اکثر اهالی کشاورزند. در جنگ بین الملل گذشته و نیز زدو خورد با ژاندارمری‌ها در زمان افسران سویدی کازرونی‌ها دلیری و شجاعت از خود بثوت رسانیدند و پیشوای آنها مرحوم ناصر دیوان دلیرها بخرج داد و همواره فاتح بود جمعیت کازرون در حدود ۱۲۰۰۰ نفر می‌گویند مردمش اکثر مهربان و مهمان‌نوا هستند شهر کازرون اصلاحات زیاد لازم دارد خاصه در امور بهداشت که بسیار عقب افتاده است. در بیرون این شهر محلی بنام نقش تیمور وجود دارد (تیمور پسر حسینقلی میرزا فرمانفرما که زمانی حکومت کازرون را داشته) نقشی در سنگ کنده شده که سوار بر اسب و ملازمان اطراف او در حرکت اند و شیری جلو اسب او خوابیده است. برای تماشای تنگ شاپور در چند کیلو متری کازرون رفته آثار قدیم و تاریخی بین دو کوه در تنگ چوکان وجود دارد و قلعه مخروبه موسوم بقلعه شاپور در دشت واقع شده و رودخانه شاپور از این دشت می‌گذرد. در تنگ شاپور حجاریهای دوره ساسانی از جمله نقش‌های سوار و پیاده و تصاویر مردمی مشاهده می‌شود که هدایا نزد شاپور می‌آورند و دیگر نقش شاپور است که ملازمان و پاسبانان در جلو او ایستاده اند و نیز تصویر آن پادشاه بنظر میرسد که بر اسب سوار است و «والرین» امپراطور روم زیر پای اسب او قرار گرفته و یکی از سران رومی در مقابل اسب شاه زانو بزمین زده و دیگر مجسمه شاپور اول دیده شد به ارتفاع شش ذرع قامت و دایره سینه او نیم ذرع است اکنون پاهای این مجسمه شکسته و نیمی از چهره او خراب و از بین رفته است. در تنگ چوکان در وسط کوه دخمه وجود دارد بسیار طولانی و تاریک و دارای چند دهلیز و حوضی در آنجا بنظر رسید و چشمه آب در میان این دخمه جاری می‌باشد در حقیقت محل شکفت آوری است سیاحت خارجی نتوانستند دریابند که آیا این دخمه طبیعی است یا ساختگی و انتهای آن راه نیست

در چند سال پیش چند نفر از زردشتیهای هندوستان با مقداری افزار و لوازم
کار برای تحقیقات به تنک شاپور آمدند و قصد بررسی را داشتند ولی ناامنی
و عدم نظم مانع پیشرفت کار آنها گردید و بدون نتیجه به هندوستان
مراجعت نمودند. از تنک چوکان حرکت کرده پس از طی چند کیلومتر
به تنک ترکان رسیدم و این محل بین دو کوه واقع گردیده و جایی است
مخوف و خطرناک در سالهای پیش در تنک ترکان جنگی بین عشایر ایرانی
و سواران هندی واقع شده بود. در سال ۱۲۸۸ خورشیدی در نتیجه ناامنی
و زدو خورد هائیکه بین عشایر قشقایی و عرب بهارلو در گرفت و بعضی
نقاط فارس مغشوش شد دولت انگلیس برای حفظ کنسولخانه شیراز ۱۵۰۰
نفر سوار هندی با ۴۰۰ قاطر و بنه و ساز برك از بوشهر روانه شیراز نمود
از انتشار خبر ورود این عده قشون ییگانه هیجان شدیدی بین خوانین
محلی پیدا شد خورشید خان کمارجی و محمد علی خان کشکولی و ناصر
دیوان کازرونی مصمم جلو گیری این عده سواران هندی شدند و در تنک
ترکان زد و خوردی بین آنها واقع گردید که در نتیجه ماژور «استاک» کنسول
انگلیس زخمی گردید و اسلحه و مهمات آنها بدست خوانین نامبرده افتاد
و سواران هندی ببوشهر مراجعت کردند از این تنک خطرناک گذشته وارد قصبه
کمارج شدم. این قصبه دارای يك کار و نسراست که چند نفر مأمورین
امنیه در آنجا اقامت دارند اهالی آنجا همه کشاورزند. محصول آنها گندم
و جو دیمی میباشد. پس از کشته شدن نادر شاه اسد خان افغانی بکمارج
آمده و در آنجا مشغول راه زنی گردید و آرامش آن ناحیه را برهم زد ولی بعد
کریم خان زند او را شکست داده و دستگیر نمود. چون هوای کمارج بسیار
گرم بود توقف نکردم و از کوه و گردنه خطرناک رودك گذشته وارد
قصبه کنار تخته شدم در اینجا درخت خرما فراوان است و خرماي ناحیه
خشت در فارس مشهور میباشد از کتل دختر و تپه های ملاقلقی نیز عبور
نموده وارد قریه دالکی شدم هوای دالکی نیز بسیار گرم است و بوی عفن

چشمه‌های گوگرد و نفت خام مزید ناراحتی مسافرین میباشد در سال ۱۸۸۴ میلادی «شرکت هوتز» آلمانی در زمان ناصرالدین شاه امتیاز استخراج نفت این ناحیه را بدست آورد و چندی مشغول حفاری چاه نفت بود ولی به نتیجه نرسید و شرکت نامبرده امتیاز خود را لغو نمود. دالکی جز بلوک دشتستان است طول آن از قصبه بیوار تا قریه بنه لعلی ۱۸ کیلومتر و عرض آن در حدود دو کیلومتر است دارای هفت دهستان و سیصد خانوار میباشد و نخلستان فراوان دارد محصول آنجا خرما - گندم - جو دیمی است آب مشروب آنجا از چاه است اهالی اکثر کشاورزند اکنون بواسطه قحطی که چندی ادامه داشت مردم این دهستانها یا تلف شده و یا بجلاء وطن اختیار نموده اند - از کازرون تا کنار تخته ۵۱ کیلومتر و از آنجا تا برازجان در حدود ۵۰ کیلومتر مسافت دارد. بین دالکی و برازجان جاده نسبتاً صاف ولی دست انداز زیاد است و نیز دزدیهائی در این ناحیه واقع میگردد و ارتباط امنیه در بین راه وجود ندارد - کالای قاچاق از این طریق وارد کازرون و شیراز میگردد و مأمورین امنیه اخاذی از قاچاقچیان مینمایند و شریک اعمال آنها هستند - مردم دالکی همه فقیر و پریشان حالند.

برازجان

برازجان جزء بلوک دشتستان است طول آن از رود فاریاب تا قریه زیارت در حدود ۶۰ کیلومتر و عرض آن ۳۶ کیلومتر است دارای ۱۵ دهستان و ۷۵۰ خانوار میباشد - محصول آنجا گندم - جو دیمی است و تنباکو این قریه از آب چاه مشروب میگردد نخلستان زیاد و خرما می فراوان دارد اکثر اهالی کشاورز و زحمت کش هستند معاملات و داد و ستد آنها با بوشهر و شیراز است یک دبستان اخیراً در برازجان تأسیس شده ولی دانش آموز آنجا کم میباشد - در سال ۱۲۸۸ خورشیدی مرحوم مشیرالملک شیرازی کاروانسرائی در اینجا ساخته در حقیقت مانند قلعه است اکنون

منخل پادگان نفرات امنیه میباشد مسافت بین برازجان و بوشهر ۶۰ کیلومتر
 میشود بعد از ساعتی استراحت حرکت نمودم و از قریه احمدی که محل اقامت
 مرحوم شیخ حسین خان چاکو تاهی بود عبور کرده وارد قریه چغادک شدم
 «شیخ حسین خان چاکو تاهی در جنگ با پلیس جنوب (اس. پی. ار) کشته
 گردید او بنام سالار اسلام لقب یافت و در جنگ های بین تنکستانی ها و
 سپاهیان انگلیسی فداکاری و دلیریهای زیاد از خود بیادگار گذاشت. در
 چغادک خانه کوچکی بنظر رسید که متعلق به «واسموس» آلمانی بود او چند
 سال کنسول آلمان در بوشهر بود فارسی خوب میدانست و با خلاق اهالی
 جنوب کاملاً آشنائی داشت در سپتامبر سال ۱۹۱۴ میلادی هیئت تبلیغاتی
 آلمان مرکب از سی و دو نفر از راه شام و حلب بعضی به یمن و مصر و برخی
 از راه بغداد بایران وارد شدند و چند نفر از آنها از راه کرمان با افغانستان
 رفتند - «واسموس» و «ویندر مایر» و «روک مایر» و «دکتر لاندس» از
 راه پشت کوه وارد خاک ایران شدند منظور این هیئت اعزامی برانگیختن
 مسلمانان بر ضد انگلیسها بود - ورود «واسموس» در حوالی بهبهان یکی از
 بازرگانان آنجا که سمت نمایندگی کنسول انگلیس در بهبهان داشته از
 آمدن «واسموس» مطلع گشت و قضیه را محرمانه بجنرال کنسولگری انگلیس
 در بوشهر گزارش میدهد - مسیو «چک» نایب کنسول انگلیس با کشتی
 جنگی وارد بندر ریک گردید و مرحوم حیدر خان بخشدار آنجا را ملاقات
 و با مشورت او یکعده تفنگچی چریک، مأمور گرفتاری «واسموس» نمود آنها
 وارد بلوک لیراوی و ناحیه شول شدند و سر تفنگچی تقاضای ملاقات رئیس
 کاروان را که تا آنوقت از نام و نشان خبری نداشت مینماید پس از لحظه
 مردی بلند قامت باموی سفید و چشمانی جذاب و گیرنده از چادر خود بیرون
 آمد و میگوید کدام خان شمارا باین محل فرستاده است سر تفنگچی در
 جواب میگوید حیدر خان ما را مأمور نموده که در خدمت شما تا
 بندر ریک باشیم .

«واسموس» چون از روابط دوستانه حیدرخان با انگلیسها خبر داشت چگونگی را دریافته و میگوید من از حیدرخان که ما را دعوت به بندز ریک نموده است بینهایت ممنونم ولی چون امروز همه خسته و قاطرهای ما وامانده است لذا فردا صبح به اتفاق شما حرکت می نمایم در این بین با دکتر «لاندرس» بمشورت پرداخته و مصمم بفرار میشویم در نیمه شب لباس و کلاه را تغییر داده و روی تخت خواب خود پارچه سفیدی کشیده مانند آنکه کسی روی تخت در خواب است باحال درازکش در آن تاریکی شب از چادر بیرون آمده و فرار میکند بفاصله ۴۸ ساعت خود را بر ازجان میرساند اما مأمورین اعزامی حیدرخان برای بعد از ظهر روز دیگر از قضیه فرار واسموس اطلاع حاصل نمودند دکتر لاندرس و مترجم ایرانی را با کاروان به بندر ریک میآوردند و حیدرخان آنها را در مقابل رسید تحویل کشتی انگلیس مینماید.

وروده «واسموس» در برازجان مورد استقبال شایانی از طرف پادگان ژاندارمری واقع گردید و در اینجا «واسموس» مطلع میشود که کشتی جنگی انگلیس موسوم به «جنو» بندر دلووار را نزدیک بوشهر بمباران نموده و زود خوردی بین انگلیسها و رئیس علی دلواری واقع شده «واسموس» بی درنگ بطرف دشتی و تنگستان حرکت نمود و خوانین آن حدود را از جمله مرحوم زایر خضر خان و شیخ حسین خان چاه کوتاهی و سایر خوانین را ملاقات کرد و آنها را بر ضد انگلیسها تحریک نمود و منظور او سرگرم کردن قسمتی از قشون انگلیسی در پشت جبهه بین النهرین بود که بخوبی موفق گردید و در نتیجه ۳۰ هزار نفر سپاهیان هندی و انگلیسی با مهمات و ساز برك کافی وارد بوشهر شدند و تا مدت دو سال آتش جنگ در تنگستان و فارس مشتعل بود و خون جوانان تنگستانی بعبث ریخته شد و در اثر تحریک واسموس نهضت فارسیان در کازرون و شیراز شروع گردید و در نتیجه مسیو «آکانور» کنسول انگلیس در شیراز و رئیس

و معاون بانك شاهنشاهی و چندتن اتباع انگلیسی مقیم شیراز به اسارت در تنگستان آوردند کنسول نامبرده در مدت اقامت خود در اهرم نقشه مصالحه و متار که جنگ ریخته با تنگستانیها صلح نمود شب تابستانی بود که صندوق‌های چاهی که در بحرین توقیف شده بود با وجه نقدینه متعلق بخوانین تنگستان که در بانك شاهنشاهی بود با منافع آن به تنگستانیها مسترد گردید و اسیران جنگی آنها را از هندوستان عودت داده به تنگستان فرستادند و در مقابل اسیران انگلیسی را مستخلص نموده و بیوشهر آمدند «واسموس» پس از متار که جنگ که برخلاف مرام و نقشه او بود دیگر صلاح در اقامت خود در تنگستان ندانسته و از راه غیر معمول بکازرون آمد در بین راه با چند نفر دهاتی که او را نمیشناختند زدو خوردی واقع گردید و زخمی پیاپی او وارد آمد سپس از کازرون بشیراز رفت و از یسراه خود را به اصفهان و تهران رسانید. نویسنده او را در سال ۱۳۰۸ خورشیدی در تهران دیدم که هنوز پای او لنگ بود «واسموس» در ۱۳۰۲ خورشیدی دوباره از آلمان با چند کامیون و تراکتور بجنوت ایران بازگشته و پنج هزار لیره که با زحمت زیاد از وزارت خارجه آلمان دریافت کرده بود در تنگستان به طلبکاران خود پرداخت و در قریه چغادك نزدیک بوشهر بکشاورزی مشغول شد و قریب هفت سال در هوای گرم این ناحیه توقف نمود و در سال ۱۳۰۹ خورشیدی به آلمان برگشته و در آنجا فوت نمود «کرستوفر سایکس» انگلیسی در کتاب خود از حالات او مینویسد «در انگلستان واسموس راه لورنس» آلمانی مینامند هر گاه در کارهای این مرد دلیر و شجاع دقت شود در کوشش و جسارت و زبردستی از «لورنس» جاسوس و مشهور انگلیسی دست کمی نداشت منتهی پیروزی انگلیسها در جنگ بین الملل گذشته «لورنس» را نیز پیروز ساخت در صورتیکه شکست آلمان بر نام واسموس و کارهای بزرگ او پرده فراموشی کشیده شد» - مسیو «كلك» کنسول سابق انگلیس در بوشهر که بعد نماینده سیاسی شرکت

نفت انگلیس و ایران در مسجد سلیمان گردید نیز از سیاست و زبردستی «واسموس» تمجید نموده است.

بعد از خاتمه جنگ در تنگستان مرحوم زایر حضر خان که ملقب به امیر اسلام بود در سال ۱۲۹۹ خورشیدی بدست پسر زایر حسن تنگستانی کشته شد و نیز رئیس علی خان دلواری بهمین سر نوشت دچار گردید. سبب بمباران بندر دلواری و جنگ با رئیس علی خان این بود که انگلیسها مراسله بدست آورده بودند که او با بازرگانان آلمانی در بوشهر مکاتبه داشته .

بندر بوشهر

ریشهر - بوشهر از شهرهای قدیم است در آثار شوش نام آن برده شده و در زمان حمله اسکندر رومی بنام موزامبری نامیده میشده در عهد اردشیر بابکان ریشهر و حلیده شهرت چندانی دارا نبودند بعد با امر آن پادشاه تجدید بنایافت در قرن ۱۶ و ۱۷ مرکز تجارت خلیج فارس بود «دوباروس» سیاح مینویسد که در قرن ۱۶ خانه های ریشهر بدو هزار میرسیده و آن شهر را لهراسب پادشاه کیانی بنامد و دوشاپور اول آنرا تعمیر کرده این بلخی و یاقوت از مورخین عرب شرح مفصلی در موضوع ریشهر نوشته اند بین سالهای ۱۸۷۲ - ۱۸۷۷ میلادی ظروف سفالی و کتیبه هائی بخط میخی در آنجا کشف شده و نیز در سال ۱۹۱۴ میلادی «پزارد» اکتشافات مهمی از جمله مجسمه های انسانی و سکه های قدیم در ریشهر نموده است «تیبور» در سال ۱۷۶۱ میلادی بوشهر آمده و مینویسد کشتی هائیکه ۱۲ پا آبگیر آنها است تا نزدیکی این شهر وارد میشود بهمین جهت نادرشاه کشتی های بزرگ خود را در آنجا ساخت و نیروی دریائی در بوشهر تمرکز داد - در زمان حکمرانی شیخ ناصر خان مجدداً بوشهر آباد گردید و در سال ۱۲۵۶ هجری بجای حصار قدیم مجدداً حصاری با چند برج دور بوشهر کشیده شد

و شیخ ناصر خان ناخدا باشی کشتی های نادر شاه بود او و فرزند شیخ مذکور
 از طایفه ابومهبو از اعراب نجد بود و در زمان او بوشهر روی عمران و آبادی
 یافت. در سال ۱۱۵۰ هجری آبادی ریشهر بمبوشهر انتقال یافت و همینکه بوشهر
 احداث گردید ریشهر رو بانحطاط گذاشت و از آثار قدیم آنجا قلعہ باقیمانده
 است. در سال ۱۱۸۲ هجری انگلیسها قراردادی با شیخ نصر خان حکمران بوشهر
 بستند که تجارتخانه خود را در آنجا تأسیس نمایند کریم خان زند این قرارداد
 را تصویب نمود و باغ و عمارتی برای محل تجارتخانه و قطعه زمینی جهت
 قبرستان به انگلیسها واگذار شد ساختمان کنونی کنسولگری انگلیس در
 بوشهر همان محل سابق تجارتخانه قدیم است. شیخ نصر خان جزیره بحرین
 نیز ضمیمه حکومت خود نمود و در سال ۱۲۱۵ هجری وفات یافت پس
 از فوت او پسرش شیخ عبدالرسول خان جانشین پدر گردید و بلوک دشتی
 و دشتستان را ضمیمه بوشهر نمود و در سال ۱۲۲۰ هجری او را به شیراز
 احضار نمودند و محمد جعفر خان برادر وزیر فارس بحکومت بوشهر
 منصوب گردید در سال ۱۲۴۰ شیخ نامبرده مجدداً بحکومت بوشهر برقرار
 گردید ولی پیش از ورود او بمبوشهر در قصبه دالکی بدست خوانین دشتستان
 کشته شد چون والی فارس از کشته شدن گان شیخ عبدالرسول خان بازخواستی
 نمود پسرش شیخ نصر خان دوم با انتقام خون پدر چند هزار اعراب جواسم
 را بمبوشهر آورده و برارک حکومتی حمله آورد آن هنگام پادگان بوشهر
 ۶۵۰ نفر سرباز وعده چریک دشتستانی بودند جنگی سخت بین آنها در
 گرفت ولی اعراب شکست خورده و فرار نمودند در سال ۱۲۶۵ هجری
 بهرام میرزا معزالدوله والی فارس حکومت بوشهر و مضافات را بشیخ
 نصر خان واگذار کرد. در سال ۱۲۶۶ هجری فیروز میرزا نصرت الدوله
 بزرگ والی فارس گردید او شیخ نصر خان را به شیراز خواسته و به تهران
 فرستاد و حکومت بوشهر و مضافات را بمیرزا حسینعلی خان نصیرالملک
 پسر علی اکبر خان قوام الملک شیرازی که بعد ملقب بدریا بگی شد واگذار نمود

شیخ نصر خان به امر دولت از تهران بیوشهر آمد و چندی در بوشهر حکومت داشت و در سال ۱۲۷۰ هجری فوت نمود پس از او حکمرانی بوشهر از دست این خانواده خارج گردید و از آن بعد حکام و فرمانداران بوشهر از طرف والیان فارس اعزام میگردید .

بوشهر تاپیش از تأسیس راه آهن بندرشاپور از مهمترین بنادر ایران از حیث صادرات و واردات بوده و بازرگانان داخله از اصفهان و یزد و شیراز و سایر شهرهای دیگر در این شهر مشغول داد و ستد امور بازرگانی بودند جمعیت بوشهر در حدود سی هزار نفر بود و نیز چندین بنگاه و تجارتخانه بیگانه از جمله بنگاه دکن و شرکاء - ذکالر و شرکاء - لونیک استون زیتون و شرکاء - گری مکزی و شرکاء - رابرت و نکهوس و شرکاء و نمایندگان تجارتی روسیه و آلمان و ایتالیا و بازرگانان هندی در آنجا مشغول تجارت بودند نیز نمایندگی کشتی رانی انگلو الجریا - بوکنل - وست هارتلپول - اندر ویر کمپانی - همبرک امریکالین - هسنالین و نمایندگان کشتی رانی روسیه و سایر ملل دیگر در بوشهر اقامت داشتند و امور تجارت و داد و ستد آنجا مافوق تصور ترقی نمود و عایدات گمرک طبق صورت آمار گمرکی چند برابر درآمد سایر بنادر ایران بود اکنون که این سطور را مینویسم جمعیت بوشهر در حدود پنجهزار نفر میباشد بنگاه و تجارتخانه های این شهر همه بسته شده و اکثر اهالی مهاجرت به اطراف نموده اند خانه های آنجا اغلب خراب و ویرانه شده و سکنه کنونی آن همه مهاجر و پیریشان و این سرعت سقوط و انحطاط بوشهر بیش از ۱۰ سال طول نکشید امور بهداشت این شهر خوب نیست امید میرود از آوردن آب مشروب از عالی چنگی که از بذل عنایت و عطایای پادشاه جوان بخت محمد رضا شاه پهلوی که در شرف انجام است این شهر مجدداً رو به عمران و آبادی رود و دولت قانون انحصار یهوده را لغو نماید و سهولت در امور بازرگانی فراهم و کسب کار برای مردم این بندر مهم پیدا شود .

بوشهر دارای يك دبیرستان و سه دبستان پسران و ۶۲۷ دانش‌آموز
و دو دبستان دختران که در حدود ۱۸۵ دانش‌آموز است .
اخیراً کارخانه نخ ریزی و پارچه بافی اعتمادیه در این شهر تأسیس
شده و دارای چهار دستگاه ماشین بقوه هزار اسب است و پارچه
فراورده‌های این کارخانه در داخله کشور بمصرف میرسد .

بندر عباس

بندر عباس همان بندر کامبرون بوده پس از آنکه جزیره هرمز
بتصرف ایرانیان درآمد شاه عباس در نظر گرفت که بندر گاهی در کرانه
خلیج فارس احداث نماید لذا قریه کوچک کامبرون را که مسکن ماهیگیران
بود برای این منظور انتخاب نمود و آنرا بنام بندر عباس موسوم ساخت
و تجارت و جمعیت جزیره هرمز به بندر عباس انتقال یافت و نیز بشرکت
هند شرقی انگلیسی وهلندیها اجازه داده شد که تجارتخانه خود را در این
بندر تأسیس نمایند در دوره فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه بندر عباس چند
مرتب در اجاره سید سعید امام مسقط بود و از طرف اوشیخ سیف بحکومت
آنجا برقرار گردید چون مال الاجاره بندر عباس به تأخیر افتاد طهمااسب میرزا
مؤید الدوله والی فارس به امر ناصرالدین شاه مأمور تصرف آنجا گردید
و با سپاه زیاد و چهار عراده توپ عازم بندر عباس گردید و پس از چند روز
جنگ نماینده امام مسقط شکست خورده و با شیخ عبدالرحمان قشمی
فرار نمودند پس از هزیمت و فرار اعراب مؤید الدوله عباس خان را با هزار
و دو بیست نفر و دو عراده توپ پادگان بندر عباس قراداد و خود به شیراز
مراجعت نمود چون هوای آنجا رو بگرمی رفت افراد پادگان مریض و
فرسوده شده بودند سید سعید امام مسقط موقع را غنیمت شمرد و مجدداً
فرزند خود سید ثوینی را با سه هزار نفر به بندر عباس روانه نمود و آنجا
را تصرف کرد چون این خبر بمؤید الدوله رسید در سال ۱۲۷۲ هجری فرزند

خود عبدالباقی میرزا را باز مأمور فتح بندر عباس نمود و سپاهیان ایران
بسررداری عبدالله خان صارم الدوله قراگوزلو بندر عباس را محاصره کردند
از آنطرف محمد حسین خان ایروانی والی کرمان پسر خود عبدالحسین خان
را با عده قشون بکرمک لشکریان ایران فرستاد و جنگی سخت بین آنها
و اعراب در گرفت بالاخره اعراب مجدداً شکست خورده دوهزار نفر از
آنها کشته شدند سید ثوینی با خواص خود فرار نمودند. عبدالباقی میرزا
محمد صالح مینابی را با عده چریک تنگستانی بسر کردگی باقر خان تنگستانی
در بندر عباس گذارده و خود بشیراز روانه شد. سید سعید امام مسقط
چون دید نمیتواند بادولت ستیزه نماید بوسیله عبدالمحمد ملك التجار
بوشهری عریضه بانجف و هدایا و چند رأس اسب عربی بدر بار ناصرالدین
شاه فرستاد و متعهد گردید که مال الاجاره بندر عباس را دوچندان کند و عریضه
دیگر بمیرزا آقا خان نوری نوشت و صدر اعظم را وسیله قرار داد.
ناصرالدین شاه مجدداً بندر عباس را با جاره امام مسقط داد و نشان تمثال
همایون برای او فرستاد و سید ثوینی باز بحکومت بندر عباس برقرار
گردید و تا زمان حیات سید سعید امام مسقط آنجا را با او واگذار نمود
پس از فوت سید سعید مصطفی خان قراگوزلو اعتماد السلطنه بحکومت بندر عباس
منصوب گردید. جمعیت کنونی این شهر در حدود ۱۴ هزار نفر میگویند
هوای آنجا در تابستان بسیار گرم و غیر قابل تحمل است از قریه نای بند در
شش کیلومتری این شهر اخیراً قناتی احداث شده و آب مشروب بشهر وارد
میگردد و نیز بیک خیابان اصلی و چهار خیابان فرعی در آنجا ساخته شده این شهر
دارای دو دبستان و دو یست و هفتاد دانش آموز است و دبستانهای حریزه
فرهنگی بندر عباس عبارتند از میناب - چابهار - جزیره قشم و جزیره هرمز
و عده دانش آموزان آنجا را در حدود ۳۵۰ نفر میگویند. امور بهداشت
این شهر خوب نیست و هوای کافی موجود ندارد اداره صحیه و قرنطینه
این بندر تابع بوشهر میباشد. در بندر عباس يك کارخانه ریسندگی تأسیس شده

نیز کارخانه کنسرو ماهی اخیراً در نایند ساخته شده است اکثر
 معاملات و داد و ستد آنجا بوسیله قاچاق از بندر دبی وارد میگردد. قلعه
 قدیم هلندیها اکنون ساختمانی برای اداره گمرک بنا گردیده و در جلو آن
 سکونتی بفاصله ۲۵۰ متر بطرف دریا کشیده شده که کالا و مال التجاره
 بوسیله قایق به آنجا وارد میشود صادرات بندر عباس عبارتند از قالی
 انغوزه - روناس - پشم - پوست - کنیرا - و گل سرخ و خشکبار میباشد .
 قصبه نایند محلی است خوش آب و هوا اکنون مرکز پادگان نظامی و
 کارخانه ساردین سازی است و دارای چاه های آب مشروب است و کوه گنو که
 ییلاق بندر عباس است در ۲۷ کیلومتری این شهر واقع شده است .
 بعد از پنج روز اقامت بعزم کرمان حرکت نمودم پس از طی چند
 کیلومتر به دامنه کوه گنو رسیدم در اینجا چشمه آب گوگرد وجود دارد و
 جاده به چهار راه منقسم میگردد که سه راه قدیم و کاروان رو بوده که یکی
 بین تنک زندان و دیگری از میان تنک نودان و دیگر از تنک رودان بکرمان
 میرود - راه دیگر که شوسه و اکنون قابل استفاده میباشد از تنک زاغ میگردد
 از دهستانهای سعادت آباد . حاجی آباد - علی آباد - سعید آباد و سیرجان عبور
 کرده بکرمان میرسد - در انتهای تنک زاغ دره خطرناکی وجود دارد که
 اتومبیلها بزحمت از اینجا میگذرند از این محل بسلامت گذشتم و اردقوه
 خانه شدم در اینجا پست امنیه واقع است و دارای درخت های زیاد و آب
 جاری میباشد و محل باصفائی است از اینجا حرکت کرده بقصبه حاجی آباد
 رسیدم در این قریه نخلستان و خرما فراوان وجود دارد و جمعیت آنجا در
 حدود ششصد نفر میگویند محصول آنجا گندم و جو است و دارای چند چشمه
 و یک قنات است پس از طی ۳۰ کیلومتر بقریه علی آباد وارد شدم و از اینجا
 گذشته بسیرجان رسیدم .

سیر جان

مرکز سیرجان قصبه سعیدآباد است جمعیت آنجا را در حدود هفت هزار نفر میگویند محصول آنجا گندم. جو - پنبه - تریاک و پسته و بادام است اهالی این شهر اکثر بیکار و معتاد بکشیدن تریاک هستند در اینجا دو دبستان ملی و یک دبستان دولتی تأسیس شده و عده دانش آموزان ۳۶۶ نفر است و نیز یک دبستان دختران و عده دانش آموز ۱۱۰ نفر میباشند - در هشت کیلومتری سعیدآباد که بسیر جان کهنه معروف است آثار قلعه بنظر میرسد این قصبه بافت و سیرجان ۱۲۸ کیلومتر مسافت است و سیم تلگراف از بندر عباس از راه بافت بکرمان اتصال دارد جمعیت بافت رادر حدود ۳۵۰۰ نفر میگویند مردم آنجا اکثر فقیر و آرامش طلبند و قتل و دزدی در آنجا کمتر واقع می‌رود - محصول آنجا گندم و جو - خشکبار است صادرات بافت انگوزه - پشم و خشکبار میباشد و نیز قالی‌های خوب در اینجا میبافند - بعد از دو ساعت توقف از سیرجان حرکت کرده وارد بلوک برد سیر شدم این ناحیه بسیار خوش آب و هوا و زمین آنجا قابل هر نوع کشت و زرع میباشد و از آب رودخانه لاله زار مشروب می‌رود و محل یلاق چند عشایر است .

مرکز بلوک برد سیر قصبه مشیز میباشد و جمعیت آنجا رادر حدود ۲۵۰۰ نفر می‌گویند و در یک کیلومتری این قصبه آثار خرابه‌هایی بنظر میرسد و نیز مقبره پیر جاسوس در آنجا واقع شده است در قسمت داخلی این مقبره کتیبه بخط کوفی دیده شد که بعضی کلمات آن ریخته شده .
قصبه مشیز محلی است که آقاخان محلاتی معروف در تصرف داشته و پس از مغلوبیت بطرف هندوستان فرار نمود آقاخان محلاتی بعد از فرار از ایران وارد سند گردید و در همان موقع بین انگلیسها و امرای بومی سند مشاجره و نزاعی پیدا شده بود که بوسیله آقاخان تصفیه و اصلاح شد انگلیسها

پایس این حسن خدمت مقدم اورا گرامی داشتند سپس به بمبئی رفت و خریدانی بنام خواجه آقاخان بدور خود گرد آورد که او را بمنزله ولی و مرشد اطاعت میگردند اکنون عده زیادی از خوجه ها در بمبئی و سایر نقاط افریقا وجود دارند و به نوه او سلطان محمدشاه مجلاتی (آقاخان) را احترام میگذارند . آرامگاه آقاخان مجلاتی در بمبئی است و زیارتگاه طایفه خوجه ها میباشد . مسافت بین بندر عباس بسیرجان ۳۶۹ کیلومتر و از سیرجان بکرمان ۱۸۵ کیلومتر میشود راه و جاده خوب نیست و دست انداز زیاد دارد و اغلب اوقات ناامن میباشد .

کرمان

کرمان یکی از شهرهای قدیم ایران است در بدو ظهور اسلام بتصرف اعراب در آمد در بین سالهای ۱۰۷۳-۱۰۴۲ میلادی ملک کاوند کرمانی حکومت مستقلی برای خود در کرمان تأسیس نمود و جانشینهای او تا مدت یک قرن و نیم در آنجا حکمرانی میکردند در زمان حمله چنگیز شخصی بنام براق صاحب از طرف چنگیز در کرمان حکومت میکرد و پس از حمله مغول حکومت موروثی در کرمان از بین رفت در آن موقع کرانه عمان نیز جزء قلمرو و حکومت آنها و نیز هر مز قدیم جزء خاک کرمان بوده - «مار کوپولو» سیاح معروف که در آخر قرن ۱۳ بکرمان آمده مینویسد: بعد از حمله مغول تاتارها هر کس را که میل داشتند بحکومت کرمان میفرستادند - در کرمان آثار قدیم و تاریخی زیاد وجود دارد که بعضی از آنها بواسطه وقوع زلزله از بین رفته اکنون قلعه اردشیر در شرق کرمان و قلعه دختر از بناهای قدیم این شهر است و نیز آثار آتشکده و نقاره خانه باقیمانده است - گنبد سبز یا کبر تاریخ بنای آن معلوم نیست ولی میتوان حدت زد که در قرن نهم هجری ساخته شده و در سال ۱۳۱۶ هجری بواسطه زلزله خرابی زیادی در این گنبد وارد گردیده بنای آن

از سنك و آجر است - مدرسه گنجعلی خان كه اکنون بنام كاروانسرای گنجعلی خان شهرت دارد این بنا از موقوفات آستانه حضرت رضاؑ میباشد سردر آن در سال ۱۰۰۷ هجری در دوره صفویه ساخته شده « گنجعلی خان از طرف شاه عباس والی کرمان بوده و سپس «أمور قندهار شد و در آنجا فوت نمود» مسجد پامنار طبق کتیبه در سال ۷۹۳ هجری بنا شده است اکنون قسمتی از قاعده منار آن وجود دارد و در سمت چپ سردر مشاهده میشود میگویند این مسجد و منار در زمان عادل شاه ساخته شده مسجد جامع طبق کتیبه تاریخ بنای آن در سال ۷۵۰ هجری است که امیر مبارزالدین محمد مظفر ساخته است و در سال ۱۱۷۶ هجری تعمیر شده کاشی کاری که در این مسجد بکار رفته از جمله شاهکارهای صنایع ایران میباشد قسمتی از بنای این مسجد اکنون ویرانه شده - مقبره خواجه اتابك که بنای آن در عهد سلجوقیان بوده این بنا نمونه کاملی از تزئینات آجری و گچ بری در قرن پنجم هجری میباشد در قسمت داخلی این بنا مربعی است که طول هر يك از اضلاع آن چهار متر و نیم است و شکل خارجی این بنا هشت ضلعی بوده قسمت شمالی آن خراب شده فقط دیوار های شرقی و غربی آن باقی مانده است .

آرامگاه شاه نعمت الله ولی که مردی روحانی و صوفی مسلک بوده در ۳۶ کیلومتری جنوب شرقی کرمان است طبق کتیبه ساختمان آنرا احمد شاه دکنی هندی که از خاندان بهمن بندی از جمله مریدان او بوده در سال ۸۴۰ هجری بنا کرده و بعد ملحقات آنرا شاه عباس بزرگ و محمد شاه قاجار ساخته اند این بنا در قصبه ماهان واقع است که در حدود شش کیلومتر باغها و مزارع اطراف آنرا احاطه نموده در قسمت غربی آن صحن بسیار وسیعی که از کاشی های بسیار ممتاز ساخته شده و دو منار آنرا محمد اسماعیل خان و کیل الملك بنا کرده این محل جای تفرج گاه عمومی اهالی کرمان است و موقوفات زیاد دارد دو دبستان پسران و يك

دبستان دختران در ماهان تأسیس شده که از موقوفات شاه نعمت الله ولی اداره میشود جمعیت این قصبه را در حدود هفت هزار نفر میگویند محصول این قریه گندم و تریاک و میوه آنجا بسیار فراوان است که به وسیله آب قنات مشروب میگردد - در چند سال پیش در اثر سیل جزئی خرابی بساختن آراگاه وارد شده است - مسجد خواجه خضر و نیز مدرسه معصومیه و مدرسه محمودیه که برای طلاب علوم دینی ساخته شده از آثار قدیم کرمان بشمار میرود .

جمعیت کرمان را در حدود ۶۵۰۰۰ نفر میگویند در صورتیکه در سالهای پیش نفوذ این شهر زیاده از این تعداد بوده در قسمت جنوب غربی این شهر تپه هائی از ریک و شن متحرك تشکیل شده و در هنگام وزیدن باد تولید گرد و غبار زیادی مینماید آب و هوای کرمان بسیار خوب و معتدل و میوه های گرم سیر و سردسیر در اینجا بعمل میآید و آب مشروب از قنات ها میباشد که از کوه های ماهان و جویلز جاری شده وارد شهر میگردد محصول آنجا گندم - جو - تریاک و پنبه است و عمده صادرات کرمان کتیرا - انغوزه - پسته - پنبه - بادام و خشکبار و قالی میباشد - قالی و شالهای بافت کرمان بهترین متاع ایران است که اکنون بواسطه ناامنی و بیچارگی مردم از رونق اولیه کاسته شده و اکثر دهقانان بشهر رو آورده و امور زندگانی خود را بمشقت میگذرانند و اغلب بافندگان قالی این شهر همه بیکار و بدون سرمایه هستند مردم کرمان اکثر خوش اخلاق و مهمان نوازند و دارای هوش و ذکاوت خاصی میباشند متأسفانه استعمال تریاک و افیون در این شهر رواج زیاد دارد - کارخانهای کرمان یکی کارخانه تصفیه پشم شرکت سهامی و دیگر کارخانه پشم متعلق بیک نفر امریکائی و نیز کارخانه ریسندگی و کارخانه تصفیه پشم متعلق به ارجمند میباشد محصول نخ و پشم آن قابل تمجید است کرمان دارای ۲۹ دبستان پسران و ۲۸۱۸ دانش آموز و نه دبستان دختران و ۸۹۴ نفر دانش آموز

و سایر مدارس از جمله مدرسه جم و دبیرستان زرتشتیان میباشد اکنون تعداد دانش آموزان کرمان ۳۹۶۵ نفر است که نسبت به نفوس این شهر بسیار کم هستند - در کرمان سه روزنامه یکی روزنامه بیداری و دیگری جریده استقامت و روزنامه صدای کرمان منتشر میگردد - مریضخانه های کرمان یکی مریضخانه مرسلین که زیر نظر سه نفر دکترهای اندلیسی است و دیگری مریضخانه نوریه که بانی و مؤسس آن مرحوم نورالله ابراهیمی بوده و دارای بیست تخت خواب میباشد و موقوفاتی برای آن معین شده است - در نزدیک کرمان معادن پنبه کوهی - مس - سرب - مرمر سفید و ماکنیز در کوه های بنان و ماهان وجود دارد .

کرمان دارای چهار خیابان و اکثر خانه ها یک طبقه و سقف آنها گنبد مانند میباشد - راه شوسه و اتومبیل رو عبارت از جاده کرمان بزاهدان و دیگر کرمان به بندر عباس و نیز جاده کرمان به زاب است - پس از چند روز اقامت در کرمان بعزم رفسنجان حرکت نمودم مسافت بین کرمان و رفسنجان ۱۲۳ کیلومتر میشود .

بعد از طی چند کیلومتر بقصبه کبوترخانه رسیدم جمعیت اینجا در حدود سیصد تا چهارصد نفر میباشد - این قصبه دارای آب فراوان و سبزی درخت های زیاد است و محل با صفائی است .

رفسنجان

مرکز رفسنجان قصبه بهرام آباد است جمعیت این قصبه در حدود ۸۰۰۰ نفر میگویند دارای دو خیابان وسیع و اشجار فراوان است یک دبستان چهار کلاسی و پنجاه و پنج نفر دانش آموز دارد اخیراً دبستان دختران نیز در این قصبه تأسیس شده مردم این جا اکثر متواضع و خوش اخلاق و اغلب مبتلا بر اخم چشم میباشند - محصول رفسنجان عبارت است از

گندم - جو - پنبه - تریاک - کتیرا - پسته - انگوزه و روئیاست - این قصبه در مسیر سیل واقع شده بطوریکه هر زمان سیلی جاری شود اطراف آنرا فرا میگیرد و خسارت وارد میآورد - آب آنجا از قنات است از رفسنجان به انار در حدود ۱۰۲ کیلومتر فاصله دارد از قریه انار عبور نموده بطرف یزد حرکت کردم - مسافت بین رفسنجان تا یزد ۲۵۳ کیلومتر میشود - جاده ناهموار و دست انداز زیاد دارد و چندیست که تعمیر و مرمت نشده است .

یزد

شهر یزد از يك سمت ریگستان و لم یزرع و از سه سمت دیگر کوه ها آنرا احاطه کرده اند در تابستان هوايش خشك و گرم و در زمستان سرد و وزنده است استخری مورخ مینویسد در قرن دهم هجری شهر یزد بنام کسه معروف بوده و بیشتر دهستانهای یزد در دامنه کوه واقع شده که بواسطه فراوانی آب و سبزه بسیار باصفا است آب مشروب بوسیله قنات وارد شهر میگردد و آب انبارهای بزرگ ساخته شده که کفایت آب مشروب شهر را میدهد - مردم یزد در تنقیه قنات نهایت ماهر و بیمانندند عموماً زحمتکش متواضع و در عین حال قانع و صرفه جو و به اصول مذهب و دیانت پایند هستند بدین مناسبت شهر یزد را دارالعباد مینامند - یزدیها به نساجی و دست بافی علاقه زیاد دارند و چندین دستگاه بافندگی در آنجا دایر میباشد و نیز کارخانهای نساجی از جمله کارخانه بافندگی و ریسندگی پشم درخشان و کارخانه بافندگی ارغان و کارخانه ریسندگی نخ هراتی و کارخانه ریسندگی اقبال در این شهر دایر گردیده که همه قسم پارچه های پشمی و نخی میبافند صنعت فلز کاری و چاقو سازی در قصبه مهریز مشهور است .

جمعیت یزد را در حدود ۵۰۰۰۰ نفر میگویند این شهر دارای ۳۱ دبستان پسران و ۳۳۰۰ نفر دانش آموز و ۱۷ دبستان

دختران و ۱۰۴۰ نفر دانش آموز میباشد و دو دبیرستان و ۲۷۵ دانش‌جو دارد. یکی از مؤسسات خیریه این شهر پرورشگاه مارکاراست که از همت انجمن زردشتیان ایرانی مقیم هندوستان دایر گردیده و ۲۵۰ نفر پسر و ۱۵۰ دختر مستمند و فقیر در این پرورشگاه تعلیم و تربیت مییابند يك مریضخانه ۳۵ تخت‌خوابی در یکی از مدارس قدیم این شهر نیز تأسیس شده ولی وسائل و دواى كافی در دست رس خود ندارند مریضخانه‌ها در سایرین نیز از طرف انجمن خیریه انگلستان در یزد دایر شده است - شهر یزد دارای خانه‌های يك طبقه گنبد مانند و دو خیابان دارد و اكثر كوچه‌ها كثیف و بهداشت آنجا خوب نیست - ارك و حصار اطراف یزد از لحاظ دفاع مستحکم است و در سالهای پیش دارای دروازه آهنی بوده - از بناهای قدیم در یزد یکی مسجد و مناره میر چخماق که یکی از افسران امیر تیمور بوده در سردر آن تاریخ ۸۴۱ هجری نوشته شده و دیگر مسجد جامع است که مورخین بنای این مسجد را در زمان اتابك علاءالدواہ گرشاسب در سال ۵۱۳ هجری مینویسند و كاشی‌های این مسجد دارای تاریخ ۸۷۷ هجری است و كاشی‌کاری که در این مسجد بكار رفته بسیار ممتاز و عالی و از شاهكار های صنایع ایران است دیگر مسجدیست که بنای آن را بنخواجه شمس‌الدین محمد صاحب دیوان در سال ۷۶۶ هجری نسبت میدهند - نیز از آثار قدیم یزد مصلی میباشد ظاهراً این بنا در محل قدیم ساختمان اولی ساخته شده که امیر محمد قاضی در سال ۷۲۵ هجری بنا نموده و در سال ۸۶۰ هجری در اثر سیل تمام صحن مصلی خراب و ویرانه شده که طبق کتیبه سر در آن در سال ۹۵۸ هجری مجدداً تعمیر شده و بعد در سال ۱۰۳۵ هجری اسحق بيك آنرا تعمیر و مرمت کرده است - مقبره سیدرکن‌الدین بنای آن در سال ۷۲۵ هجری و مقبره شمس‌الدین در سال ۷۶۷ هجری طبق کتیبه در شهر یزد بنا گردیده .

در ابرقو مسجدیست تاریخ بنای آن در سال ۷۳۰ هجری در دوره

سلاجقه بوده و مسجد جامع در شهر نائین در قرن چهارم هجری ساخته شده و گنبد شیخ جنید توران در سال ۵۴۳ هجری بنا گردیده از آثار قدیم در یزد یکی مقبره شاهزاده فاضل و دیگر مقبره سهل ابن علی میباشد این ابنیه همه قدیم و از آثار تاریخی در شهر یزد میباشد.

محصول یزد پنبه - تریاک - تنباکو و کمی گندم و جو است بواسطه کم آبی زراعت گندم و جو آنجا بسیار کم و برای نیاز مندی مردم این شهر گندم از اصفهان و سایر نقاط به یزد میآورند - اطراف یزد معدن زیاد از جمله مس - سرب - زغال سنگ و سنگ های مرمر همه قسم وجود دارد مخصوصاً معدن مرمر انارک در ایران مشهور است - مسافت بین یزد و اردکان در حدود ۵۸ کیلومتر میشود - جاده یزد بسیار خراب و دست انداز زیاد دارد و مسافرت در این راه خالی از خطر نیست و اکثر راهزنها باعث زحمت و اذیت مسافرین و سرقت مال آنها میباشد - آب مشروب در راه یزد کمیاب است و در بعضی نقاط بواسطه شوری قابل آشامیدن نیست - حشرات موذی مخصوصاً مار ورتیل در راه بسیار است .

اردکان

جمعیت اردکان در حدود ۹۰۰ نفر میگویند و دارای یک دبستان و عده کمی دانش آموز است محل ییلاق عشایر قشقائی و کشکولی است در ۱۲ کیلومتری این شهر قلعه موسوم بقلعه نارنج وجود دارد که در زمان آل مظفر ساخته شده و آثار آن اکنون باقیمانده است - محصول آنجا گندم - جو - حبوبات - پنبه - تریاک است که از آب قنات مشروب میگردد - بهداشت و دوا و مریضخانه در این شهر وجود ندارد و بواسطه عدم امنیت و نبودن جاده خوب این شهر بحال مخروبه باقیمانده و اکثر مردمش بیچاره و پریشان میباشد - بین اردکان و اصفهان قریه بنام جیرون آباد واقع شده که آثار خرابهای زیادی در آنجا بنظر میرسد میگویند در این

محل جنگی بین نادرشاه و افغانها بوقوع پیوسته که منجر بشکست افغانها گردید. جمعیت جیرون آباد در حدود پنجاه خانوار است. در اردکان چشمه های آب فراوان وجود دارد که بدون استفاده، آب آن بهدر میرود این شهر قابل هر گونه زراعت و زمینش حاصل خیز است.

بندر میناب

از بندرگاه تا قصبه میناب در حدود ۲۰ کیلومتر مسافت دارد. این شهر دارای نخلستان خرما و مرکبات گرمسیری زیاد است که بواسطه آب فراوان قابل هر گونه زراعت از جمله فلفل و دارچین و میخک و سایر ادویه جات هندی میباشد. هوای میناب در فصل تابستان تقریباً خوب و سالم است و سکنه بعضی از جزایر از جمله قشم و هرمز در موسم بدست آمدن خرما باینجا میآیند. محصول آنجا خرما - گندم - جو - خنا - انبه و لیمو خشک است در نزدیک میناب رودخانه عبور میکند که زراعت آنجا را مشروب میسازد - آثار قلعه قدیمی در آنجا وجود دارد - بلوک رودان و احمدی و بشاگرد بین میناب و بندرچاشک واقع شده و مردم این بلوک همه شریک و راهزن میباشند - و مسافرت از راه خشکی به بندر چاشک خطرناک است. جمعیت میناب را در حدود ۶۰۰۰ نفر میگویند این شهر دارای یک دبستان پنج کلاسی و ۸۵ نفر دانش آموز است. بهداشت این بندر خوب نیست و شهرت بسیار کثیف - میناب محل ورود کالای قاچاق است که از بندر دبی وارد میگردد. در ۳۶ کیلومتری این شهر محلی است موسوم به کوهستک در آنجا آثار قلعه و شهر ویرانه وجود دارد گویا این قلعه در زمان پرتغالیها ساخته شده است - تاکنون اداره تلگرافخانه در میناب تأسیس نشده و پست بوسیله پیک در هفته دو روز به بندر عباس رفت و آمد دارد.

مسافت بین بندر عباس و میناب در حدود هفتاد و هشت کیلومتر میشود.

جاده نسبتاً مسطح و خوب است و رفت و آمد بواسیله چارپایان صورت میگیرد
مردم میناب اکثر فلاح و کارگر هستند .

بندر جاشك

جاشك از بنادر مكران بلوچستان ایران است هوای این بندر در
تابستان بسیار گرم و سکنه آنجا اکثر بلوچی هستند در کرانه های جاشك
تا بندر گواتر بعلت نبودن وسائل و عدم توجه و قلت نفوس از حیث زراعت
و کشاورزی خیلی عقب میباشند و نامساعدت طبیعت نیز مانع آبادی
و عمران این ناحیه گردیده است از جاشك تا خط سرحدی بین ایران و
بلوچستان انگلیس در حدود ۳۸۰ کیلومتر است در کوهی نزدیک این بندر
آثار قلعه مخروبه وجود دارد که در زمان پرتغالی ها ساخته شده - بنادر جاشك
و چابهار بطور مستقیم ارتباط تلگرافی با مرکز دارند و ساختمان های
تلگرافخانه و عمارت نمایندگی کشتی رانی «مسپرس» و بیرق آن از فاصله
زیادی در دریا نمایان است و چاه های آب مشروب دردو کیلومتری این
ساختمان ها واقع گردیده - در جاشك ماهی فراوان صید میشود که قسمت
عمده آن خشك نموده صادرات این بندر را تشکیل میدهد سبزی و سایر
میوه در اینجا نایاب است صادرات جاشك عبارتند از روغن - موی بز -
ماهی خشك - پوست - و حصیر که به بنادر عمان میبرند - جاشك مرکز
تلگراف بی سیم و باسیم میباشد خط تلگراف بین کراچی و بندر جاشك
۵۲۸ میل طول آن میباشد که سال ۱۸۶۸ میلادی تأسیس شده و خط دیگر
بفاصله ۵۲۰ میل از جاشك به بوشهر اتصال دارد و نیز محل فرودگاه هواپیماها
که از اروپا عازم هندوستان و هندچین هستند در این بندر واقع شده
مردم جاشك همه فقیر و بیچاره و غذای عمده آنها خرما و ماهی است
راه شوسه بداخله وجود ندارد و رفت و آمد با کاروان شتر انجام میگیرد
اغلب اهالی آنجا بواسطه فقر و تنگدستی به بنادر عمان مهاجرت کردند -

« لرد کرزن » در کتاب خود می‌نویسد در سال ۱۶۱۵ میلادی « ریچارد استیل » از طرف شرکت هند شرقی مأمور رسیدگی در بندر خلیج فارس گردید و به بندر جاشک آمد و شرکت نامبرده پیشنهاد نمود که نماینده بازرگانی خود را بجاشک فرستاده و تجارتخانه در آنجا تأسیس کند. در سال ۱۶۱۶ میلادی « الکساندر چایلد » با کشتی موسوم به « کینگ جمیس » بجاشک آمده و شرحی در خصوص موقعیت مهم این بندر را نوشته است در سال ۱۶۱۹ میلادی تجارتخانه هند شرقی در جاشک تأسیس گردید و شاه عباس امتیازاتی برای آنها قائل شده بود. در سال ۱۶۲۰ میلادی جنک دریائی بین کشتی‌های انگلیسی و پرتغالی‌ها در بندر جاشک واقع شد که سرانجام بشکست پرتغالی‌ها پایان یافت ولی دریا سالار انگلیسی « ولیر شیلی » در این جنک کشته گردید. بندر جاشک فاقد بهداشت و تعلیم و تربیت است و ارتباط این بندر با بندر عمان و مسقط میباشد. مسافت بین جاشک و چاه‌بهار ۵۴۰ کیلومتر است.

بندر چاه‌بهار

چاه‌بهار دارای بندرگاه بسیار خوبی است که کشتی‌های بزرگ میتوانند در آنجا وارد شوند. رودخانه سادیش در ۱۹۸ کیلومتری در مشرق چاه‌بهار واقع شده که از آنجا مرز ایران و بلوچستان انگلیس را تشکیل میدهد. در کرانه چاه‌بهار چندین دهستان آباد وجود دارد و مردم آنجا بماهگیری و گله‌داری اشتغال دارند در طرف جنوب این شهر ساختمانهای تلگرافخانه و پادگان نظامی و اداره گمرک واقع گردیده جمعیت چاه‌بهار در حدود ۴۵۰ نفر می‌گوبند و اکثر آنها بلوچی هستند. در نزدیک این بندر نخلستان خرما وجود دارد که یک کیلومتر اطراف شهر را احاطه کرده است. صادرات آنجا روغن - مویز - پشم - پوست - و ماهی خشک میباشد آب مشروب آنجا خوب نیست. سیم تلگراف تحت بحری از کراچی به جاشک و چاه‌بهار و جزیره قشم و جزیره هنگام به بندر بوشهر اتصال دارد

و تلگراف از راه خشکی با تمام نقاط ارتباط پیدا میکنند. در سالهای پیش اسلحه از مسقط بطور قاچاق وارد چاه بهار میشده و از آنجا بلوچستان و افغانستان برده و میفروختند ولی اکنون ممنوع شده. اخیراً راه شوسه بین چاه بهار و زاهدان ساخته شده که مورد استفاده اداره نظامی میباشد. در سال ۱۱۷۱ خورشیدی برادر سید سلطان امام مسقط به گوادر و چاه بهار هجوم آورد و آن دو بندر را تصرف نمود سید سلطان از این اقدام عبدالعزیز برادر خود عصبانی شده قشونی بجنک او فرستاد و او را شکست داد در این بین دولت ایران از زد و خورد دو برادر از موقع استفاده نمود و سپاهیان ایران چاه بهار را تصرف کردند ولی تا کتون بندر گواتر که جز بلوچستان ایران است در تصرف امام مسقط باقیمانده است «لرد کرزن» مینویسد «موقعیت بندر گوادر از این رو اهمیت دارد که روزی ایستگاه راه آهن سیستان و بلوچستان در آنجا واقع خواهد گردید و مرکز تقاطع کشتی رانی دریای هندو فلات آسیای میانه خواهد بود» - بهداشت این بندر خوب نیست و شهربست کثیف و مردمش فقیر و بیچاره، ارتباط آنها با بنادر عمان و مسقط میباشد.

بندر لنگه

بندر لنگه تا سال ۱۲۶۸ خورشیدی شهری بود آباد و رونق تجارت و معاملات مروارید آنجا رواج تامی داشته و سکنه این شهر ۲۰۰۰۰ نفر بوده که اکثر بداد و ستد مروارید اشتغال داشته اند و از بنادر مهم خلیج فارس بشمار میرفت یکی از سیاحان انگلیس مینویسد در سال ۱۸۱۱ میلادی چند کشتی بازرگانی انگلیسی به لنگه آمده بود و معادل چهار صد و ده هزار لیره طلا مروارید خریداری و از بندر لنگه صادر کردند. در سال ۱۶۲۵ میلادی پرتغالی ها در قصبه کونک نزدیک لنگه قلعه برای سکونت خود بنا نمودند و مدتی آنجا را در تصرف خود نگاه داشتند.

در سال ۱۱۲۹ خورشیدی اعراب جو اسم از بنادر عمان آمده و بندر لنگه را متصرف شدند و تا سال ۱۲۶۳ خورشیدی در تصرف آنها بود و بخشدار آنجا از پرداخت مالیات بدولت استتکاف میکرد بنابراین دولت ایران مرحوم حاجی احمد خان سدید الملک مینایی با همراهی و مساعدت زاید بن خلیفه شیخ المشایخ حکمران بندر بوظبی را با عده قشون مأمور سرکوبی شیخ محمد فرماندار لنگه نمود پس از چند روز زدو خورد و محاصره کردن قلعه آنجا بالاخره شیخ نامبرده شکست خورده و بطرف بنادر عمان فرار نمود و لنگه بتصرف سپاهیان ایران درآمد. مظفر الدین شاه پیاس خدمات شیخ زاید بن خلیفه لقب شیخ المشایخی باشمشیر مرصع بوسیله احمد خان دریا بگی بشیخ بوظبی عطا نمود - شیخ بندر بوظبی که یکی از بنادر عمان است تا زمان حیات خود نسبت بدولت ایران با وفا بود و خود را دوست ایران میدانست.

پس از رفع غائله شیخ بندر لنگه و فرار او بخشدارهای آنجا که از طرف حکام و فرمانداران بوشهر منصوب و اعزام میگرددیدند - اکنون این بندر رو بخرابی رفته اغلب خانه های آنجا ویران و سکنه این شهر به بنادر عمان و بحرین مهاجرت کرده اند و جمعیت کنونی بندر لنگه را در حدود ۵۰۰۰ نفر میگویند این شهر دارای دو دبستان شش کلاسی و ۱۵۴ نفر دانش آموز است آب مشروب لنگه از چاه ها است که از بیرون شهر میآورند - در قصبه شناس شش کیلومتری این شهر باغها و نخلستان خرما و درخت های بزرگ و کهن سالی وجود دارد و محلی بسیار با صفا است. راه ساحلی در زمان مرحوم داور وزیر دارائی از بوشهر به لنده ساخته شده و مبالغ هنگفتی صرف هزینه آن گردید و منظور جلوگیری از کالای قاچاق بود ولی اکنون این راه بکلی خراب شده و مورد استفاده نیست.

بندر لنگه بداخله از راه بستک و لارستان ارتباط دارد. در سالهای پیش در حدود پنجاه کشتی برای صید مراورید متعلق به اعراب آل بوسمیط

در این بندر وجود داشته و اکنون آثاری از آنها باقی نیست - سیم تلگراف از راه خشکی تا کنون در لنگه دایر نگردیده ولی تلگراف بی سیم در آنجا دایر است - امور بهداشت و فرهنگ این بندر بسیار بد است و اهالی بواسطه فقدان دوا و طبیب در زحمت میباشند خوب است وزارت بهداشت در خصوص بهداشت بنادر جنوب توجه مخصوص نمایند و راضی نشوند چنین تلفات زیادی در بنادر جنوب ادامه یابد و از نفوس کم جمعیت این مملکت هر روزه کاسته شود - در کوه های اطراف لنگه معادن مس - آهن و نقره - و گل طلائی رنگ موسوم به «بنت الذهب» وجود دارد که تا کنون اولیاء ایران از وجود این معادن و ثروت طبیعی خداداد خبر ندارند. اهالی لنگه با بنادر عمان و کرانه عربستان ارتباط دارند و دارای چند کشتی برای حمل کالا هستند .

مجمع الجزایر بحرین

بحرین عبارتست از چند جزایر بزرگ و کوچک که در کرانه جنوب و باختری خلیج فارس واقع گردیده که عبارتست از: جزیره منامه - جزیره محرق - جزیره عراد - جزیره امشجر - جزیره حاله ابیض - جزیره ام العصان - جزیره بنی صالح - جزیره ستره - و جزیره حد - در این جزایر چشمه های آب فراوان مشروب وجود دارد منامه بزرگتر از سایر جزایر است طول آن ۷۷ کیلومتر و عرض آن ۱۲ کیلومتر است در سالهای پیش دارای ۳۶۰ دهستان بوده ولی اکنون ۱۱۷ قصبه و نفوس آنجا در حدود ۲۵۰۰۰ نفر است و مرکز عمده دادوستد و معامله مروارید میباشد و صادرات مروارید بحرین در سال معادل یک میلیون و نیم تا دو میلیون لیره انگلیسی است و محصول عمده آنجا خرما است - جزیره محرق بوسیله کانال باریکی از منامه جدا شده طول این جزیره ۷ کیلومتر و عرض آن ۶ کیلومتر و جمعیت آنجا در حدود ۲۰۰۰۰ نفر است و فرودگاه و خط سیر هواپیما های انگلیسها

میباشد سکنه مجمع الجزایر بحرین را در حدود یکصد هزار نفر میگویند. در دوره اردشیر ساسانی پس از جنگ های سخت بحرین در تصرف سپاهیان ایران درآمده و نیز در زمان شاپور دوم پس از کشتارهای زیاد بحرین و ناحیه قطیف و لحسا را تصرف کرد. هلاکوخان و امیر تیمور نیز بحرین را چندی در تصرف خود داشتند در سال ۶۳۳ هجری اتابک ابوبکر بن سعد آنجا را در دست داشت بعداً حکمران جزیره هرمز آنرا تصرف نمود. در زمان شاه عباس خواجه معین الدین اسیری جزایر بحرین را برای الله وردیخان والی فارس باز گرفت و تا آخر دوره صفویه حکومت بحرین یا شیخ جباره لارستانی بود و در فتنه افغانها و ضعف صفویه شیخ نامبرده خود مالک با استقلال بحرین مینامید و بعد محمد تقی خان شیرازی از طرف نادر شاه آنجا را تصرف نمود و تا آخر دوره کریم خان زند در تصرف شیخ نصرخان بوشهری بود. در سال ۱۲۱۰ هجری اعراب عتوب از نجد به بحرین آمده و آنجا را تصرف کردند و شیخ نصرخان فرار نموده بیوشهر رفت سپس شیخ احمد رئیس طایفه عتوب حکمران بحرین گردید بعد پسرش شیخ سلیمان جانشین پدر گردید ولی شخص بی کفایتی بود پس از او شیخ عبدالله مدت ۲۲ سال در بحرین حکومت داشت بعد از فوت او شیخ محمد در سال ۱۲۶۱ هجری حکومت بحرین یافت و پس از زدو خورد و جنگ های سخت که بین او و برادرش شیخ علی واقع گردید در سال ۱۲۸۹ هجری شیخ محمد با مساعدت لشگریان ایران موفق گردید بر مخالفین خود فایز شود و پس از بیست سال حکمرانی عاقبت به تحریک بیگانگان از بحرین تبعید گردید و شیخ عیسی فرزند شیخ علی آل خلیفه بحکومت آنجا منصوب شد در سال ۱۲۹۹ هجری انگلیسها قراردادی با او بستند که با هیچ دولت دیگر قراردادی منعقد نکنند و نیز اجازه ندهد دولت دیگری نماینده سیاسی در بحرین داشته باشد و در سال ۱۳۱۱ هجری قرار داد دیگری با شیخ عیسی بسته شد که بهیچ دولت دیگر زمینی در جزایر

بحرین نفروشد - اولین نماینده انگلیس در بحرین مرحوم محمد رحیم آل صفر بوشهری بود و پس از فوت او کنسول انگلیسی به بحرین آمد - در سال ۱۳۲۳ هجری برادر زاده شیخ عیسی با عده از اعراب زد و خوردی با ایرانیان ساکن بحرین نمودند که در نتیجه چند نفر اتباع ایران کشته و زخمی شدند از این پیش آمد غیر مترقبه بازرگانان ایرانی مقیم بحرین به تهران شکایت نمودند و مرحوم میرزا نصرالله خان مشیرالدوله وزیر خارجه حفظ جان و مال ایرانیان ساکن بحرین را رسماً از انگلیسها خواست و آنها کشتی جنگی و عده نظامیان به بحرین وارد کرده و بشیخ عیسی التیماتوم برای جبران این قضیه دادند بعلاوه مبلغی خسارت دریافت نمودند و برادر زاده او را که مسبب این واقعه بود برای چندی به هندوستان تبعید کردند و از این بی بعد کنسول انگلیس حق رسیدگی بشکایات کلیه اتباع خارجه در بحرین دارا گردید و شیخ عیسی که مردی کهن سال بود از حکومت جزایر بحرین منفصل گردید و پسرش شیخ احمد بجای او در زیر نظر مستشار عالی انگلیسی حکمران آنجا گردید و اکنون شیخ سلمان بحکومت بحرین برقرار شده است ایرانیان بدون اجازه مأمورین انگلیس حق ورود در بحرین ندارند و ایرانیانیکه در آنجا هستند عده تبعیت حکومت بحرین را قبول کرده و عده املاک و خانه های خود را فروخته و از آنجا رفته اند .

در بحرین چشمه های فراوان وجود دارد که غالباً بشکل آبشار در آمده و سنک های آسیاب را میگردانند نیز نخلستان و درخت های انار - لیمو - جوز و ترنج در آنجا زیاد بعمل میآید - هوای بحرین زیاد گرم و شن و خاک اطراف آنرا فرا گرفته است - بحرین دارای ۲۷۰۰ کشتی و اکثر مردمش بصید مروارید مشغولند - نصف مردم شهر منامه ایران هستند .

جزیره قشم

قشم بزرگترین جزایر خلیج فارس است و معروف بجزیره طویل در کتاب نهجه الاهر نام جزیره بنی کافان نوشته شده طول این جزیره ۱۰۸ کیلومتر و عرض ۱۸ کیلومتر است - در سابق دارای ۳۶۰ دهستان داشته ولی بواسطه زلزلهای متوالی خراب و ویرانه شده اکنون دارای هشتاد قصبه میباشد - جمعیت این جزیره را در پیش در حدود ۳۵۰۰۰ نفر گفته اند و اکنون سکنه آنجا را ۱۵۰۰۰ نفر میگویند - اکثر مردم آنجا بافنده بادبان و منسوجات ریسمانی میباشد و سی دستگاه بافندگی در آنجا دائر است محصول گندم و جو آنجا بسیار کم است ولی نخلستان زیاد در قشم وجود دارد در سمت شمال شرقی این جزیره بندر گاه و مرکز قشم واقع است مسافت بین قشم و بندر عباس در حدود ۱۸ کیلومتر میشود قلعه پرتغالی ها جزء دیوار و بروج مخروبه آن دیگر آثاری بجا نمانده فقط چند لوله توپ در این قلعه بنظر میرسد که برخی از آنها زیر زمین فرو رفته اند در این جزیره معادن نمک و خاک سرخ فروان وجود دارد که مقدار زیادی بخارجه میرود و نمک برای تصفیه نفت به پالشگاه آبادان برده میشود - در قشم آثار معدن نفت نیز بنظر میرسد و شرکت نفت انگلیس و ایران چندی در آنجا بعملیات حفاری مشغول بود ولی سرچشمه نفت بدست نیامد - جزیره قشم دارای یک دبستان چهار کلاسی و ۸۵ نفر دانش آموز دارد - مردم آنجا همه فقیر و اکثر بتراخم چشم مبتلا هستند و بهداشت آنجا بسیار بد و تلفات در بین آنها زیاد است .

انگلیسها پس از سرکوبی دزدان دریائی در خلیج فارس ایستگاهی برای نیروی دریائی خود در سال ۱۸۲۲ میلادی در بندر باسعید بنا نمودند و چند ساختمان و یک مریضخانه و انبارهای ذغال ساختند و اجازه ساختمانها در زمان فتحعلی شاه به آنها داده شد - در سال ۱۸۶۳ میلادی در دوره

ناصر الدین شاه «كلارك» انگلیسی مأمور تأسیس تلگرافخانه بجزیره قشم آمد و در قصبه شناس محلی را برای تلگرافخانه انتخاب نمود اکنون سیم تلگراف تحت البحری از بوشهر بجزیره هنگام و از آنجا بقشم و بندرعباس تا بندر جاشك و کراچی اتصال یافته. در سال ۱۹۳۵ میلادی نیروی دریائی انگلیس مأمور خلیج فارس بندر باسعید را تخلیه و بجزیره بحرین انتقال یافته و ساختمانهای آنها خالی از سکنه میباشد - در این جزیره ظروف سفالی و بعضی اشیاء عتیقه یافت میشود نیز در اطراف قشم صدف وزنی بدست میآید که بخارجه حمل میگردد ولی مروارید آنها کمیاب است - اداره گمرک در قصبه سوزان - دبرستان - لافت - ظنی - در گهان - و در قصبه نمکدان دایره شده ولی کالای قاچاق از بندر عمان وارد قشم میگردد .

هوای این جزیره بسیار گرم و قابل تحمل نیست مردمش اکثر در فصل تابستان بمیناب میروند - آب مشروب قشم خوب و گوارا میباشد - در فصل زمستان اهالی آنجا در معادن خاك سرخ و نمك كار میکنند و ارتباط آنها با بندرعباس و بندر عمان است - محصول خرما در این جزیره فراوان میباشد .

جزیره هنگام

طول این جزیره ۹ کیلومتر و عرض آن ۶ کیلومتر است اطراف هنگام قطعات بزرگ سنگ چخماق که هر یک چندتن وزن دارد و بواسطه فشار تحت الارضی پیدا شده یافت میگردد - این جزیره ایستگاه خط تلگراف تحت البحری که بطول ۱۳۶ میل دریائی تا بندر جاشك کشیده شده و خط تلگراف دیگر بطول ۳۸۰ میل به بندر بوشهر میرسد. انگلیسها چند ساختمان در آنجا بنا کرده اند که اکنون تخلیه شده و دستگاه بیسیم خودشان را به بحرین انتقال داده اند و نیز در سال ۱۳۱۳ خورشیدی تکیه گاه

نیروی دریائی آنها از هنگام انتقال یافته است - سکنه هنگام در سالهای پیش در حدود چهارصد خانوار و ۳۴ کشتی برای صید مروارید داشته ولی اکنون جمعیت آنجا را ۳۰۰ نفر میگویند بخشدار این جزیره شیخ احمد از طایفه بنی یاس بود که در سال ۱۲۳۳ خورشیدی از بنادر عمان به هنگام آمده او شخصی بود بدجنس و خون خوار و از دولت مرکزی اطاعت ننمید و مالیات نمیداد و با قاچاقچیان آنجا همدمت بود نیز ایرانیان را به هنگام راه نمیداد و به تحریک او در چند سال پیش مدیر گمرک آنجا را بوضع فجع کشتند و کسی باز خواست خون آن بیچاره را ننمود همینکه اداره نیروی دریائی انگلیسها آنجا را تخلیه کرد شیخ نامبرده از ترس آن جنایت با عده اعراب سکنه هنگام بطرف بنادر عمان فرار نمود مردم این جزیره همه فقیر و از تنگ دستی اکثر به بنادر عمان مهاجرت کرده اند و عده کمی در اطراف هنگام صید مروارید میکنند ولی مروارید آنجا کمیاب است - این جزیره دارای چند قریه بدون سکنه میباشد - اداره گمرک هنگام عایداتی ندارد و بیشتر مردمان آنجا کالا از بنادر عمان بطور قاچاق وارد میکنند این جزیره تابع بندر عباس است ولی ارتباط مردمش زیاد تر با بنادر عمان میباشد اطراف هنگام ماهی زیادی وجود دارد که اهالی آنها را خشک نموده به اطراف میفرستند - در این جزیره اثری از بهداشت بنظر نمیرسد و تلفات مردمش زیاد است .

جزیره گیس

طول این جزیره ۱۵ کیلومتر و عرض آن ۷ کیلومتر است از حیث خوبی آب و هوا و فراوانی آب از بهترین جزایر خلیج فارس بشمار میرود در سالهای پیش جمعیت آنجا را ۱۲۰۰۰ نفر و دارای شصت کشتی بزرگ و ۱۵۰ کشتی کوچک برای صید مروارید بوده ولی اکنون سکنه این جزیره در حدود ۱۵۰۰ نفر میگویند و بخشدار آنجا از طایفه آل علی است

که در قصبه ماشی اقامت دارد و محصول این جزیره خرما و کمی گندیم و جو و زرت میباشد. آثار ویرانه قصبه حریرا که از بناهای خلفای اسلام بوده اکنون باقیمانده و از مشاهده ستونهای عمارات مخروبه که بنظر میرسد در اثر زلزله خراب شده نیز قلعه نزدیک در کرانه وجود دارد که بوسیله دهلیز زیرزمین بدریا اتصال داشته و دیوارهای آن از سنک و سیمان ساخته شده و در خرابهای این جزیره اشیاء عتیقه از جمله ظروف سفالی و چینی و سکه های قدیم یافت میشود نیز آب انبار و قنات های زیاد دارا بوده که اکنون هفت قنات آن مخروبه میباشد و همچنین چند مسجد داشته و در یکی از این مساجد لوحه سنگی بنظر رسید که سوره تزیل بر آن نقش شده - مروارید که در اطراف این جزیره بدست میآید بهترین مروارید در خلیج فارس است و نظر بخوبی بندرگاه و آب مشروب فراوان اکثر تجار مروارید به این جزیره آمد و رفت دارند .

پس از آنکه جزیره دلعه اهمیت و موقعیت خود را از دست داد جزیره گیس از حیث داد و ستد مروارید مقام خاصی را دارا گردید - در فصل تابستان بواسطه صید مروارید بر نفوس این جزیره افزوده میشود مردمش اکثر فقیر و تنگ دست هستند - جزیره گیس در پیش ابواب جمعی و جزء املاک خالصه قوام الملک شیرازی بوده بعد از آنکه میرزا علی خان قوام الملک معروف بقوام لنگ قلعه طبررا در فارس فتح نمود و اشرار را شکست داد ناصر الدین شاه پیاس این حسن خدمت جزیره گیس را بقوام الملک بخشید و او هر ساله هشت هزار ریال مالیات از بخشدار آنجا دریافت میکرد بعدها این جزیره را بمحمد رضا سبطه الممالک حکمران ناحیه بستک و جهانگیره در مقابل بیست و پنجهزار تومان فروخت - مسافت بین جزیره گیس تا بندر گرزه از توابع شبکوه در حدود ۱۷ کیلومتر است و ارتباط مردم آنجا با جزیره بحرین و بنادر عمان است - در تاریخ خلیج فارس نام این جزیره مشهور است و جمال الدین ابوالفتح معروف

به این مجاور در تاریخ منتصری مینویسد: «گیس شهر است بزرگ و حصاری دور آن کشیده شده بازرگانان انواع پارچه های ابریشمی و کتان و حبوبات به این جزیره وارد میکنند و در مقابل مروارید خریداری مینمایند در این جزیره نخلستان و خرما و فراوان وجود دارد خانه ها عموماً دارای چند طبقه است اهالی آنجا از منسوجات بافت مرا کش لباس میپوشند و گوشه دستار خود را آویزان میکنند» این بلخی مورخ عرب مینویسد: «جزیره گیس را جانشین شهر صیرف که اکنون بندر طاهری است میدانند و میگویند شهر قدیم گیس در سمت شمالی این جزیره واقع شده و تپه های زیادی از آثار خانهای آن و ستونهای سنگی در اطراف آنها اکنون باقیمانده است و حکمران این جزیره بر سواحل عمان و خلیج فارس فرمان روائی داشته و کشتی های تجارتي که میان هندوستان و خلیج فارس رفت و آمد داشتند در این جزیره توقف میکردند و تا اواخر قرن ۱۴ هجری جزیره گیس شهرتي زياد دارا بوده بعد ها این جزیره رو بویرانی گذارد و جزیره هرمز رو بترقي و آبادی نهاد - این یا قوت مورخ دیگر مینویسد: «در قرن ۱۳ هجری گیس شهری آباد دارای خانهای قشنگ و عمارات عالی که اطراف آن باغها احاطه نموده و چند آب انبار بزرگ برای ذخیره آب باران و پنج بازار معمور و مردمش صید مروارید میکردند و جمعیت زیادی در آنجا سکونت داشته».

بنامین از اهالی تودلا مینویسد: «جزیره گیس بازار تجارتي مهمی بشمار میرود و بازرگانان هندی - یمنی و ایرانی انواع پارچه های ابریشمی و ریسمانی و پنبه و حبوبات و مقداری زیاد ادویه وارد گیس میکنند و فرماندار این جزیره بواسطه نیروی دریائی که دارد امرای هندوستان او را تکریم و احترام مینمایند و کلیه جزایر مجاور در تحت حکومت فرماندار گیس میباشد - در اینجا چند نفر را ملاقات نمودم که در حکمت و ادبیات تبحری کامل دارا بودند».

جزیره هرمز

طول این جزیره ۹ کیلومتر و عرض آن ۸ کیلومتر است مسافت بین این جزیره تا بندر عباس ۱۸ کیلومتر میشود - سکنه کنونی آنجا را در حدود ۱۳۰۰ نفر و دارای ۱۵ کشتی میگویند اکثر مردمش در معدن خاک سرخ و معدن نمک کار میکنند و برخی معتاد بافیون هستند .

این جزیره دارای معادن نمک - گوگرد - خاک - سرخ - آهن - زاج و گودرز موسوم به بنت الذهب میباشد و از بندرگاه تا معدن خاک سرخ ۲۱ کیلومتر فاصله دارد در یک قسمت از این معدن چند سال است مشغول استخراج خاک سرخ هستند و سایر معادن دیگر تا کنون استخراج نشده و مقدار زیادی خاک سرخ بخارجه میفرستند و از صادرات عمده آنجا بشمار میرود - بلندترین کوه های هرمز ۲۲۰۰ متر ارتفاع دارد و معروف است در قدیم آتش فشانی داشته - آثار قلعه پرتغالی ها که مشهور بقلعه مرنا بوده اکنون باقیمانده این قلعه دارای دو حیاط بزرگ و چند آب انبار که هر یک ده ستون پنج متری از سنگ ساخته شده نیز زیر زمین و مخازن دار میباشد. هوای این جزیره در فصل تابستان بسیار گرم و بواسطه کم آبی اکثر مردمش به بندر میناب میروند. شهر قدیم و حکومت نشین این جزیره چرون بوده و هرمز در قدیم نام قریه در کرانه خلیج فارس بود که در قرن ۱۴ هجری مرکز تجارت شرق و غرب بوده و بنای آنرا باردشیر بابکان نسبت میدهند که بندر تجارتی کرمان بوده و قریب ۳۰۰ کشتی از نواحی مختلف برای داد و ستد در لنگرگاه آنجا همه وقت موجود بود در آنجا نیل - گندم - جو - برنج بعمل میآمده و صادرات عمده آنجا مروارید و ابریشم بود مورخین هرمز را بازار تجارت آسیا نوشته اند و چهار صد نفر بازرگانان در آنجا اقامت داشته و معاملات آنها فرش - پارچه ابریشمی - مروارید و ادویه و اسب های خوب که به هندوستان میفرستادند و موقعیت و اهمیت آنجا را از بعد ظهور اسلام میدانند . یکی از فرمانداران هرمز توران شاه بوده و در کرانه آن سکه های طلا یافت شده که در یکطرف

آن نام عادل شاه و طرف دیگر اسم چيرون نوشته شده است. در سال ۶۶۵ هجری رکن الدین محمد حکمران این جزیره بوده که تابع اتابکان فارس و کرمان بود در دوره حکمرانی میربهاء الدین ایاز سال ۷۲۰ هجری مغولها بهرمز حمله نمودند و آنجا را دست خوش چپاول و یغما قرار دادند که در نتیجه فرماندار و مردم آنجا بجزیره گیس فرار کردند. ابن بطوطه مورخ عرب مینویسد: «در سال ۷۷۴ هجری شهر قدیم هرمز در ساحل دریا واقع و بنام مغستان مشهور بوده و شهر چيرون مرکز جزیره هرمز شهر است بزرگ صادرات و واردات زیاد داشته و تا مدت دو بیست سال با بازار تجارت خلیج فارس بشمار میرفت. در سال ۷۳۹ هجری میر قطب الدین فرماندار آنجا جزایر بحرین و گیس را نیز در تصرف داشته سپس پرتغالی ها او را شکست داده و هرمز را متصرف شدند. «دورات باربوسا» سیاح پرتغالی مینویسد: «با اینکه جزیره هرمز بزرگ نیست ولی شهر است زیبا و قشنگ و بازرگانان آنجا کثرت کثیر و ایرانی هستند در بندرگاه انواع کالاهای خارجه با امتعه داخله معاوضه میشود در قرن ۱۵ و ۱۶ هجری این جزیره بسیار آباد بوده. در سال ۱۵۰۷ میلادی «الفونسو البوکرک» سردار پرتغالی با کشتی های خود بجزیره هرمز آمد فرماندار این جزیره قوای خود را مرکب از سی هزار نفر و چهار صد کشتی برای مدافعه حاضر نمود جنگی سخت بین آنها در گرفت که منجر بفتح و غلبه سردار پرتغالی گردید و پنجهزار زرافین فرماندار آنجا غرامت جنگ داد و متعهد گردید سالی ۱۵ هزار زرافین خراج بدهد «البوکرک» قلعه در محلی موسوم به مورونا در هرمز بنانهاد و تجارتخانه در آنجا تأسیس نمود و مقدار زیادی کالا وارد کرد و تجارت پرتغالی مشغول تجارت شدند.

در این بین شاه اسماعیل صفوی از فرماندار هرمز مطالبه مالیات نمود او موضوع را به «البوکرک» گزارش داد و از او کسب تکلیف کرد او جواب داد که هرمز را بجنک گرفته ایم و متعلق بیادشاه پرتغال است چون

شاه اسماعیل سرگرم با عثمانیها بود در آن موقع نمیخواست با پرتغالی ها در خلیج فارس جنگ نماید و کار بمسالمت و سازش با آنها انجام یافت در سال ۱۰۴۰ هجری شاه عباس بزرگ پس از معاهده و صلح با عثمانی ها لشکریان ایران بسرمداری امام قلی خان مأمور تصرف هرگز نمود و با مساعدت کشتی های انگلیسی پرتغالی هارا شکست داد و آنجا را تصرف نمود و پرچم ایران بجای پرچم پرتغالی ها بر فراز قلعه هرگز افزوده شد و طبق شرایط صلح پرتغالی هارا بمسقط فرستادند و دست آنها در هرگز و خلیج فارس کوتاه گردید - در سال ۱۳۰۶ هجری در دوره ناصرالدین شاه یک نفر مهندس نظامی روسی جزیره هرگز آمده بود و تنگه هرگز و موقعیت نظامی آنرا بازدید نمود و در مراجعت خود بدولت روسیه تزاری پیشنهاد کرد که چند مخزن ذغال برای سوخت کشتی های روسی در آنجا تأسیس کنند ولی پیشنهاد او بصورت عمل در نیامد .

این جزیره دارای یک دبستان چهار کلاسی و در حدود ۵۰ نفر دانش آموز است که بیشتر آنها بدرد تراخم چشم مبتلا هستند و بهداشت مردم این جزیره بسیار بد و باعث تأسف است .

جزیره خارک

طول این جزیره ۸ کیلومتر و عرض آن ۴ کیلومتر است و مسافت بین خارک تا بندر بوشهر در حدود ۳۰ میل دریائی است - هوای این جزیره معتدل و دارای آب فراوان است - سکنه این جزیره در حدود یکصد خانوار میگویند و مردمش اکثر دریا نورد یا بصید مروارید مشغولند . محصول آنجا کمی گندم - جو و ذرت میباشد - اطراف این جزیره کوه ها احاطه نموده که در بعضی از آنها دخمه های زیادی وجود دارد و خطوط میخی در آنجا نوشته شده گویا این دخمه های مردگان زردشتیان بوده که در قدیم در این جزیره اقامت داشته اند - آثار قلعه هلندیها تا کون در آنجا

باقیمانده ولی سنک های آنرا برای ساختمان های پالشگاه شرکت نفت انگلیس و ایران در آبادان برده اند - در سال ۱۷۵۳ میلادی «بارن نیفوزن» مدیر تجارتخانه هلندیها باین جزیره آمده و قلعه برای اقامت خود ساخته و مشغول امور بازرگانی شده بعد از استقرار هلندیها در خارک مناقشه بین «نیفوزن» و میر مهنا بخشدار بندر ریك تولید گردید و موضوع آن این بود که هلندیها میبایست مال الاجاره توقف خود را در خارک بپردازند و این مشاجره تا چند سال ادامه داشت - در سال ۱۷۶۵ میلادی میر مهنا قلعه هلندیها را محاصره و اموال آنها را تصرف کرد و هلندیها را بوسیله کشتی روانه باتاوایا نمود - کریم خان زند سپاهیان بخارک فرستاد ولی کوشش آنها بدون نتیجه ماند و در سال ۱۷۶۹ میلادی مجدداً قشون ایران باتوپخانه و مهمات کافی بخارک اعزام و آنجا را محاصره نمود - میر مهنا چون کار را سخت دید شبانه بطرف بندر کویت فرار کرد و از آنجا به بصره رفت و در آنجا کشته شد و جزیره خارک بتصرف قشون ایران در آمد .

در بین سالهای ۱۸۳۸-۱۸۴۲ میلادی جزیره خارک بتصرف انگلیسها در آمد و این در موقعی بود که محمد شاه قاجار برای تصرف هرات جنگ میکرد - در سال ۱۸۵۶ میلادی که ناصرالدین شاه لشکریانی به هرات روانه نمود و آنجا را محاصره کرد مجدداً قشون انگلیس جزیره خارک را تصرف کردند و بلندن پیشنهاد شد که خارک مرکز سپاه انگلیس در خلیج فارس گردد «سر جیمس او ترام» انگلیسی مینویسد: «بعقیده من جزیره خارک برای اقامت نماینده انگلیس در خلیج فارس مناسب است زیرا اگر نماینده ما در آنجا باشد دیگر در بوشهر مجبور نخواهد بود اوقات خود را صرف مداخله در امور اتباع ایران بنماید - برای این مقصود لازم نیست جزیره خارک را از حاکمیت ایران منتزع ساخته و جزء متصرفات انگلیس قرار دهیم» . جزیره خارک تابع بخشدار بندر ریك است و سکنه آنجا مالیات حاصله از صید مروارید بضابط بندر ریك میدهند در چند سال پیش دولت

ایران در صدد برآمد که باز جوئی در عمل صید مروارید آنجا بنماید ولی اقدامات دولت در نتیجه سعایت بخشدار بندر ریک بدون اثر ماند - جزیره خارگو نزدیک خارک واقع و غیر مسکون است در این جزیره لاک پشت های عظیم الجثه دریائی وجود دارد و سیاحان خارجه و بعضی اهالی کرانه خلیج فارس برای شکار آنها باین جزیره میروند - در خارگو چند چاه آب گوارا و چندین درخت های کهن سال بنظر میرسد و منظره باصفائی دارد .

جزیره شیخ شعیب

طول این جزیره ۱۲ کیلومتر و عرض آن ۵ کیلومتر است جمعیت آنجا را در حدود ۷۰۰ نفر میگویند - این جزیره نزدیک بندر مقام از توابع بندر شیبکوه است بخشدار آنجا از مشایخ آل حماد میباشد و مردم این جزیره دارای چند کشتی برای صید مروارید و یکی از مراکز خرید و فروش مروارید است - اهالی آنجا بصید مروارید اشتغال دارند .

جزیره فرور

طول این جزیره ۷ کیلومتر و عرض آن ۵ کیلومتر است و جزء بندر مغو از توابع بندر شیبکوه است. سکنه آنجا را یکصد نفر میگویند بخشدار این جزیره از طایفه آل مرزوق میباشد و دارای چند کشتی برای صید مروارید هستند محل صید مروارید این جزیره در نقطه موسوم به نجوا است مردمانش همه فقیر و غذای اکثر آنها ماهی خشک شده میباشد .

جزیره سری

طول این جزیره ۷ کیلومتر و عرض آن ۴ کیلومتر و از توابع بندر لنگه است . سکنه آنجا را ۲۰۰ نفر میگویند که از طایفه اعراب هوله میباشند و دارای بیست کشتی برای صید مروارید هستند و مردم این جزیره صید مروارید میکنند .

جزیره لارک

طول این جزیره ۱۱ کیلومتر و عرض آن ۷ کیلومتر است که از صخره‌های آتش فشانی مخروطی الشكل تشکیل یافته و تا بندر عباس در حدود ۱۸ میل دریائی فاصله دارد - سکنه آنجا ۲۰۰ نفر از طایفه شوهمیان میباشند و اکثر آنها بصید مروارید اشتغال دارند. مسافت بین این جزیره تا رأس الجبال که محل صید مروارید است ۲۸ میل دریائی میشود - در این جزیره معادن خاک سرخ و گودرز (بنت الذهب) وجود دارد که تاکنون از آنها استفاده نشده است .

جزیره هندرابی

طول این جزیره ۹ کیلومتر و عرض آن در حدود ۴ کیلومتر است نزدیک بندر چيرو از توابع بنادر شیبکوه واقع شده جمعیت آنجا را ۲۳۰ نفر میگویند که بصید مروارید و ماهیگیری مشغولند .

جزیره بن موسی

طول این جزیره ۵ کیلومتر و عرض آن ۴ کیلومتر است که بین بندر لنگه و بندر دبی واقع شده و تا بندر لنگه ۴ میل دریائی فاصله دارد در پیش که به تشدار بندر لنگه از مشایخ جواسم بوده و او بامشایخ بندر شارجه و رأس الخیمه بنی اعمام بود بنابراین او این جزیره مرکز مرتع و چراگاه چارپایان مشایخ نامبرده بود .

حکومت هائیکه از طرف دولت ایران به بندر لنگه میآمدند به این جزیره اهمیتی نمیدادند و آمدورفتی در آنجا نداشتند تا آنکه بالاخره شیخ بندر شارجه جزیره نامبرده را تصرف نمود - این جزیره دارای معدن خاک

سرخ است که مقدار زیادی بخارجه میفرستند و چند گشتی نیز برای صید مروارید دارند سکنه آنجا همه عرب میباشند و ارتباط آنها با بنادر عمان است.

دشتستان

بلوک دشتستان بچند ناحیه تقسیم شده که عبارتند از شبانکاره - حیات داود - لیراوی - انگالی رود حله و هر ناحیه بخشداری جداگانه دارد که در زیر نظر فرماندار بوشهر انجام وظیفه مینمایند. گندم - جو - حبوبات محصول دشتستان را تشکیل میدهد بعلاوه دارای نخلستان زیاد است که از آب رودخانه دالکی و خشت مشروب میگردد. سد شبانکاره که اخیراً ساخته شده هرگاه استفاده کامل از آن بشود بر محصول آنجا خواهد افزود بلوک دشتستان از حیث زراعت بواسطه فلات و رودخانه هایش بهترین بلوک نواحی جنوبی ایران بشمار میآید و دارای چندین قصبه آباد میباشد بنادر دشتستان عبارتند از:

بندر دیلم - گناوه - بندر ریگ - رود حله و این بنادر بالای خلیج فارس در سمت شمالی آن واقع شده است و رابطه آنها با بصره و بندر کویت و جزایر بحرین است در نزدیکی بندر دیلم در قدیم بندری بنام سینیز وجود داشته که بسیار آباد بوده و در زمان قرمطیان این بندر را غارت نموده و آنرا خراب کردند آثار خرابه های این بندر اکنون در یک فرسنگی بندر دیلم هنوز باقیست .

بلوک تنگستان

مرکز و ضابط نشین تنگستان قصبه اهرم است و سکنه این قصبه را در حدود ۳۰۰ خانوار میگویند اهالی تنگستان اکثر کشاورز و سلحشور هستند و داستان جنگ های آنها تاریخی است - مسافت بین اهرم و بوشهر قریب ۵۰ کیلومتر میشود - محصول آنجا گندم - جو - کنجد - پنبه - تنباکو است

و دارای نخلستان و اشجار مرکبات زیاد نیز میباشد که از آب چند چشمه مشروب میگردد مرکبات قصبه خاویز در جنوب ایران معروف است .

بنادر تنگستان عبارت از بندر حلیه - دلوار - عامری - کرمی - بوالخیر - باشی - هدکوار تباط آنها با بندر کویت و جزایر بحرین است .

بلوك دشتی

وسعت خاک دشتی بواسطه فلات ودشت هموار قابل مقایسه با تنگستان نیست - بخشدار دشتی در قصبه خورموج اقامت دارد عده سکنه این قصبه را در حدود ۲۰۰ خانوار میگویند و مردمانش سلحشور و اکثر کشاورز و دریا نورد میباشند - محصول دشتی گندم - جو - حبوبات - تنباکو و پنبه و دارای نخلستان زیاد است که از آب رودخانه موند مشروب میگردد و هرگاه سدی در این رودخانه ساخته شود باعث مزید عمران و آبادی این بلوك میگردد و نفوس آنجا از بالای قحطی و مجاعه مصون میمانند - بنادر دشتی عبارت از بندر کلات - لاور - دیر - میانلو - زیارت و بندر طاهری است که در زمان قدیم معروف به بندر صیرف بوده مورخین مشروحاً از وضعیت این بندر نوشته اند . آثار و بقایای شهر صیرف بمساحت نیم فرسنگ از بندر طاهری در کرانه دریا قرار گرفته و قلعه ویرانه آن اکنون باقیمانده نیز آثار يك مسجد است که از سنك تراش ساخته شده و ظروف سفالی و چینی در آنجا پیدا شده و کتیبه هائی بخط کوفی در آنجا وجود دارد که یکی از آنها که تاریخ قرن دهم میلادی داشته بموزه بریتانیا در لندن برده اند و دیگر آب انبار های بزرگ و دخمه های زیادی در آنجا بنظر میرسد - میگویند شهر صیرف را کیکاوس بنا کرده - ابو یزید صیرفی در قرن نهم هجری شرحی راجع باین شهر نوشته است - ابن بطوطه مورخ معروف مینویسد: بندر صیرف در خلیج فارس شهر است بزرگ و دارای قصور

رفیع و بساتین بدیع مملو از اشجار و آب مشروب آنجا از چشمه و قنات است که از کوه های اطراف جاری و بشهر میرسد . اشراف و متمولین این شهر ایرانی هستند و اعراب بنی سفا در آنجا صید مروارید مینمایند و به بازرگانان میفروشند و از حاصل فروش خود پنج يك مالیات بفرمانداز آنجا میدهند . - مقدسی مورخ دیگر مینویسد : «شهر صیرف از حیث اهمیت تجارت با بصره رقابت داشته و دارای خانهای عالی و بازارهای بزرگ است در سال ۹۷۷ میلادی بواسطه زلزله های سختی که مدت هفت روز ادامه داشته خرابی زیاد باین شهر وارد آمده . - اسطخری مورخ مینویسد : «بعد از شیراز بندر صیرف مهمترین شهرهای فارس است خانهای آنجا دارای چند طبقه میباشد و جمعیت این شهر زیاد است آب مشروب خوب و میوه از کوه جام میآوردند . واردات صیرف عبارت است از عود - عنبر کافور - جواهرات - عاج تخته آبنوس کاغذ ادویه و عطریات هندی است . و صادرات آنجا عبارتند از انواع پارچه ها و منسوجات کتاننی و مروارید که زیاد خرید و فروش میشود . پس از انقراض سلسله آل بویه در حدود سال ۴۷۵ هجری شهر صیرف رو با انحطاط و خرابی گذارد و در اثر زلزله های زیاد خراب گردید و اهمیت تجارتی خود را از دست داد و مرکز دادوستد بجزیره گیس منتقل گردید .

بندر طاهری دارای شصت کشتی برای صید مروارید میباشد و محل صید مروارید در رأس الراس واقع شده و مرواریدهای آنجا را برای فروش بجزیره گیس میبرند .

بنادر ثلاث و شیبکوه

بنادر زیر جزء بلوک جهانگیره - اسیر - گله دار و جم میباشد که تابع ایالت فارس واقع شده و در قسمت بعضی از کرانه این ناحیه بطول ۵۰ کیلومتر درخت جنگلی موسوم بگروم در دریا روئیده است . بندر عسلو -

بستانو - شیوو مقام جزء بنادر ثلاث هستند . و بندر تمبک - اختر - کننگان - پرک - حاله - نخیلو - چيرو - چارك - کلات عبيد - طاحونه - هتو - کنک - بندر معلم - ومتهابی جزء کرانه شيبکروه میباشد و تا بندر لنگه امتداد دارد . این بنادر هر يك دارای چند کشتی برای صيد مرواريد و محل صيد مرواريد آنها در مفرد - آشويه - وراس بستانه میباشد . و ارتباط آنها با بنادر عمان است .

بنادر مکران

بنادر زیر تابع بلوک میناب - رودان - احمدی و بشاگرد میباشد و در کرانه بلوچستان واقع شده با اینهمه وسعت خاک بواسطه کوهستانی بودن زراعت این ناحیه بسیار کم ولی دارای نخلستان فراوان هستند و مردمانش اکثر وحشی و راهزن و مسافرت از راه خشکی به بلوچستان در این نواحی خالی از خطر نیست و تا خط مرزی بین ایران و بلوچستان انگلیس در حدود ۳۸۰ کیلو متر فاصله دارد .

مردمان این حدود همه فقیر و بسختی امرار معاش میکنند غذای اکثر آنها ماهی خشک است - در سالهای قحطی و مجاعه اغلب سکنه آنجا مهاجرت بطرف بنادر عمان نموده یا ازین رفتند - در این بنادر اثری از بهداشت و تعلیم و تربیت بنظر نمیرسد - بنادر مکران عبارتند از :
کوهستک - کالک - تنگک - بندر سريک - توجک - بی ریز - سروگان و بارکی میباشد .

رأس مطاف

در کرانه بلوک دشتی کوهی است زیر آب در دریا وجود دارد که بفاصله چند کیلو متر کشیده شده و موسوم بر رأس مطاف است که در آن نجا عمق آب را کم کرده برای عبور کشتی ها در شب محل بسیار خطرناکی است . اکثر



کشتیها هنگام شب و مواقع طوفانی در آنجا شکسته کالا و مردمش از بین میروند و در سال مبالغ هنگفت خسارات مالی و تلفات جانی وارد میگردد - نویسنده برای حفظ جان و مال آن مردم بیچاره توجه دولت را برای نصب چراغ دریائی در رأس مطاف پیشنهاد مینماید .

صید مروارید

تجارت مروارید خلیج فارس در دست بازرگانان عرب و هندی و فرانسوی میباشد فقط محدودی از مردم بندر لنگه و بنادر شییکوه و اهالی جزیره گیس است که داد و ستد مروارید میکنند - محل صید مروارید در خلیج فارس که موسوم به هیارات است که بیشتر آنهار سمت کرانه عمان و بحرین واقع شده و در قسمت کرانه ایران هیارات زیاد نیست - موسم صید مروارید از اول تیر ماه شروع میگردد و تا مدت چهار ماه مشغول هستند بهترین مروارید خلیج فارس در دریای عمان و بحرین از حدود رأس الجبال در کرانه عمان یافت میشود .

مروارید هائیکه در کرانه جزایر متعلق به ایران بدست میآید در درجه دویم قرار گرفته است. کارگران صید مروارید بدو دسته تقسیم شده اند کسانیکه بقعر دریا فرو میروند و صدفهای محتوی مروارید جمع آوری میکنند آنها را غیص مینامند و اشخاصیکه در کشتی مانده دو رشته طنابی را که در دست غیص است یکسر طناب را در دست خود نگاهداشته و غیص را بالا میکشند آنها را سیب میگویند - دو رشته طناب عبارت است از یکرشته که سرب بآن بسته شده غیص را فوری بقعر دریا فرو میرد و رشته دیگر در دست غیص میباشد چون نفسش زیر آب تنگی کند این رشته را تکان میدهد سیب او را فوری بالای سطح آب میکشد و بعد از دادن سبد محتوی صدفها تجدید نفس نموده مجدداً زیر آب میرود و رشته طناب که سرب بآن بسته شده رها مینماید و صدفهای مروارید را که

در کف دریا روئیده بادستکش چرمی خود جمع نموده در سبد میریزد این عمل از صبح تا ظهر و از بعد از ظهر تا غروب ادامه دارد. هنگام شب صد فهارا شکافته مروارید آنها را بیرون میآورند. صدف وزنی بممالک اروپا برای ساختن دکمه یا دسته کارد و چاقو و سایر اشیاء دیگر میفرستند و از صادرات عمده خلیج فارس بشمار میرود.

خطر جانی غیص در دریا برخوردار بسنگ و صخره یا غارهای دریائی است و نیز از دو قسم حیوان دریائی میباشد که یکی را (دول) و دیگری را (کوسه) مینامند این حیوان دارای دندانهای تیز و برنده همچون اره میباشد همینکه او یکی را در آب بیند حمله آورده با دندانهای خرد ضربت مینماید و او را ناتوان ساخته و تلف میکند. ولی دول دندان ندارد و انسان را گاز میگیرد در نتیجه بدن غیص سوزش کرده که قادر بادامه کار خود نیست. در جزیره سیلان دو نقطه برای صید مروارید یکی بنام مینار و دیگری تنگری مینامند که امتیاز آن بشرکت انگلیسی داده شده که بوسیله لباس غواصی انجام میگیرد این لباس از دو قسمت تهیه شده پوشش و سرپوش که در آن نفوذ نمیکند سرپوش شبیه بسکلاه خود است که از مس ساخته شده تا گردن غواص را میپوشاند و دارای دوسوراخ مدور که با شیشه های ضخیمی مسدود شده و غواص میتواند اطراف خود زیر آب نگاه کند و بوسیله لوله مخصوص از کشتی هوا برای تنفس غواص میرساند و مخزن هوا در پشت سر غواص قرار دارد بعلاوه برای روشن نمودن عمق دریا چراغ الکتریکی بکار میرود که روشنائی دو هزار شمع دارا میباشد.

انواع مروارید

مروارید بچند درجه تقسیم بندی شده مهمترین آنها مروارید غلطان است که رنگ سفید متمایل بسرخ دارد و گران بها است نوع دیگر مروارید خشن

یا درشت می باشد که آنرا نباتی مینامند و اقسام دیگر مروارید قوله و بدله میگویند و رنگ آنها سفید متمایل بسبزی و یا کبود است - هر دانه مروارید که کروی است قوله نام دارد و مروارید نیم کروی موسوم - بطن الهند و مروارید مخروطی الشكل معروف به تنبول و نیم مخروطی زا کاوکی و مروارید ریز ناعم و بو که مینامند که همان مروارید های خاکه می باشد - بهای مروارید غلطان و درشت از همه اقسام دیگر زیاد تر است بیمناسبت نیست و نوشت مرسله را که میرزا علی اصغر امین السلطان صدر اعظم یکی از تجار معروف بندر لنگه نوشته برای مزید اطلاع خوانندگان نقل نماید «از قرار معلوم در آبهاییکه در خلیج فارس متعلق بدولت ایران است تازه صید مروارید بسیار خوب میشود تلگرافاً بحسین قلیخان سعدالملک حکمران بنادر جنوب اطلاع دادم که سریعاً به بندر لنگه آمده و در مقام ممانعت صید کنندگان مروارید اتباع خارجه بر آیند و اگر موقع صید است برای دولت ایران صید مروارید نموده فوراً نمونه بفرستند بلکه صدفی که مروارید در جوف آن باشد به تهران روانه نماید در این موضوع اهتمام کامل بعمل آورید و تحقیقات لازمه از خارج و داخل نموده گزارش بدهید هرگاه ممکن باشد بتوانید از صید جدید با چا پار دو نمونه بفرستید که یکی در جوف صدف و دیگر از صدف خارج باشد (شهر محرم ۱۳۰۰ هجری - امین السلطان) جای تعجب است که دولت ایران در سال ۱۳۰۰ هجری به این مسئله پی برده و مطلع شده است که در اطراف کرانه خلیج فارس صید مروارید میگردد در صورتیکه یکی از سیاحان انگلیسی مینویسد در سال ۱۸۱۱ میلادی هفتاد و پنج کشتی به بندر لنگه آمده و معادل ۴۱۰۱۶۰ لیره طلا مروارید خریداری کرده بودند بنابر این قریب به هفتصد سال پیش در خلیج فارس صید مروارید رواج داشته .

نویسنده اخیراً جواهرات سلطنتی را در بانک ملی ایران که بنام

پشتوانه اسکناس نگاهداری میشود مشاهده نموده چندین رشته مرواریدهای درجه اول غلطان که بتاج کیانی و جقه‌های ترصیع شده و نیز مرواریدهای درشت از نوع درجه دوم بصورت چند رشته‌های تسبیح در آنجا وجود دارد که همه آنها ممتاز و گرانبها میباشد. این مرواریدها رامشایخ بحرین و الیان مسقط برای پادشاهان قاجاریه هدیه فرستاده‌اند.

در زمان ناصرالدین شاه برای کسب اطلاع و چگونگی صید مروارید مأمورین دولت با کشتی پرس پلیس بجزیره خارک آمدند بخشدار بلوک حیات داود که جزیره خارک نیز تابع او بود محرمانه بضابط خارک دستور داد که مواضع صید مروارید را بمأمورین نشان ندهند در نتیجه دولت از این امر صرف نظر نمود.

خلیج فارس

از دیر زمانی خلیج فارس یکی از مهمترین دریاها از نقطه نظر سیاسی و اقتصادی بشمار میرفته و موقعیت آن نیز از لحاظ سوق الجیشی اهمیت زیادی داشته زیرا این خلیج سرراه و کلید خطوط دریائی قرار گرفته بنابراین مناسبات خلیج فارس عامل مهمی از نظر ارتباط اقوام مختلف و راههای بازرگانی شرق و غرب میباشد. طول خلیج فارس از ساحل عمان تا رأس الحد در حدود ۵۰۰ میل دریائی و عرض آن از ۲۹ تا ۱۶۰ میل دریائی است «نیار کر رس» سرداریونانی به امر اسکندر رومی از هندوستان بخلیج فارس آمد و موقعیت آنجا را بررسی نمود «البو کرک» پرتغالی در سال ۱۵۱۵ میلادی با چند کشتی بخلیج فارس آمده و جزیره هرمز را تصرف کرد. در سال ۱۶۳۹ میلادی هلندیها با کشتیها و محمولات فراوان وارد خلیج فارس شده و تجارت خود را در آنجا توسعه دادند. فرانسویها در قرن هفدهم بخلیج روی آورده و تجارتخانه در بندر عباس تأسیس کردند.

در قرن هفتم پیش از میلاد سناخریب نیروی دریائی بزرگی تدارک
نموده و از راه خلیج فارس به کلبه و بابل حمله کرد. سپس شاپور اول
با کشتی های خود بر اعراب مهاجم هجوم کرده و آنها را شکست داد.
در قرن ششم میلادی انوشیروان بقصد تسخیر عربستان نیروی دریائی بزرگی
در ابوله واقع در شط العرب تهیه نمود و از راس الحد در عمان گذشته
به عدن در بحر احمر رسید. در دوره شاه عباس صفوی نیز کوشش زیادی
برای ساختن کشتی هائی بمنظور حفظ امنیت خلیج فارس بعمل آمد ولی
به نتیجه نرسید. نادرشاه در صدد برآمد نیروی دریائی در خلیج فارس
تأسیس نماید و برای این منظور چند کشتی از انگلیسها و هلندیها خریداری
نمود و بوشهر راهر کرد. بحریه خود قرار داد بعلاوه امر کرد که از جنگل های
مازندران تخته و الوار بکرانه خلیج آوردند و چندین کشتی ساختند
«هارفورد جانس بریج» انگلیسی مینویسد: «در سال ۱۷۸۴ میلادی که وارد
بوشهر شدم از کشتی های نادرشاه سه کشتی در بوشهر باقیمانده بود که
هر يك پانصد تن ظرفیت داشتند» ناصرالدین شاه در نظر داشت که نیروی
دریائی در خلیج فارس تشکیل دهد که برای مراقبت و حفظ انتظام بنادر
جنوب چهار کشتی خریداری نماید برای این منظور از يك شرکت کشتی
سازی آلمانی دو کشتی خریداری شد يك کشتی پرس پلیس که دارای ۶۵۰
تن ظرفیت و قوه ۴۵۰ اسب و مجهز بچهار توپ کروپ بود این کشتی
در سال ۱۳۰۴ هجری وارد بوشهر گردید و دیگر کشتی شوش بود که
در رودخانه کارون رفت و آمد میکرد. در زمان مظفرالدین شاه نیز برای
جلوگیری از قاچاق چند کشتی کوچک از جمله کشتی مظفری و چند
کشتی های دیگر خریداری گردید ولی در اثر بیمبالاتی و عدم توجه همه آنها
خراب و در خور سلطانی نزدیک بوشهر بآب فرو رفته و ازین رفتند.
در سال ۱۵۸۰ میلادی «جان نیوبری» انگلیسی و ۱۵۸۳ میلادی
«هوکن هلندی» برای تحقیقات و اطلاعات اقتصادی بخلیج فارس آمده بودند.

«لرد کرزن» معروف که در سال ۱۸۹۲ میلادی که بخلیج فارس آمده در اهمیت آن مینویسد: «احداث بندر گاه در خلیج فارس از دیر زمانی جزء آمال و آرزوی روسها بوده هر گاه صورت عمل بخود گیرد آرامش و انتظامی که با صرف آنهمه مساعی و مجاهدت در خلیج فارس برقرار گردیده مختل خواهد شد هر دولتی که اجازه احداث بندری را در خلیج فارس بروسیه بدهد بعظمت انگلستان توهین وارد آورده و در اختلال خلیج نامبرده و تولید جنگ جدیت بخرج داده است آن سفیر انگلیس که در این مورد تسلیم شود و این اجازه را بدهد گاهکار و خائن بمیهن خود میدانم لرد نامبرده در سال ۱۹۰۳ میلادی هنگامیکه نایب السلطنه هندوستان بود بار دیگر برای جلب اعتماد مشایخ عرب باهشت کشتی جنگی وارد خلیج فارس گردید و در بندر شارجه موقعیکه رؤسای قبایل عرب مقیم سواحل عمان برای ملاقات او آمده بودند رویه صریح خود را در موضوع موقعیت دولت انگلیس در خلیج فارس بیان نمود و نشانهای درجه اول ستاره هند به بعضی مشایخ عرب عطا کرد «لرد لانسدون» رئیس اداره سیاسی هندوستان در مجلس اعیان انگلیس گفته بود «سیاست ما در خلیج فارس در مرحله اول باید متوجه حمایت و حفاظت توسعه تجارت انگلیس در آبهای آنجا باشد ما باید استقرار یک تکیه گاه دریائی و یک بندری در خلیج فارس را بوسیله هر دولتی که احداث نماید مانند یک تهدید بزرگی بمنافع انگلیس تشخیص داده و با تمام وسائلی که در اختیار خود داریم از چنین پیش آمدی جلوگیری نمایم».

«سر جان ملکم» در سال ۱۸۰۰ میلادی نیز بخلیج فارس آمده در کتاب خود مینویسد: «ما موریتون به ایران برای این منظور بود که هندوستان را از شر مهاجمات سرحدی زمان شاه امیر افغانستان خاتمه بدهم و نیز اقدامات و عملیات فرانسویها در دربار فتحعلی شاه بی اثر گذارم زیرا هیئت نمایندگان فرانسه که بریاست «گاردن» به ایران آمده بودند قرار دادی با شاه منعقد نموده بودند که دولت ایران روابط سیاسی و تجارתי خود را

با انگلیسها قطع نماید و نماینده ایران از بمبئی احضار کند و عمال و کنسولهای انگلیس را از ایران و خلیج فارس خارج کنند و ارتباط از راه خشکی و دریا برانگایسها ببندند. در اجرای مقاصد خود پیشرفت نمودم و موفق شدم راجع بمسائل مربوط به ایران و خلیج فارس قرار دادی بافتحلی شام منعقد نمایم و این قرارداد بنام معاهده قطعی معروف بود که در نتیجه روابط تجارتمی انگلیس و ایران که چندی رو بضعف رفته بود بار دیگر رونق یافت و مناسبات سیاسی و اقتصادی بین طرفین برقرار گردید. در دوره رضاشاه پهلوی به نماینده ایران مرحوم رضا ارفع الدوله در جامعه اتفاق ملل دستوری داده شد که برای خرید چند کشتی جهت نگهداری بنادر خلیج فارس و جلوگیری از قاچاق مذاکره نماید. بعضی دول اروپائی که منافعی در خلیج دارا بودند مایل باین کار نبودند ولی ارفع الدوله با جدیت و کوشش زیاد موفق گردید چند کشتی که ظرفیت آنها بسیار کم بود از ایتالیا خریداری نماید برای این منظور دو یست نفر از افراد آرتس انتخاب شد و در سال ۱۳۱۲ خورشیدی به ایتالیا برای آموختن فنون دریانوردی رفتند کشتیهای پانک - بیر - کرکس - سیمرخ - شاهرخ - همای - شهباز - و کشتی یدک کش را که ساختمان آنها انجام یافته بود تحویل گرفته و وارد بوشهر شدند هنگام ورود این کشتی رضاشاه پهلوی در بوشهر آنها را بازدید نمود.

مرکز نیروی دریائی جوان و محل پادگان و فرماندهی و مخازن و تعمیرگاه و بیمارستان و آموزشگاه و اداره بندر در خرمشهر برقرار گردید و ایستگاه این کشتیها باین قرار بود ناو بیر و کشتیهای سیمرخ و شاهرخ و یدک کش مأمور بندر خرمشهر - ناو پلنک مأمور نگهداری پالیشگاه نفت در آبادان - کشتیهای کرکس - شهباز و پنج موتور دریائی دیگر مأمور نگاهداری مؤسسات و حوض شاور در بندر شاپور بودند و ضمناً ناوهای پلنک و ببر مأموریت گشت در بنادر و جزایر خلیج فارس

داشتند و اعراب و قاچاقچیان کرانه خلیج از وجود این کشتیها خائف بودند اکنون که این سطور را مینویسم نیروی دریائی جدید تأسیس ایران در واقعه اسف آور ۳ شهریور ماه ۱۳۲۰ خورشیدی غفلتاً مورد بمباران واقع شدند و ناوهای پلنک و بیر - بقعر آب شطالعرب فرو رفتند و بقیه کشتیهای دیگر آسیب زیاد دیدند و آن همه تأسیسات دریائی که با مبالغ هنگفت و خون دل این ملت دایر شده بود از میان رفت و مرحوم دریادار بایندر و در حدود ششصد نفر افسر و ملوان نیروی دریائی زخمی و کشته شدند بعدها تاریخ حقایق این واقعه را قضاوت خواهد نمود.

خور موسی یا بندر شاهپور

خور موسی يك زبانه دریائی است که دهانه آن در حدود ۳۷ کیلومتر در انتهای خلیج فارس و در سمت مشرق رودخانه بهمن شیر واقع شده و در وسط خور نامبرده جزیره کوچکی بنام قبر ناخدا وجود دارد و تا بندر شاهپور ۹۲ کیلومتر مسافت دارد در کرانه اطراف خور موسی يك منطقه باتلاقی فرا گرفته و هنگامیکه آب دریا بالا میآید تا مسافت ۱۴ کیلومتر کرانه را میپوشاند و خط آهن تا ایستگاه سربند از میان این ناحیه باتلاقی که خالک ریزی شده عبور میکند - گودی و عمق خور موسی بین ۲۰ تا ۴۰ متر میباشد و تا مصب شطالعرب در حدود ۸۰ کیلومتر فاصله دارد - چون کشتی ۷۰ کیلومتر از خور نامبرده بطرف شمال سیر نماید خط خشکی تنگ تر شده و پهناي خور در نزدیک بندر شاهپور به دو یا سه کیلومتر محدود می گردد و کشتیهای بزرگ به آسانی میتوانند وارد بندرگاه شده و کالای خود را پائین نمایند.

راه آهن ایران

اگر چه راه آهن از بندر شاهپور کوتاه ترین راه بمرکز و شمال ایران است ولی خط سیر آن ناهموار و اکثر در میسر جبال صعب العبور

ودره های عمیق واقع شده است. راه آهن پس از گذشتن از جلگه مازندران و عبور از شهر های ساری و شاهی وارد تنك تالار در رشته جبال البرز می گردد و گردنه فیروزکوه را بوسیله تونل ها و کوه ها طی نموده وارد کویرو جلگه و رامین می گردد بعد از عبور از دشت و جلگه های قم و اراك باز وارد نواحی کوهستانی و رشته جبال لرستان و تنك آب دیز شده در حدود ۱۰۰ کیلومتر در میان تونل های طولانی و روی پلها عبور کرده وارد اندیمشك و دشت خوزستان میشود - راه آهن ایران دارای ۹۰ ایستگاه میباشد و ۳۱ ایستگاه آن از بندر شاه تا تهران ۵۹ ایستگاه دیگر از تهران تا بندر شاپور واقع شده است - همچنین ۱۲۰ تونل و ۲۰ پلهای بزرگ و کوچک در مسیر خط آهن قرار دارد و طول - ترین آنها تونلی است واقع در کدوك که دو کیلومتر و نیم درازی آن می باشد.

راه آهن ایران از سالهای متمادی مورد نظر خودی و بیگانه بوده از جمله مرحوم صنیع الدوله که مجله بنام «راه نجات» در خصوص فواید خط راه آهن نوشته است. از سال ۱۳۰۶ خورشیدی از طرف شمال و جنوب شروع بساختن راه سراسر ایران گردید و طول آن بالغ بر ۱۳۹۴ کیلومتر است که هزینه هر کیلومتر در حدود پنج هزار لیره شده و مخارج کل ساختمان راه آهن بالغ بر سی میلیون لیره که از عواید انحصار قند و شکر و چاهی بوده است.

تاریخچه تحولات سیاسی بین الملل راجع براه آهن ایران از زمان ناصرالدین شاه شروع گردیده و در سال ۱۸۷۲ میلادی دولت انگلیس در نظر داشت که بکرشته خط آهن از بنادر مدیترانه شروع کرده و از وادی فرات و دجله عبور داده از طریق بنادر جنوب ایران و کرانه مکران به بندر کراچی امتداد دهد و برای انجام این منظور کمیسونی در لندن از متخصصین فنی تشکیل گردید و در نتیجه «بارون جولوس» انگلیسی

امتیاز راه آهن را در دوره ناصرالدین شاه و صادرات میرزا حسینخان سپهسالار بدست آورد بعلاوه امتیاز بعضی معادن نیز بمدت هفتاد سال تحصیل نمود.

«بارون جرلیوس» بعدها امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی را در ایران نیز دارا گردید چون منظور عمده از تحصیل امتیاز راه آهن تهدید سیاسی به دولت روسیه تزاری بود که بعد از مقابل تقاضای انگلیسها متعهد شدند که در امور افغانستان دخالت نکنند بنابراین موضوع این امتیاز راه آهن از بین رفت و قرارداد آن لغو گردید.

در سال ۱۸۷۴ میلادی «بارن فالکن هاین» مهندس خط آهن گرجستان به تهران آمد و در نظر داشت امتیاز راه آهن از سرحد جلفا تا تبریز بگیرد ولی در خلال مذاکرات معلوم گردید که نامبرده این امتیاز را برای دولت روسیه تزاری میخواهد که بعدها خط آهن تبریز را بیغداد امتداد داده و آنرا بر علیه دولت عثمانی بمنظور سوق الجیشی بکار برند بالاخره تحصیل این امتیاز میسر نشد و مذاکرات بجائی نرسید. در سال ۱۸۸۲ میلادی مسیو «بوانال» که مقاطعه کار کارخانه چراغ برق تهران بود امتیاز راه آهن از رشت به تهران بدست آورد و در نظر داشت آنرا تا بوشهر امتداد دهد نیز امتیاز بکار انداختن معادن بین راه آهن تا شعاع ۱۰ کیلومتر باو واگذار گردید و پانصد هزار فرانک بعنوان ودیعه این امتیاز در بانک پاریس گذاشت ولی بعلل سیاسی امتیاز او لغو گردید. مسیو «وتسن» وزیر مختار دولت امریکا نیز امتیاز چند رشته راه آهن تحصیل نمود و بعد از او مسیو «مارگان شوستر» خزانه دار سابق ایران نقشه راه آهن را طرح نمود و در نظر داشت که بکمک سرمایه داران و مهندسان امریکائی اینکار را انجام بدهد ولی به نتیجه نرسید.

«لیون» نماینده شرکت فرانسوی در نظر داشت امتیاز راه آهن از رشت به تهران بگیرد که بمرحله عمل نرسید و بعد از او «رفون شیر»

مهندس داوطلب همین امتیاز شد و چون دولت ایران حاضر نشد برای سرمایه‌نیکه در اینکار مصرف میشد صدی هفت تنزیل بدهد مذاکرات در خصوص این امتیاز نیز بجائی نرسید.

در سال ۱۸۸۷ میلادی ناصرالدین شاه باصرار سفیر دولت روسیه تزاری قرارداد را امضاء نمود و متعهد شد که بدون رضایت و موافقت دولت روس اجازه ساختن خط آهن در ایران بهیچ شرکت خارجی داده نشود نیز در قرارداد تصریح شده بود هرگاه امتیازی از طرف شاه بدول بیگانه بدهد دولت روسیه دیگر خود را مقید بحفظ تمامیت و استقلال ایران نخواهد دانست. منظور این قرارداد جلو گیری از اجرای نقشه راه آهن از خلیج فارس تا شمال ایران بود که انگلیسها از او از تاتهران در نظر داشتند و بعدها در ازای این امتیاز سرویس کشتی رانی در رودخانه کارون به برادران «لنچ» انگلیسی واگذار گردید مجدداً دولت روسیه فرمانی از ناصرالدین شاه بدست آورد که تا مدت پنج سال امتیاز ساختن راه آهن به هیچ دولتی داده نشود و در سال ۱۸۹۰ میلادی آنرا تا پنج سال دیگر تمدید نمود و در دوره مظفرالدین شاه نیز ده سال دیگر بآن قرارداد افزوده گردید. در ۱۸۸۹ میلادی مهندس «پالوشوسکی» یکی از اعضاء عالی رتبه راه آهن قفقاز امتیاز احداث خط آهن از غازیان تارشت را تحصیل نمود. در سال ۱۸۹۰ میلادی بدو نفر اتباع روس موسوم به «نویچ» و «پالیا کوف» امتیاز راه آهن از جلفای ارس تاتهران و از آنجا بجنوب ایران و خط دیگر از تهران تا مشهد واگذار شد بعداً این امتیاز از بین رفت ولی اشخاص مزبور موفق بگرفتن امتیاز بانك استقراری شدند «لرد کرزن» مینویسد: «موضوع راه آهن ایران که در این مدت به نتیجه قطعی نرسیده ناشی از تقصیر طبیعت نیست بلکه مانع اصلی حرص و آز دول ذیعلاقه میباشد و این يك مسئله سیاسی است که میبایست در وزارت خانهای دول بزرگ و در سفارتخانهای آنها در تهران حل و تصفیه گردد. تصور میکنم بعدها راه آهن ایران از کوه های بلند و دره های عمیق از فلات ایران گذشته دریای خزر را بخلیج فارس متصل سازد،

راه آهن فرعی ایران

مسیو «بوتال» امتیاز خط آهن از تهران بقصبه حضرت عبدالعظیم بدست آورد و بعد ها این امتیاز را بیک شرکت بلژیکی فروخت.

شرکت مزبور با سرمایه دو میلیون فرانک مشغول کار گردید و امیدوار بود که خط آهن را بخلیج فارس برساند ولی بعداً روسها با شرکت نامبرده سازش نموده و با دادن اعتباری لازم بنام آن شرکت اجازه گرفتند که ۳۰ کیلومتر دیگر این راه را بطرف جنوب تهران امتداد دهند اما عملی نگردید - همچنین مرحوم حاج محمد حسین امین الضرب با شرکت جمعی از تجار ایران خط آهنی در مصب رود هراز بطول ۱۸ کیلومتر از کرانه بحر خزر تا شهر آمل کشید و در نظر داشت آنرا به تهران منتهی سازد ولی بعدها این راه آهن از کار افتاد و توانست کاری انجام دهد - در سال ۱۳۳۱ هجری امتیاز ساختمان راه آهن از جلفا تا تبریز بپانک استقر اضی روس داده شد و خط فرعی آن تا دریاچه رضائیه و کلیه معادن اطراف این خط تا شعاع ده فرسنگ به آنها واگذار گردید - این راه آهن از جلفا تا تبریز ۱۴۷ کیلومتر مسافت دارد و خط دیگری نیز از صوفیان در ۳۱ کیلومتر تبریز تا شرفخانه در کرانه دریاچه رضائیه بطول ۵۳ کیلومتر ساخته شد و در نظر بود آنرا براه آهن قفقاز متصل نمایند این راه آهن بعدها بموجب عهدنامه بین ایران و دولت روسیه در سال ۱۹۲۱ میلادی بدولت ایران منتقل گردید - راه آهن ماکو که از ایستگاه شاه تختی در قفقاز بوسیله پلی از رودخانه ارس گذشته و پس از عبور از خاک ماکو وارد مرز ترکیه میگردد و طول آن ۱۰۰ کیلومتر بود و بعد از جنگ عمومی گذشته در موقع انقلاب روسیه خراب و از بین رفت - در جنگ بین الملل گذشته انگلیسها از سه نقطه خاک ایران راه آهن کشیدند یکی از بغداد بقصر شیرین و دیگری از هند و مرز افغانستان به زاهدان و راه آهن دیگری از بندر بوشهر تا قصبه برازجان بود - خط آهن زاهدان در بولان از راه آهن اصلی هندوستان

جداشده و يك شعبه آن تا چمن در شمال خاك افغانستان ميرود و شعبه ديگري از راه نوشكي بزاھدان ميرسد كه بيشتر جنبه نظامي و سوق الجيشي داشته ولي در حمل و نقل کالا از هندوستان به ايران نيز بكار ميرفت بعد از جنگ عمومي گذشته بدولت ايران انتقال يافت كه در نظر بود آنرا تا خراسان امتداد دهند كه بصورت عمل در نيامد و بالنتيجه تعطيل واز كار افتاد . در سال ۱۹۱۸ ميلادي راه آهن از بوشهر تا برازجان بطول ۶۰ كيلو متر ساخته شد و اين خط آهن نيز جنبه نظامي داشت و بعد از خاتمه جنگ گذشته از طرف مقامات نظامي انگليسيها پيشنهاد فروش آن بشهرداری بوشهر شد چون بودجه شهرداری تكافوي خريد آنرا نمينمود بالاخره خط آهن مزبور را خراب و مصالح و لوازم آنرا ببيصره انتقال دادند .

اکنون پل چوبي آن در محل سوراخمدی باقیمانده و رو بخرابی است گویا این پل چوبي بمنزله پاداش خسارات و تلفات ایرانی در جنگ بین الملل گذشته وده كه نمایندگان ایران از جمله مرحوم مشاور الممالك انصاری در پاریس مطالبه میگردند ولی « لرد كرز» فقید مذاكرات در خصوص خسارات ایران را منوط بعقد قرارداد ایران و انگلیس در سال ۱۹۱۹ میلادی نمود كه عاقبت نمایندگان ایران بدون حصول نتیجه با ایران مراجعت كردند در جنگ عمومي دوم قریب چهار سال ۳۳ هزار نفر كازگران فنی و غیر فنی ایرانی بحمل و نقل مهمات جنگی در راه آهن مشغول بودند و متجاوز از چهار میلیون تن محمولات جنگی متفقین از خلیج فارس بكشور اتحاد جماهیر شوروی رسانیدند و در پرتو این فعالیت و حصول این موفقیت راه آهن ایران معروف به پل پیروزی گردید باید دید در عوض چه پاداشی با ایرانی داده شود . نویسنده در حیرتتم كه چگونه راه آهن ایران با صرف سی میلیون لیبه دارائی این ملت فقیر و چند سال مشقت ورنج فراوان عاقبت این راه آهن و بال جان ایرانی گردید و به صدق « دشمن طاوس آمد پراو» ایران از فواید مادی و معنوی آن برخوردار نگردید .

خاتمه

چون نویسنده این کتاب در حین مسافرت و سیاحت خود در قسمتی از کشور عده دانش آموزان هر شهر را نسبت به بساکنانش بی اندازه نا چیز و کم میدیده و از مشاهدات خود متاثر میشده و این کمی آموزشگاهها و قلت دانش جویان را منافی آن هدف عالی يك كشوری تشخیص داده که میخواهد رهسپار جاده ترقی و تکامل باشد چنانکه در حقیقت موجبات بدبختیها و پریشانی های امروزه همین محدود بودن دایره تعلیمات عمومی است که از جهالت و نادانی ناشی گردیده و سبب نفاق و پریشانی شده است هرگاه دایره فرهنگ آنچنانکه میبایستی بسط و توسعه یافته بود و در پرورش و آماده ساختن نسل کنونی غفلت نمیکردند بطور مسلم این همه فساد اخلاق و زبونی و پریشانی در کشور وجود نداشت و افق زندگانی روشتر و صافتر مینمود ایران امروز نیاز شدیدی يك سازمان مجهز آموزش و پرورش دارد که برای مبارزه با جهالت و فساد و آماده ساختن يك نسل سالم و نیرومند که روح ایمان و میهن دوستی را در دل های جوانان تقویت کند - اکنون ختم نگارش این کتاب باطلوع روزنه امید بخشی مصادف شده این حسن مقطع یا روزنه امید همانا تصویب يك اعتبار اضافی بمبلغ پنجاه میلیون و چهار صد هزار ریال علاوه بر بودجه سال ۱۳۲۳ خورشیدی برای وزارت فرهنگ میباشد این اضافه بودجه مصوبه بمنظور اجرای تعلیمات اجباری و عمومی است که در سال جاری با تأسیس یکصد دبستان جدید در شهرستانها و قصبات آغاز خواهد شد این کار نیک و اقدام شایان تحسین منتها آمال دیرینه این نویسنده و سایر ترقیخواهان ایرانی از بدو طلوع مشروطیت در ایران بوده - این اقدام بزرگ اصلاحی همانقدر در خور اهمیت و توجه میباشد که يك ملت رازنده و از خواب عمیق بیدار خواهد نمود چه تازمانیکه تعلیمات عمومی در ایران توسعه بسزائی نیابد ایرانیان تکالیف

فردی و ملی خود را شناخته و برای حفظ حقوق حقه خویش قیام نخواهند کرد و تباهی و فساد عظیمی در دستگاه دولت و ملت حیات عمومی را بشدت تهدید مینماید .

هر کس تاریخچه چهل ساله مشروطیت ایران را با تاریخ مشروطیت کشور ژاپن قیاس کند حقیقت گفته نویسنده را تصدیق خواهد کرد در این مدت رجال و زمامداران ایران برخلاف سایر دول دیگر نفع خود را در بیسوادی مردم و چنین تشخیص دادند که هر قدر جهل ملت بیشتر باشد همانقدر تحمل و اطاعت کور کورانه آنها زیادهتر خواهد بود غافل از اینکه صلاح و فلاح آنها در دانائی و توانائی ملت است چه این بساط وحشت و غم انگیز و فقر و جهل عمومی باعث نفرت مردم و غضب خداوندی و نزول بلای آسمانی و بروز انقلاب و دست اندازی ییگانگان و سقوط و از دست رفتن استقلال و انقراض کشور چند هزار ساله ایران خواهد شد - جنك عالم گیر گذشته بهترین درس عبرت برای رجال ایران بود ۲۵ سال غافل نشسته و آنقدر در تکرار اشتباهات بسر بردند که فرصت گرانبھائی را از دست دادند اکنون همان وضعیت ادامه دارد موضوع «حتی تأتیهم الساعه او یاتیه عذاب یوم عظیم» مصداق پیدا کرده هر گاه از همین اکنون زمامداران امور کشور و نمایندگان ملت در صدد چاره جوئی بر نیایند باشد که رشته‌ها از هم گمیخته و شیرازه امور بیک باره متلاشی گردد که دیگر بیهیچوجه اصلاح پذیر نبوده و حوادث غیر منتظره رو دهد و استقلال این کشور در خطر افتد.

بعقیده نویسنده اولین قدم برای اصلاح فرهنگ بودجه دافی و اصلاح برنامه تعلیمات و تهیه کتب سودمند برای هر یک از دوره های ابتدائی و متوسطه و همچنین مجزا نمودن اداره اوقاف از وزارت فرهنگ بصورت یک وزارت مستقلی بنام «وزارت اوقاف و ابنیه تاریخی» میباشد تا با بهترین وجهی موقوفات این کشور را اداره و درآمد سرشار آن بخوبی جمع آوری

و بدرستی بمصارف حقیقی و ندادهای اینیه و آثار باستانی و حداکثر استفاده
برسد قسمتی از این درآمد بمنظور بهداری و فرهنگی اختصاص داده شود
که صرف مدارس شبانه روزی برای کودکان یتیم و مستمند و دارالجزوه و
بیمارستانهای مجانی گردد و از این طریق بمصداق «من احیا نفساً فکانما
احیا الناس جمعاً» روح بانیان خیر موقوفات شاد میگردد.

ضمناً قانونی از مجلس شورای ملی بگذرد و موقوفاتی که هر کس
تصرف نموده و بصورت تملك شخصی درآورده بازگرداند در اینصورت
يك پيكر بزرگی را درآمد موقوفات کشور تشکیل خواهد داد و با این
عایدات هنگفت میتوان کارهای بزرگی برای این ملت پریشان حال
انجام داد.

وظیفه وزارت فرهنگ است که تربیت معلم و آموزگار و تأمین
احتیاجات مادی و معنوی آنها را فراهم نموده و تهیه کتب مفیده و اصلاح
برنامه طبق احتیاجات محلی و استفاده از بهترین روش تعالیم دول مترقی و
بنیاد ساختمانهای فرهنگی و توجه کافی بتربیت و ترویج فضایل اخلاقی
و ادبی و ایجاد و تشکیل يك هیئت مدیره مستقلی برای يك مدت طولانی
و غیر محدود با طرح يك نقشه فرهنگی غیر قابل نفوذ و تأسیس انجمن های
ادبی و اطلاعات و هنرهای دیگر که بعدها ملت از فواید آن برخوردار
شوند از اهم وظایف سازمان جدید فرهنگ مستقل خواهد بود که در نتیجه
در امور مالی و فنی بتواند نقشه جامع و درستی برای همیشه با اتخاذ بهترین
روشها تهیه نمود و آمال و آرزوهای دوستداران فرهنگ برآورده شود
و تربیت اتکالی را پرورش استقلالی مبدل سازد با تفکیک امور فرهنگ از
سیاست و بحرانهای متغیر روزانه نجات یابد.

عدالت اجتماعی وقتی در ایران پدیدار خواهد شد که فرهنگ کشور
موجبات ظهور آنرا فراهم نماید بنابراین هر وزیر و یا مصلح خیر اندیشی
که این آرزوی ملی را بمرحله عمل رساند مانند واشنگتون فقید رئیس جمهوری

امریکا نام خود را در سر لوحه تاریخ کشور ثبت جاودان خواهد نمود .
گویند هنگامیکه واشنگتون نخستین رئیس جمهوری امریکا بدوین
قانون اساسی امریکا مشغول بود نزدیکانش باو گفتند که برای شخص
رئیس جمهوری امتیازی و اختیاراتی در قانون اساسی مقرر دارد ولی آن مرد
عالی‌مقدار که حسن نیت و شخصیت عالی داشت از گفته آنان سر باز زده
و جواب داد که این را میدانم تا شخصاً شاغل این مقام و دارای مسئولیت
ریاست جمهوری امریکا می‌باشم در مورد چنین امتیاز و اختیاراتی خیانت نخواهم
کرد ولی همینکه دیگران باین مقام انتخاب شدند چندان اعتماد بدیانت آنها
نخواهم داشت. اکنون پایتخت امریکا بنام این شخص بزرگ نامیده میشود
نامش همیشه جاویدان است. و اساس استواری این مرد تاریخی بجای نهاد مملت
با استعداد امریکا با توجه و اهتمام زمامداران لایقی که بعد آدارا گردید در کلیه
شئون زندگانی طوری پیشرفت نمود که امروزه از بزرگترین ملل راقیه
دنیا بشمار میرود. یکی از مظاهر برجسته تمدن امریکاروش مخصوص تعلیم و
تربیت آن کشور بزرگ است که امروزه سر مشق جهانیان قرار گرفته و بایستی
کشور ما هم از مزایای آن روش عالی و پرورش وسیع و سودمند امریکا
استفاده‌های شایانی بعمل آورد و بر عهده اولیای فرهنگی است که فرهنگ امروزه
مارا با فروغ درخشان فرهنگ امریکاروشن سازد که در نتیجه روح میهن
پرستی و نوع خواهی در کالبد بیروح این ملت پیدا شود. چه فرهنگ ما
با وسعت دایره معانی و رفعت مقام آن از مزایای تربیتی و جنبه عملی تا
حدی محروم گردیده و این نقیصه ما را از پاره تمتعات تحصیلی باز داشته و
آن نتایج عالی که باید از تعلیمات عمومی گرفته شود بدست نمیآید اینک
کتاب را پایان میرساند و ترقی و تعالی فرهنگ این ملت را از خدای دو
جهان مسئلت مینماید.

پایان

غاطنامه

صحيح	غلط	سطر	صفحه
قرار دارد	قرار داده	۱۴	۶
قریه طبروق	قریه طروق	۱۳	۹
شهرها	ممالك	۲۵	۱۹
بیرازجان	بیرازجان	۱۴	۲۷
بیرازجان	بیرازجان	۹	۲۸
کتیبه	کتبه	۱۸	۳۰
تنباکو	تباکو	۱۴	۳۱
دزداب	درزاب	۱۵	۳۳
فوت	قوت	۹	۴۳
مشهد مرغاب	مشهد مرغات	۱۹	۵۸
هارد فورد بریدج	هارد فورد بریج	۱۸	۶۱
گنبدهای	سنبدهای	۲	۶۴
پل آبکینه	پل بکینه	۱۷	۶۷
بجنوب	بجنوت	۱۴	۷۳
گنبد گبر	گنبد کبر	۲۱	۸۱
تربیت	تربت	۴	۸۶
تحت البحری	تحت بحری	۲۳	۹۰
ایرانیان	ایرانیان	۱۵	۹۵
دهستان بوده	دهستان داشته	۴	۹۶
مباشند	مباشد	۷	۹۶
ابویزید	ابویزید	۲۰	۱۰۸
نیار کورس	نیار کررس	۱۷	۱۱۴
فتحعلی شاه	فتحعلی شام	۵	۱۱۷
کشتی ها	کشتی	۱۷	۱۱۷

سال هجری که در این کتاب نوشته شده منظور سال هجری قمری است

حس



کتابخانه مرکزی
Central Library
تاسیس ۱۳۰۲ خورشیدی